

سُرخاب و سفید آب

[سوالات بی پاسخ که از شیعه باید پرسیده شود].

(شیعه پاسخ نمی دهد)

(جلد اول)

نویسنده:

علی حسین امیری

عنوان کتاب:

سُرخاب و سفید آب (جلد اول)

نویسنده:

علی حسین امیری

موضوع:

بررسی عقاید مذهبی شیعه

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۶ سخنی از ناشر
۸ مقدمه
۹ حکومت نظامی
۱۱ در پی حکومت بر نا اهلان!
۱۱ خانه از پایه ویران است! ..
۱۲ کودتای سفید
۱۳ کودتایی در مسئولیت الهی
۱۴ نام علی در قرآن
۱۷ وصیت پیامبر در حق اهل بیت به چه معناست؟
۱۸ امیر مؤمنان در پست نخست وزیری خلفاء پیش از خود
۱۸ چه نیکو دشمنانی
۱۹ پرسش‌های حیران
۲۴ ابوبکر در تیرس
۲۵ تأویلی شاخ دار!

- ۲۵..... حضرت علی و مردم سالاری
- ۲۶..... بی رغبتی در خلافت
- ۲۷..... علی تقیه نمی کند
- ۲۷..... در زیر تیغ
- ۲۸..... حجت‌های ساختگی
- ۲۸..... ایمان در خطر!
- ۲۹..... دروغ‌های شاخ‌دار
- ۲۹..... حدیث قرطاس و اهانت به پیامبر
- ۳۲..... حقایق پنهان
- ۳۳..... دیانت و سیاست
- ۳۳..... جامعه تا ابد نوپاست!
- ۳۴..... دلیل برای دشنام!
- ۳۷..... دیدار با امام زمان
- ۳۸..... عمر در پی ابوبکر
- ۳۹..... زبان عربی زیر سؤال
- ۳۹..... تیری شکسته!
- ۳۹..... عمر داماد علی
- ۴۰..... زحمات پیامبر به باد فناء
- ۴۱..... هجوم به خانه فاطمه
- ۴۲..... دزدی از جیب آسمان!
- ۴۲..... ملاقات با امام زمان
- ۴۵ **تناقضات**

- ۴۵.....رقص و پایکوبی مردم در حکومت نظامی
- ۴۵.....فصاحت دلیل است و بلاغت نه!
- ۴۶.....روایت دشمن علی روی چشم!
- ۴۶.....حکایت مجهول
- ۴۶.....بر پیامبر حلال
- ۴۸.....تو را چه به آتش در خرمن دشمن؟!
- ۴۸.....ثروتمند گرسنه
- ۴۹.....مجتهدان تازه به دوران رسیده
- ۴۹.....امام زمان و سر و گردنی بالاتر از امیر مؤمنان
- ۵۰.....حرف حسابی
- ۵۱.....ایراد بی مورد
- ۵۱.....تخلف یا احترام
- ۵۲.....پیامبر یا امام؟
- ۵۲.....مژده‌های خدا کجایند؟
- ۵۲.....قرآن یا دیوان مدح و ثنا
- ۵۲.....همبستگی کیان امت قبل از دفن رهبر
- ۵۴.....زخم زبان به خود
- ۵۶.....مطهری در پی راه چاره
- ۵۷.....تقیه شکن
- ۵۸.....اشتباه از امام یا از خدا
- ۵۸.....آیا شرک شاخ و دم دارد؟
- ۵۹.....کودتای نافرجام

- ۶۰..... با دو تیر یک نشان
- ۶۴..... کاسه‌ی داغتر از آش
- ۶۵..... شیعه یا خوارج
- ۶۷..... علی و مشارکت در ظلم
- ۶۸..... کودتاگران بی اطلاع!
- ۶۸..... یک سوراخ و دو نیش
- ۷۰..... مؤمنان کافر!
- ۷۲..... پیامبر در کنار گمراهان!
- ۷۲..... اختراع بزرگ صفویان
- ۷۳..... آتش در خانه وحی
- ۷۳..... از طلا شدن پشیمانیم
- ۷۴..... پاسخ علی گوش شنوا ندارد
- ۷۴..... اگر علی از قبر برخیزد!
- ۷۴..... یک سوزن بخود
- ۸۶..... قبر پرستی
- ۸۸..... چرا وصیت به اهل بیت
- ۸۸..... خطبه فدکیه
- ۸۹..... روایت خوارج
- ۹۰..... تحقیقی بدتر از تقلید
- ۹۰..... کشف العیوب
- ۹۰..... شرک در صفات
- ۹۰..... یا ایها الذین آمنوا علی است!

-
- ۹۱..... امام قرآن است
- ۹۲..... گرمای سوزان روز غدیر
- ۹۲..... پاسخ:
- ۹۶..... احادیث تلخ در مذهب حیران
- ۱۱۱..... افسانه سوختن در کلبه‌ی بی‌در!
- ۱۱۶..... و برای حسن ختام به این حدیث از حضرت علی علیه السلام دقت کنید:
- ۱۱۷..... نکته‌ای بسیار مهم:
- ۱۲۶..... توضیحی پیرامون نام این کتاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخنی از ناشر

حمد و ثنا قیومی را که عقول بنی آدم از ادراک کنه ذات بیچون او عاجز است و آیات صنعش در ایجاد عالم ظاهر است، و شکر و سپاس آن قدیمی را که بر وحدت ازلیت او در آثار قدرت و تکوین مکونات عالم دلیلها و برهانهاست، آن خالقی که به یک امر "کن" نور و ظلمت را در ترتیب ترکیب روح انسانی ازدواج پذیرانید، و ابناء آدم را به خلعت کرامت "ولقد کرمنابنیا آدم" مشرف گردانید، و کمال ایشان را در معرفت ربوبیت و وحدانیت خود - جلّت عظمته و علت کلمته - پیوست و توفیق بوجه کمال رفیق طایفه‌ای گردانید که مستعدان حال و طالبان اقبال بودند، و از برای ارشاد ابناء انسان انبیاء مرسل فرستاد تا نور حق از ظلمت باطل و نفس از زنگ شبهه و کدورت شرک بزدودند، و سرور ایشان در رسالت و خاتم ایشان در نبوت سید المرسلین و امام المتقین ابو القاسم محمد بن عبدالله - صلوات الله و سلامه علیه - از برای زیور نبوت و تاج رسالت از میان خلق برگزید....

از دم صبح ازل تا بقیام عرصات	بر سر و پای دلارای محمد صلوات
شکند تیغ زبانم همدم شاخ نبات	باد بر قامت رعناى محمد صلوات
فرض عینست می‌بگویم تا وقت ممات	دمبدم بر گل رخسار محمد صلوات

این کتاب در حقیقت یک نامه محبت آمیزی است از شخصی که خداوند راه و رسم هدایت را بدو آموخت و از منجلاب بدعتها و گمراهی‌ها او را نجات داد. در این کتاب او بر تپه‌ی نجات ایستاده و به پشت سر خود می‌نگرد. قوم و خویش خود را در گمراهیها می‌بیند. با یک چشم از فرط شادی و خوشحالی از نجات اشک سرد می‌ریزد. و چشم دیگرش لبریز از بخار آتشین دل سوخته‌اش بر ملت مردمش است. و آه می‌کشد که ... ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ۗ قَالَ يَلِيَّتْ قَوْمِي يَعْلمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾﴾ [یس: ۲۶-۲۷]. «.. ای کاش قوم من بدانند. که بچه چیز بیامرزید مرا پروردگار من و ساخت مرا از نواختگان».

نویسنده کتاب با اسلوب بسیار ساده و عامیانه بدور از اصطلاحات و فلسفه گرائی‌ها و سفسطه بازی‌های آخوندها عقل و بینش هر آزاده‌ای را مورد خطاب قرار می‌دهد.

نویسنده از مکر و حيله و از دروغ و نیرنگ و از بازی با سرنوشت مردم بیزار است. و می‌خواهد به همه یاد آور شود که روزی در مقابل دادگاه عدل الهی خواهند ایستاد.

برای آروز چه جوابی دارند؟ آیا تقلید کورکورانه از آخوندهای جاه طلب و مال پرست و دنیا دوست، و زیر پا نهادن عقل و منطق در آن روز خریداری خواهد داشت؟! از

نویسنده از خواننده کتابش جز بخود اندیشیدن و از عقل سراغ گرفتن هیچ نمی‌خواهد. او تلاش دارد دست تو را بگیرد و از باتلاق هلاکت بیرون کشیده در کنار خود روی تپه‌ی نجات قرار دهد..

در این کتاب هیچگونه سحر و جادوای نیست اما وردی است که طلسم جادوگران را درهم می‌شکنند...

مقدمه

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب گرانقدرش. معمولاً علما و مراجع شیعه به شبهات و سوالاتی که مخالفین ایشان طرح می‌کنند به نحوی پاسخ می‌دهند، البته در برابر سوالات صحیح و بجا پاسخهای درستی ارائه نمی‌دهند و معمولاً با سفسطه و بازی با کلمات یا رجوع به احادیث و روایات باب میل خود به پاسخگویی می‌پردازند، یا با رجوع به عقاید خود مثلاً با استفاده از حربه تقیه یا علم غیب یا مصلحت‌ها و غیره... به تمامی سوالات پاسخ می‌دهند.

ولی یک سری از سوالات هستند که هیچگونه پاسخی ندارند و علمای شیعه در برابر این سوالات تنها می‌توانند سکوت کنند و نمی‌توانند آنها را توجیه و تفسیر کنند.

در این کتاب به شرح و بیان یک سری از سوالات می‌پردازیم تا خواننده گرامی متوجه شود مکتبی که آخوندهای شیعه به عنوان مکتب اهل بیت معرفی می‌کنند بی‌پایه و اساس است و دارای دروغها و خرافات فراوانی می‌باشد و در واقع با مکتب اهل بیت در تضاد کامل است.

لازم به تذکر است که در مطرح نمودن سوالات از کتاب ارزنده آلفوس نوشته‌ی علیرضا حسینی نیز استفاده می‌کنیم و در این تحریر که تحریر دوم سرخاب و سفیدآب است سوالات جدیدتری اضافه شده به همراه پاورقی‌های بیشتر و توضیحاتی پیرامون مسئله‌ی حدیث که در انتهای کتاب آورده ایم.

حکومت نظامی

۱- علمای شیعه دائم بر این عقیده هستند که پس از رحلت پیامبر ﷺ خلافت الهی حضرت علی رضی الله عنه توسط کودتای سقیفه بنی ساعده غصب شده است، و در واقع ابوبکر غاصب خلافت الهی علی بوده است، و کسانی که حق علی را غصب کرده‌اند پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خفقان شدیدی ایجاد نمودند و هیچکس جرات مخالفت با ایشان را نداشته است و محیط به شکلی بوده است که حتی حرمت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نگه نداشته‌اند و به خانه او هجوم برده‌اند و باعث سقط جنین او شده‌اند و حضرت علی را نیز به زور و با طنابی به گردنش برای بیعت گرفتن به بیرون کشیده‌اند و غاصبان خلافت در مدینه و محیط آن زمان خفقان شدیدی ایجاد کردند.

حتی چنانچه به آخوندها بگوئید: چرا کسی به حق الهی حضرت علی و غدیر خم اشاره‌ای نداشته؟ خواهید دید که همین پاسخ‌ها را خواهند داد و می‌گویند: ای آقا، در آن زمان درب خانه آتش می‌زدند و سیلی به گوش دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌زدند و طناب به گردن علی انداختند، شما نمی‌دانید که ابوبکر و عمر و طرفداران ایشان در آن زمان چه خفقانی ایجاد کرده بودند. پس از این توضیحات من سوال خود را طرح می‌کنم:

می‌شود بفرمایید این چه خفقانی بوده که حتی زنان می‌توانسته‌اند علیه خلیفه در مسجد خطبه بخوانند؟ منظورم خطبه فاطمه زهرا است که به عقیده شیعه پس از غصب خلافت حضرت علی در مسجد علیه ابوبکر ایراد شده.

این چه خفقانی بوده که زنان برای بیعت گرفتن به درب منزل انصار می‌رفته‌اند؟ چون شیعه بر این عقیده است که فاطمه زهرا به همراه حضرت علی به درب منازل انصار می‌رفته تا برای خلافت علی بیعت بگیرد.

این چه خفقانی بوده که پسر بچه‌ای ۱۰ ساله (امام حسن) به ابوبکر می‌گفته: از منبر پایین بیا؟

این چه خفقانی بوده که یک عرب به خلیفه (عمر بن خطاب) می‌گفته چنانچه بخواهی کج شوی با این شمشیر راست می‌کنیم؟

این چه خفقانی بوده که یک عرب خطاب به خلیفه (عمر بن خطاب) اعتراض می‌کرده که چرا سهم پارچه و لباس تو بلندتر از ماست؟ فراموش نکنید شیعیان در مورد خطبه فاطمه زهرا نمی‌توانند بگویند: حضرت فاطمه دختر نبی اکرم ﷺ بوده و می‌توانسته این کارها را بکند، چون از آن طرف می‌گویند به همین دختر ظلم و ستم فراوانی شده و به گوش او سیلی زده‌اند و درب منزل را آتش زده‌اند و باعث سقط جنین او شدند. پس او نیز در خفقان به سر می‌برده و در واقع از همه بیشتر در این خفقان بوده و از همه بیشتر به او ظلم شده است.

پس این تضادها را چگونه توجیه می‌کنید؟ اگر ابوبکر و عمر خفقانی ایجاد کرده بودند پس خطبه فاطمه زهرا و رفتن نزد انصار برای اخذ بیعت دیگر چیست؟

۲- سوال دیگر این است که یک حکومت باید چندین سال بر روی کار بیاید و طرفدار جمع کند تا پس از ایجاد شرایط لازمه بتواند ایجاد خفقان کند، پس چطور ابوبکر فوری پس از به دست گرفتن حکومت ایجاد خفقان کرده؟ آن هم در همان روز اول؟ او که هنوز بر سر کار نیامده بود و هنوز نمی‌توانسته خفقان ایجاد کند. چطور توانسته فوراً در همان ابتدای امر علیه بزرگانی چون علی و فاطمه دختر پیامبر ﷺ ایجاد خفقان کند؟ و همچنین علیه بقیه مردم و مخالفین؟، و آیا بقیه مردم به همین زودی خدمات حضرت علی را فراموش کرده بودند؟ مگر اینکه همان جوابهای احمقانه سابق را بدهید که همه مردم و صحابه از همان ابتدای بعثت نفرت و کینه علی را در دل داشته‌اند و پس از رحلت پیامبر ﷺ این کینه‌ها را نشان داده‌اند!!! پس چنانچه همه مردم کینه حضرت علی را به دل داشته‌اند و

اصحاب مرتد شده‌اند و بیعت خود در غدیر خم را فراموش کرده‌اند و در واقع دستور الهی مبنی بر خلافت حضرت علی را زیر پا گذاشته‌اند، پس با این اوصاف من سوال بعدی را مطرح می‌کنم:

در پی حکومت بر نا اهلان!..

۳- این مردمی که چنین بوده‌اند و مرتد شده‌اند و دستوری به این مهمی را زیر پا گذاشته‌اند، پس آیا حضرت علی می‌خواسته بر چنین مردمی حکومت کند و حق خود را از ابوبکر پس بگیرد؟ این چنین مردمی که لیاقت خلافت حضرت علی را ندارند و چطور علی می‌خواسته بر آنها فرمانروایی کند؟ مردمی که از دستور الهی سرپیچی کرده بودند آیا به دستورات علی گردن می‌نهادند؟ پس چرا شما اینقدر سنگ خلافت را بر سینه می‌زنید؟ شما از یک طرف می‌گویید: صحابه مرتد شدند پس آیا علی می‌خواسته بر عده‌ای مرتد فرمانروایی کند؟ مردمی که از همان ابتدای بعثت کینه علی را در دل داشته‌اند و پس از رحلت پیامبر ﷺ این کینه‌ها را بروز داده‌اند، پس چطور علی می‌خواسته بر آنها حکومت کند؟ (شیعه می‌گوید: اصحاب پس از رحلت پیامبر ﷺ مرتد شده‌اند، ولی از طرفی می‌دانیم که اصحاب پس از رحلت نبی اکرم ﷺ با شورش اهل رده به مقابله پرداختند، پس طبق نظر شیعیان عده‌ای مرتد به جنگ عده‌ای مرتد دیگر رفته‌اند!!!!).

خانه از پایه ویران است!..

۴- مورد بعدی این است که طبق روایات متعددی که در کتب شیعه آمده پیامبر ﷺ علم غیب داشته (و حتی امامان)، و مرتب به علی سفارش می‌کرده که چنانچه خلافت را به تو ندادند سکوت و صبر پیشه کن و غیره، و در واقع به شخصیت واقعی ابوبکر و عمر و عثمان و عائشه و... آگاهی داشته است.

حال ما می‌پرسیم: پس چرا پیامبر ﷺ اینقدر این افراد را به خود نزدیک می‌کرده؟ و آیا علت به قدرت رسیدن ابوبکر و عمر و عثمان همین نزدیکی و خویشاوندی ایشان نبوده؟ پس نعوذبالله اولین مقصر در غصب خلافت الهی حضرت علی خود شخص پیامبر بوده، چون زمینه به قدرت رسیدن ایشان را فراهم کرده است.

کودتای سفید

۵- شیعیان می‌گویند: در سقیفه بنی ساعده کودتا شد و حق علی غصب شد و حتی بر این نظر هستند که ابوبکر و عمر قبل از رحلت پیامبر ﷺ نیز به فکر غصب خلافت بوده‌اند و این عقیده از احادیث و روایات متعددی که در کتب ایشان بر علیه ابوبکر و عمر ثبت شده به خوبی نمایان است و مرتب به حدیث قرطاس اشاره دارند که پیامبر ﷺ تقاضای قلم و دوات می‌کند تا جانشینی علی را متذکر شود و عمر از این موضوع مطلع می‌شود و اجازه این امر را نمی‌دهد چون از همان موقع به فکر غصب خلافت علی بوده است. موضوعی که بین شیعه و سنی مشترک است این است که انصار در سقیفه جمع شدند تا خلیفه‌ای انتخاب کنند و این موضوع به اطلاع ابوبکر و عمر می‌رسد و ایشان خود را به سقیفه می‌رسانند.

حال ما می‌پرسیم: این چه کودتایی بوده که خود ابوبکر و عمر از آن بی‌اطلاع بوده‌اند؟ شما که می‌گوئید: ایشان از قبل نیز به فکر غصب خلافت بوده‌اند، پس چرا از ماجرای سقیفه بی‌اطلاع بوده‌اند؟ و تازه به آنها خبر داده‌اند تا به آنجا بروند.

شیعه خواهد گفت که چون انصار از قصد و نیت ابوبکر و عمر با خبر بوده‌اند زودتر به سقیفه رفته‌اند تا خودشان خلیفه‌ای را انتخاب کنند!!! (جالب است که همه دنیا از قصد ابوبکر و عمر با خبر بوده‌اند ولی

پیامبر ﷺ این موضوع را نمی دانسته و ابوبکر و عمر را مرتب به خود نزدیک کرده و اگر این موضوع را می دانسته چرا برای پس از رحلت خویش فکری نکرده تا خلافت الهی علی توسط ایشان غصب نشود؟!.

می پرسیم: چرا انصار در جریان انتخاب خلیفه در سقیفه و در مقابل مهاجرین نگفته اند: ما با علی بیعت می کنیم؟ اگر نمی خواسته اند ابوبکر خلیفه شود چرا در انتها با او بیعت می کنند؟

کودتایی در مسئولیت الهی

چطور انصار متوجه موضوع بوده اند و سریعاً به فکر سبقت گرفتن از ابوبکر و عمر افتاده اند ولی خود حضرت علی متوجه این موضوع مهم نبوده و برای حفظ خلافت الهی فکری نکرده؟ تازه به عقیده شیعه حضرت علی علم غیب هم داشته.

اگر بگویید: علی مشغول تدفین پیامبر ﷺ بوده، می گوئیم: موضوع خلافت الهی نیز از نظر شما بسیار مهم است و از نظر شما مسئله امامت بسیار بسیار مهم است و به نظر شما غصب خلافت الهی باعث انحراف در اسلام شده که باعث ضربات بسیاری شده و خواهد شد و حتی شهادت امام حسین در کربلا را نیز از نتایج همین غصب خلافت می دانید، پس چنانچه اصحاب از قبل به فکر کودتا بودند به طور حتم حضرت علی متوجه می شده (یا حتی پیامبر توسط علم غیب به او می گفته) و چنانچه خودش برای حفظ خلافت الهی به سقیفه نمی رفت لاقلاً شخصی دیگر را به عنوان نائب می فرستاد و به هر نحوی که بود جلوی به خلافت رسیدن ابوبکر را می گرفت. واقعاً خنده دار است که خلافتی الهی که توسط خداوند اعلام شده و پیامبر ﷺ و ملائکه و علم غیب و غیره... پشتیبان آن بوده اند توسط دو نفر غصب شده است، دو نفری که شما اصلاً آنها را قبول ندارید.

تمامی این موارد نشان می‌دهد که ابوبکر و عمر سوء نیتی نداشته‌اند و از قبل به فکر کودتائی نبوده‌اند تا حضرت علی یا انصار متوجه باشند و زودتر اقدام کنند.

نام علی در قرآن

۶- سوال بعدی که بارها از شیعیان پرسیده شده و جوابی برای آن نداده‌اند این است که چرا در قرآن نامی از حضرت علی و خلافت و جانشینی او نیست؟ و همینطور نام امامان دیگر و امام زمان؟ جوابی که شیعیان می‌دهند این است که تعداد رکعات نماز نیز در قرآن نیست و برای فهم آن می‌بایست به سنت و احادیث رجوع کنیم و در رابطه با خلافت نیز به احادیث مختلف رجوع می‌کنیم!!!

در جواب می‌گوئیم: شما شیعیان قیاس را قبول ندارید و در اصول کافی از امام صادق حدیث دارید که ابوحنیفه را لعن کرده به خاطر قیاس کردنش و گفته که دین با قیاس به دست نیاید. ولی خودتان در اینجا دست به قیاس می‌زنید و اصول مهم مذهب خود یعنی امامت را با فرعی از فروع دین یعنی تعداد رکعات نماز قیاس می‌کنید.

جالب است که گاهی علمای شیعه می‌گویند: ما در اصول عقاید قیاس داریم و تنها در فروع دینی قیاس را باطل می‌دانیم ولی ناگهان می‌بینیم که در اینجا با فروع دینی نیز قیاس می‌کنند یعنی تعداد رکعات نماز؛ پس نتیجه می‌گیریم که شیعه هر جا به نفع خودش باشد قیاس می‌کند.

از همه مهمتر اینکه اصول دین در جای جای قرآن به طور صریح و روشن و واضح بیان شده تا کسی بهانه‌ای نداشته باشد؛ اصولی چون توحید و نبوت و معاد؛ ولی امامت که از اصول بسیار مهم دینی نزد شیعیان است و حتی آنرا از نبوت هم بالاتر می‌برند در قرآن بیان نشده و این اصل مهم چه

ربطی به تعداد رکعات نماز دارد؟ در قرآن علاوه بر اصول دینی که بیان شده فروع دین نیز بیان شده؛ مثل نماز و زکات و حتی فروع فروع نیز بیان شده همچون وضو در سوره مائده آیه ۶ ولی امری که واضح است این است که ما باید برای فهم بعضی امور دینی به سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه کنیم برای اموری چون تعداد رکعات و غیره؛ و اگر بنا بود در قرآن تمامی نکات ریز و فروع فروع نیز بیان شود می‌بایست کتابی حجیم در چندین جلد نازل می‌شد و در انتها باز برای عده‌ای از مراجع دینی سوالاتی باقی بود و هیچکدام بدون سوال نمی‌ماندند؛ کافی است شما سری به رساله‌ها و کتب تفسیری ایشان بزنید تا متوجه شوید.

پس قرآن موارد مهم و اساسی و اصولی را بیان نموده و راه بهشت و جهنم را به خوبی نشان داده و چنانچه مسئله امامت و خلافت و جانشینی حضرت علی اینقدر مهم بود حتماً بیان می‌شد.

پس می‌بینید که شیعه پاسخ نمی‌دهد و گاهی نیز جوابهای احمقانه‌ای می‌دهد همچون اینکه علت نبودن نام علی و مسئله خلافت به خاطر امتحان بوده و خداوند امت اسلامی را امتحان نموده و تنها ما شیعیان از عهده این امتحان بر آمدیم.

ما می‌گوئیم: آیا خداوند در آخرین کتاب و فرستاده خود چنین کاری می‌کند؟ و آیا خداوند در خود امر دین امتحان و شبهه ایجاد می‌کند؟ و با اینکار بهانه را به دست گمراهان می‌دهد تا در جهان آخرت بگویند ما متوجه نشدیم و دین الهی را به خوبی نفهمیدیم یا اینکه خداوند حجت را تمام می‌کند و آیات را به طور صریح و روشن و مبین و قابل فهم می‌فرستد تا کسی بهانه‌ای نداشته باشد.

آیا قرآنی که حجت است دارای امتحان و پیچیدگی است؟ اینکه دیگر حجت نمی‌شود؛ حجت یعنی بینه و دلیل روشن و آشکار.

پس موضوع امتحان که در قرآن نیز بیان شده مربوط به مال و فرزندان و... است نه مربوط به خود قرآن و خود دین و اصول مهم آن.

یکی دیگر از پاسخهای شیعیان این است که ذکر نام افرادی که در آینده خواهند بود (مثل امامان) باعث کینه و حسد و دشمنی نسبت به ایشان خواهد شد ولی دلیل ذکر نامهایی چون ذوالقرنین در قرآن این است که این اشخاص مربوط به گذشته بوده‌اند و از دنیا رفته‌اند و دیگر کسی نسبت به ایشان حسد و کینه و دشمنی پیدا نمی‌کند.

در جواب می‌گوئیم: در سوره‌ٔ الصف آیه ۶ آمده که حضرت عیسیٰ علیه السلام به بنی اسرائیل می‌گوید: بعد از من پیامبری می‌آید که نامش احمد است. پس چطور نام پیامبری که ۶۰۰ سال بعد می‌آمده بیان شده است ولی نام جانشین بلافصل آخرین پیامبر و یا نام امامان دیگر و امام زمان بیان نشده است؟

و اما در مورد حسد و کینه و دشمنی که شیعه به ان اشاره دارد واقعاً جای بسی خنده دارد چون دلیلی مسخره و بی‌پایه و اساس است، چون ما می‌گوئیم: چطور حسد و دشمنی نسبت به اهل بیت ایجاد نشده است؟ از نظر شما تمامی دشمنی‌ها نسبت به ایشان صورت گرفته و خود شما از همه بیشتر به این دشمنی‌ها اشاره دارید از ۲۵ سال خانه نشین شدن حضرت علی گرفته تا مضراب شدن حضرت فاطمه و سقط جنین او و شهادت امام حسین در کربلا و همچنین شهادت امامان دیگر چون امام رضا و حتی غیبت مهدی به دلیل خطر کشته شدنش توسط حاکمان وقت.

پس چه حکمتی در نبودن نام ایشان در قرآن است؟ دشمنی، کینه و حسد نسبت به ایشان ایجاد شده پس این دلیل شما مردود است.

وصیت پیامبر در حق اهل بیت به چه مناسبت؟

۷- در خطبه ۶۷ نهج البلاغه آمده که حضرت علی علیه السلام در مورد ماجرای سقیفه از یارانش می‌پرسد که انصار در سقیفه چه گفتند؟ و آنها پاسخ می‌دهند که انصار گفتند: زمامداری از ما و رهبری از شما مهاجرین انتخاب گردد پس حضرت علی علیه السلام فرمود: چرا با آنها به این سخن رسول خدا استدلال نکردید که آن حضرت درباره انصار سفارش فرمود: با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید و در این هنگام یارانش از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: چگونه این سخن آنها را از زمامداری و خلافت دور می‌کرد که حضرت علی علیه السلام در پاسخ می‌گوید: اگر زمامداری و حکومت در آنان بود سفارش کردن در مورد آنها معنایی نداشت.

حال ما در اینجا طبق گفته خود حضرت علی علیه السلام می‌گوئیم: اگر خلافت فقط منحصر به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است پس چرا اینقدر پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اهل بیت سفارش می‌کرده است (شیعه نیز دائم به این سفارشات اشاره دارد) اگر خلافت در بین اهل بیت می‌بود سفارش مکرر در مورد آنها معنایی نداشت، و به طور مثال ممکن بود مردم در غدیر خم یا جاهایی که شیعه معتقد است علی به عنوان خلیفه بلافصل معرفی می‌شده است به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند: تو می‌بایست سفارش ما را به علی بکنی نه سفارش او را به ما، چونکه او پس از تو خلیفه و حاکم بر ما خواهد شد و باید مراقب ما باشد. پس طبق این سخن حضرت علی علیه السلام نتیجه می‌گیریم که دستوری از سوی خداوند یا پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر خلافت در اهل بیت نبوده است، و شما نیز نمی‌توانید سخن حضرت علی علیه السلام را قبول نکنید. در این مورد نیز شیعه جوابی ندارد.

امیر مؤمنان در پست نخست وزیری خلفاء پیش از خود

۸- حضرت علی علیه السلام فرموده: مشورت دادن به ظالم همچون شرکت در ظلم اوست.

ما می پرسیم: پس چرا خود علی دائم به عمر مشورت می داده است؟ و حتی به قول خود شما عمر بارها و حدود هفتاد بار گفته: چنانچه علی نبود عمر هلاک می شد، و طبق این سخن پس علی حداقل هفتاد بار به عمر مشورت داده است، و چطور دشمن اسلام و غاصب خلافت برای مشورت نزد او می آمده؟! شما که معتقد هستید عمر غاصب خلافت بوده و ظالم بوده؛ پس چرا حضرت علی به او مشورت می داده است؟!.

شیعه خواهد گفت: حضرت علی به خاطر اینکه اسلام منحرف نشود به عمر مشورت می داده است.

در جواب می گوئیم: پس طبق این گفته اسلام منحرف نشده است چون حضرت علی با مشورت دادن جلوی انحراف آنرا گرفته و بنابراین تمامی ادعاهای شما مبنی بر تحریف اسلام به خاطر غصب خلافت علی مردود می شود.

شیعه می گوید: آن جامعه ایده آل با خلافت علی درست می شده و به خاطر غصب خلافت نشده است.

می گوئیم: شما از طرفی می گوئید: اسلام بسیار بسیار منحرف شده ولی از این طرف می گوئید نخیر منحرف آن چنانی هم نشده و تنها آن جامعه ایده آل درست نشده؛ پس معلوم نیست شما چه می خواهید؟

چه نیکو دشمنانی

و چنانچه حضرت علی به عنوان وزیر و مشاور نتوانسته باشد جلوی انحراف اسلام را بگیرد پس چنانچه خودش هم خلیفه می شده نمی توانسته کاری بکند.

و سوال اصلی ما در اینجاست که اگر عمر ظالم بوده و دشمن اسلام بوده پس چرا برای پیشرفت و کمک به دین اسلام نزد علی می‌رفته تا از او مشورت بگیرد و این دشمن از کجا می‌دانسته که علی بهتر از دیگران به او مشورت می‌دهد؟! این سخن شما همچون این می‌باشد که بگوئیم: دزدی برای ساختن دستگاه دزدگیری نزد شخصی برود تا به او کمک کند دستگاه دزدگیر را بسازد. آیا هیچ دزدی چنین کاری می‌کند؟

اگر عمر دشمن اسلام بوده نزد علی نمی‌رفت تا برای کمک به اسلام از او کمک بگیرد از کسی که به نظر شما از همه برای اسلام بهتر بوده، پس ای کاش اسلام همیشه از این دشمنان داشته باشد.

پرسش‌های حیران

۹- چرا در هیچ یک از نامه‌های حضرت علی به مخالفینش در ۳ جنگ نهروان، جمل و صفین اشاره‌ای به غدیر و سایر احادیث مورد نظر شیعه یا آیات قرآن که در خصوص علی است نشده است؟

۱۰- اولین کسی که خطبه فدک را نقل کرده احمد بن ابی طاهر است که این خطبه را در کتاب بلاغات النساء از قول زید بن علی نقل کرده در حالیکه زید بن علی ۱۲۰ سال قبل از ایشان شهید شده، پس این چه سندی است؟ و در ضمن خبر واحد هم می‌باشد.

۱۱- راوی خطبه شقشقیه عکرمه مولا ابن عباس است که از خوارج است و بر همین مذهب مرده است، از کی تا به حال شیعه روایت خوارج را قبول دارد؟ در ضمن خبر واحد هم می‌باشد.

۱۲- چرا پیامبر ﷺ پس از جنگ احد روی قبر حمزه سیدالشهدا هیچ ساختمانی بنا نکرد؟ و چرا پس از فتح مکه روی قبر حضرت خدیجه محبوبترین همسرش بنایی ساخت؟ و حتی اگر خلفا را علی قول شما

مغرض بدانیم چرا آنها برای عوام فریبی روی قبر پیامبر ﷺ گنبد و بارگاهی نساختند؟ وقتیکه بیت المال هم سرشار از پول بوده است.

۱۳- در کتب شیعه داستانهایی نقل شده مبنی بر رویت امام زمان توسط مراجع و علمای صالح شیعی (همچون مقدس اردبیلی) و از همان عالم شیعه در مورد جزیره خضرا مطالبی نقل شده است.

هم اکنون همه می‌دانند چنین جزیره‌ای وجود ندارد و حتی خود علمای شیعه نیز وجود آنرا منکرند و داستانه‌ها و روایات پیرامون این مسئله را رد می‌کنند.

حال می‌پرسیم: آیا رویت امام زمان نیز توسط این عالمان دروغ نمی‌باشد؟ و چطور کسی که با امام زمان در ارتباط بوده در مورد این جزیره اشتباه کرده و از امام زمان سوالی نکرده؟ پس این تضاد را چگونه توجیه می‌کنید؟

۱۴- چرا حتی یکی از آیات مورد استناد شیعه با آیه قبل و بعد آن نظر شیعه را تایید نمی‌کند؟ بلکه با حدیث و روایت باید منظور آنرا فهمید؟

۱۵- در سوره بقره آیه ۱۶۵ آمده:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

«بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، محبت‌شان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست و خدا دارای مجازات شدید است.»

پس چرا بیشتر شیعیان کربلا را بیشتر از مکه، مفاتیح را بیشتر از قرآن و تمکيه را بیشتر از مسجد دوست دارند؟ ممکن است شما این حقیقت را رد کنید ولی خود شیعیان بهتر می‌دانند که ما راست می‌گوئیم یا دروغ^۱.

۱۶- حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین می‌گوید: به لشکریان معاویه ناسزا نگوئید و همینطور در قرآن آمده که به بت‌های مشرکین توهین نکنید.

پس می‌شود بفرمائید زیارت عاشورا و لعن و نفرین‌های در آن چیست؟ آیا شما اهل سنت را از مشرکین زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌ارزستر می‌دانید که به مقدسات ایشان توهین می‌کنید؟

۱۷- چرا در شهرهای بزرگ ایران همچون تهران مسجدی برای اهل سنت نمی‌سازید؟ و چرا در این شهرها اجازه ساخت مسجد را به ایشان نمی‌دهید؟ آیا در کشوری که ادعای وحدت شیعه و سنی را دارد و رهبر خود را ولی امر مسلمین جهان می‌دانند نباید مسجدی برای اهل سنت که جمعیت بزرگ مسلمین هستند موجود باشد^۲؟

چنانچه در جواب بگوئید: ما شیعیان هم به مکه و مدینه می‌رویم و در مساجد اهل سنت نماز می‌خوانیم و مسجد مسجد است و مسجد که شیعه و سنی ندارد، باید بگوئیم: وقتیکه شما به مساجد اهل سنت می‌روید امری عادی است و کسی از اهل سنت با شما کاری ندارد ولی آیا اگر یک نفر سنی در مسجدی از شیعیان در تهران یا جایی دیگر بیاید و دست به سینه نماز بخواند بقیه مردم چگونه به او نگاه می‌کنند و آیا کاری با او ندارند و آیا او را

۱- به عنوان مثال چندین شیعه را می‌شناسم که بارها و بارها به کربلا رفته‌اند و می‌گویند مکه را رها کن و بیا برو کربلا، کربلا بهتر است و صفایی دیگر دارد!!!.

۲- یا چرا شبکه‌ای در تلویزیون برای اهل سنت نمی‌گذارید؟ شما که خیلی خود را بر حق می‌دانید و نباید از این امور بترسید، البته چقدر من ساده هستم چون اینها سایت‌های اینترنتی اهل سنت را هم فیلتر می‌کنند، آنوقت ما شبکه تلویزیونی می‌خواهیم.

مسخره نمی‌کنند؟

۱۸- در قرآن مسلمین به پیروی دعوت شده‌اند: ۱- خطاب به پیامبر ﷺ آمده که پیروی کن از آنچه به تو وحی می‌شود. ۲- خطاب به سایر مسلمین پیروی از اصحاب ذکر شده است.

یعنی روش نشر دین در بلاد و نسل به نسل در طول تاریخ این است که پیامبر مطابق وحی عمل می‌کرده و اصحاب طبق روش پیامبر ﷺ و آیندگان طبق روش اصحاب، آیا ما این روش کاملاً عقلی و منطقی را رها کنیم و دنبال احادیثی برویم که یک مشت فاسدالمذهب دروغگو که اطراف امامان را گرفته بوده‌اند نقل کرده‌اند.

۱۹- حضرت علی رضی الله عنه صریحاً فرمان داده که بپیوندید به اکثریت و بیشتر مسلمانان (ملتزم شوید به سواد اعظم).

چرا به فرمان او عمل نمی‌کنید؟ و می‌گوئید اکثریت اعظم باید بپیوندند به تعداد کمتر؟

۲۰- سی سال است که برای اولین بار در تاریخ ایران تمامی شئون کشور در دست شما و عقاید شماست. چرا میزان تورم، بی‌عدالتی، تخریب وجهه ایرانیان در سطح بین‌المللی، دین‌گریزی جوانان، اعتیاد، بیکاری، طلاق، مشکل مسکن و ازدواج و غیره... نسبت به زمان قبل از انقلاب چندین برابر شده است؟

۲۱- آیا شما شیعیان حاضر به ایجاد وحدت با خوارج هستید؟ اگر حاضر به چنین کاری نیستید و می‌گوئید خوارج حضرت علی را لعن می‌کنند و دشمن او هستند، پس چطور انتظار دارید اهل سنت با شما متحد شوند؟ با اینکه شما ابوبکر، عمر، عثمان، عایشه و صحابه را لعن می‌کنید و با آنها دشمن هستید.

۲۲- شیعه معتقد است که حضرت علی از کودکی نیز به عنوان جانشین پیامبر ﷺ معرفی شده و به برای این ادعا به یوم الانذار اشاره دارد که

پیامبر ﷺ خطاب به کسانی که دعوت کرده بود فرموده: هر کس از شما ایمان بیاورد او را به عنوان جانشین خود بر می‌گزینم، که فقط علی بر می‌خیزد و قبول می‌کند.

حال سوال ما این است که مگر مسئله ایمان آوردن معامله است که بگوئیم هرکس ایمان آورد فلان پست و مقام را دارد؟ آیا پیامبر ﷺ هیچگاه چنین کاری می‌کرده که ای مشرکین هر کس ایمان بیاورد فلان مقام و منزلت را صاحب می‌شود، در قرآن نیز بیان شده که هرکس ایمان بیاورد به نفع خود کار کرده و هرکس ایمان نیاورد به خود ظلم کرده.

سوال بعدی اینکه مشرکین و افراد مقابل هنوز نبوت محمد ﷺ را قبول نداشته‌اند آنوقت آیا پیامبر ﷺ بر سر جانشینی خود با آنها گفتگو می‌کرده است؟

۲۳- شیعه می‌گوید: مقام امامت و خلافت حضرت علی عليه السلام مقامی الهی است. ما می‌پرسیم: اگر این مقام الهی بوده پس چرا حضرت علی در جاهای مختلف این مقام را نکوهش کرده، مثلاً فرموده: خلافت از آب بینی بزغاله‌ای برای من کم ارزش تر می‌باشد (خطبه ۳ نهج البلاغه) و یا از لنگه کفشی برای من کم ارزش تر است. آیا مقام الهی شایسته اینگونه القاب است؟ آیا پیامبر ﷺ هیچگاه چنین سخنانی در مورد نبوت خود گفته بود؟ در خطبه ۵ آمده که پس از وفات پیامبر ﷺ، عباس و ابوسفیان به حضرت علی پیشنهاد خلافت دادند و می‌خواستند با او بیعت کنند که در جواب آنان فرمود اینگونه زمامداری چون آبی بدمزه و لقمه‌ای گلوگیر است.^۱

۱- شیعه می‌گوید: حضرت علی از نیت ابوسفیان آگاه بوده، چون ابوسفیان قصد داشته ایجاد جنگ و تفرقه کند، در جواب می‌گوئیم: اولاً: موضوع بر سر القابی است که حضرت علی به خلافت داده چون آب بدمزه و لقمه گلوگیر و ثانیاً: چنانچه امری به

ابوبکر در تیرس

۲۴- در رابطه با شورش اهل رده شیعه دائم به ابوبکر و اصحاب ایراد می‌گیرد که چرا ایشان مانع الزکات را کشته‌اند و می‌گویند: ای وای بر آنها گوینده «لا اله الا الله» را کشتند!!!.

باید گفت: در ج ۵۲ بحار الأنوار باب سیره و أخلاقه و عدد أصحابه در خبر دوم از حضرت صادق و موسی بن جعفر نقل کرده که اگر قائم قیام کند به ۳ چیز حکم می‌کند که احدی از ائمه و پیغمبران حکم نکرده‌اند، شیخ زانی را می‌کشد و مانع الزکاة را می‌کشد و ارث برادر به برادر دینی که در عالم اشباح برادر بوده‌اند، می‌رسد.

از شیعیان می‌پرسیم: چرا امام زمان مانع الزکات را می‌کشد؟ از شیعیان می‌پرسیم: چرا حضرت علی ۴۰۰۰ نفر گوینده «لا اله الا الله» را در جنگ نهروان کشت؟ ۴۰۰۰ نفری که نه تنها «لا اله الا الله» می‌گفته‌اند بلکه حافظ سوره‌های قرآن هم بوده‌اند.^۱

این مهمی از جانب خدا بوده که جزء اصول مهم دین است و ترک آن موجب انحراف اسلام می‌شده، پس علی می‌توانسته قیام کند و البته پس از آن اجازه دخالت و تفرقه اندازی به ابوسفیان ندهد و اگر امام هدایتگر مردم جهان نتواند چنین امور ساده سیاسی را انجام دهد و خداوند و فرشتگان و داشتن علم غیب هم به او کمکی نکنند، پس معلوم می‌شود ادعاهای شما باطل است.

۱- ۴۰۰۰ نفری که چون مسیلمه کذاب ادعای نبوت نداشته‌اند، ۴۰۰۰ نفری که سوره‌های جعلی نمی‌ساخته‌اند، براستی اگر بنا به ایراد گرفتن باشد دست چه کسانی پرتر است؟ البته اهل سنت عاقل هستند و راه شیعیان را نمی‌روند و حضرت علی را قبول دارند و هیچگاه به او توهین نمی‌کنند، بنابراین باید گفت: آفرین بر اهل سنت.

تأویلی شاخ دار!

۲۵- حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۲ نهج البلاغه فرموده: «مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید». و فرموده: «من وزیر و مشاور باشم بهتر است تا خلیفه و حاکم» (یعنی تا کنون مشاور و وزیر خلفا بوده ام). در اینجا باز عالم شیعی می‌گوید: منظور حضرت علی از اینکه مرا رها کنید این بوده که شما توان عدل مرا ندارید!!! می‌پرسیم: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کفار و مشرکین مکه این جملات را نگفت؟، طبق این عقیده، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم باید به اهالی مکه می‌گفته شما تحمل قوانین سخت اسلام را ندارید و توان از بین بردن بت‌هایی که اجداد شما می‌پرستیده‌اند را ندارید و تحمل خواندن نماز در پنج وقت را ندارید یا تحمل یک ماه روزه داری یا دادن زکات و یا بقیه قوانین اسلام را، مگر حضرت علی علیه السلام می‌خواست چه کار بکند؟، کارهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در همان ابتدای بعثت با آن فرهنگ جاهلیت و تعصب مردم انجام داد بسیار سخت تر بود.

حضرت علی و مردم سالاری

۲۶- حضرت علی در نهج البلاغه نامه ۶ به معاویه فرموده: «همان کسانی با من بیعت کردند که با ابوبکر و عمر و عثمان با همان شرایط بیعت کردند پس آنکه در بیعت حضور داشته نمی‌تواند خلیفه‌ای دیگر انتخاب کند و آنکه غایب بوده نمی‌تواند بیعت مردم را نپذیرد. همانا شورای مسلمین از آن مهاجرین و انصار است».

در مقابل این نامه علمای شیعه دوباره دست به تاویل و بازی با کلمات می‌زنند و می‌گویند: در این نامه حضرت علی با زبان خود معاویه با او صحبت می‌کرده است!!! چون معاویه امامت او از جانب خدا را قبول نداشته و شورای مسلمین را قبول داشته پس امام هم به شورای مهاجرین و انصار اشاره کرده است.

ما نمی‌دانیم چرا هر چه در احادیث و تاریخ به نفع شیعه است آنها فوری آن را می‌پذیرند، ولی هر چه به ضرر آنهاست فوری شروع می‌کنند به تاویل و تغییر دادن معنا و مفهوم آن، آیا به راستی اصول دین خدا نیازی به تاویل و تفسیر دارند؟ و اگر واقعاً شیعیان در این مسائل حق دارند پس چرا اینقدر در اثبات آنها توضیحات لازم است؟ چرا پیامبر ﷺ با زبان ابوجهل و ابولهب با آنها صحبت نکرد؟ و به طور صریح گفت: من از جانب خدا برای هدایت مردم و نابودی بتها آمده‌ام، اگر واقعا امامت از سوی خدا بوده نباید در تبلیغ آن کوتاهی کرد، تازه در زمان پیامبر ﷺ شرایط بسیار سخت‌تر و تعداد یاران او کمتر بوده تا در زمان حضرت علی که خود خلیفه بوده است، و از همه اینها گذشته گیریم که در این نامه حضرت علی با زبان خود معاویه صحبت کرده، اما حضرت علی علیه السلام همین سخنان را در مدینه نیز خطاب به تمامی مردم گفته است، آیا آنجا هم داشته در پرده سخن می‌گفته؟ یا به زبان مردم آنجا سخن می‌گفته؟، در نهج البلاغه در خطبه ۱۷۳ در مورد ویژگی‌های رهبر اسلامی فرموده: «اگر شرط انتخاب رهبر حضور تمامی مردم باشد هرگز راهی برای تحقق آن وجود نخواهد داشت، بلکه آگاهان دارای صلاحیت و رای و اهل حل و عقد رهبر و خلیفه را انتخاب می‌کنند که عمل آنها نسبت به دیگر مسلمانان نافذ است، آنگاه نه حاضران بیعت کننده حق تجدید نظر دارند و نه آنان که در انتخابات حضور نداشتند حق انتخابی دیگر خواهند داشت».

بی‌رغبتی در خلافت

۲۷- حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۰۵ در جواب طلحه و زبیر فرموده: «به خدا سوگند من به خلافت رغبتی نداشته و به ولایت بر شما علاقه‌ای نشان نمی‌دادم و این شما بودید که مرا به آن دعوت کردید و آن را بر من تحمیل کردید».

می پرسیم: آیا کسی نبوت حضرت محمد ﷺ را بر وی تحمیل کرده بود؟ یا خود پیامبر ﷺ از جانب خدا مامور بدان بود؟، پس چرا حضرت علی علیه السلام در این جا نسبت به خلافت الهی فرموده: علاقه‌ای بدان نداشتم و شما آنرا بر من تحمیل کردید؟ پس نتیجه می‌گیریم که دستوری از جانب خداوند نبوده، و گر نه اولین مقصر خود حضرت علی می‌شود که در گرفتن آن کوتاهی کرده و شما مطمئن باشید اگر دستوری از جانب خداوند بود حضرت علی علیه السلام اجازه نمی‌داد احدی آنرا پایمال کند و همینطور اصحاب پیامبر ﷺ آن دستور را انجام می‌دادند و به کسی اجازه نافرمانی در امر الهی را نمی‌دادند.

علی تقیه نمی‌کند

۲۸- طبق خطبه ۸ نهج البلاغه تقیه در بیعت رد می‌شود، در این خطبه حضرت علی در مورد بیعت حضرت زبیر فرموده: «زبیر می‌پندارد با دست بیعت کرده نه با دل، پس به بیعت با من اقرار کرده ولی مدعی انکار بیعت با قلب است، بر او لازم است بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد یا به بیعت گذشته بازگردد».

پس بیعت علی با ابوبکر، عمر و عثمان تقیه نبوده است.

در زیر تیغ

۲۹- در جریان هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه حضرت علی در رختخواب پیامبر می‌خوابد و از طرفی شیعه معتقد است که پیامبر ﷺ از قبل و در یوم الانذار علی را به عنوان جانشین خود معرفی کرده بود.

حال سوال ما اینجاست که وقتی مشرکین به داخل منزل پیامبر ﷺ ریختند تا او را بکشند و بجایش جانشین او را در رختخواب دیدند پس چرا

اقدام به قتل جانشین او نگرفتند؟ چون جانشین هرکس بسیار مهم است، و پس از شخص مذکور امور را به دست خواهد گرفت، مخصوصاً در مورد پیامبر ﷺ و حضرت علی، چونکه پیامبر بیش از پنجاه سال داشته و علی جوانی در حدود بیست ساله بوده و پس از او مدتها حکومت می کرده است.

حجتهای ساختگی

۳۰- حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۰ نهج البلاغه فرموده: «حجت خدا با پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله تمام شد» (تمت بنیما محمد حجتیه)، پس چرا شیعه امامان را حجت می داند؟

۳۱- آیا اگر حدیث و روایت را از شیعه بگیریم دیگر چیزی برای گفتن دارد؟

ایمان در خطر!

۳۲- در روایتی از شیعیان نقل شده که حضرت علی از پیامبر در مورد فضیلت ماه رمضان سوال می کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله اندوهگین می شود و می گوید: گویا بدترین خلق را می بینم که در این ماه تو را به شهادت می رساند و...، حضرت علی می پرسد: آیا در آن هنگام ایمان من به سلامت خواهد بود یا خیر؟ که پیامبر صلی الله علیه و آله جواب مثبت می دهد.

سوال ما این است که چطور امام معصوم از درستی ایمان خود سوال می کند؟ مگر شخص معصوم کافر از دنیا می رود یا ناقص الایمان؟ چطور امام هدایتگر مردم جهان نمی داند خودش با ایمانی سالم به آن دنیا می رود یا خیر؟ این چگونه امام، خلیفه من عندالله، معصوم و هدایتگر است؟ چطور امام مسئله ای به این مهمی را نمی دانسته؟ مگر علم غیب نداشته؟ مگر در اصول کافی حدیثی نیست مبنی بر اینکه امامان قاتل خود را می شناسند و

از زمان مرگ خود باخبرند و حتی به اختیار خویش می‌میرند، پس چرا حضرت علی از پیامبر می‌پرسیده، مگر خودش نمی‌دانسته؟

دروغهای شاخ‌دار

۳۳- در احادیث مورد قبول شیعه آمده که تعیین کنندگان وقت ظهور کذاب و دروغگو هستند، سوال ما این است که چرا مراجعی چون آیت الله بهجت در هنگام قنوت خود گفته که قاتل امام زمان به دنیا آمد یا آخوندها و مراجع دیگر نیز گهگاه تعیین وقت می‌کنند و سر مردم را گرم می‌کنند، مثلاً در جریان جنگ آمریکا با عراق می‌گفتند: در احادیث آمده که در آخرالزمان در عراق جنگی صورت می‌گیرد که بر سر طلای سیاه است و آن نفت است، یا می‌گویند: سفیانی در ارتش فلان کشور دیده شده است و مزخرفات دیگر، پس آیا این تعیین کنندگان وقت ظهور جزء کذابین نیستند و چرا مراجع دیگر آنها را رسوا نمی‌کنند؟ البته دلیل آن روشن است چون امام زمانی وجود ندارد و شما به این بهانه حکومت را در دست گرفته اید و زمام عقل و دین مردم را در اختیار دارید.

۳۴- در اصول کافی باب صفة العلم حدیثی آمده به این عنوان: همانا پیامبران درهم و دینار ارث نهندند. پس چرا شیعه دائماً به فدک و ارث فاطمه از پدرش اشاره می‌کند؟

حدیث قرطاس و اهانت به پیامبر

۳۵- شیعه دائم به حدیث قرطاس اشاره دارد که در آن پیامبر ﷺ تقاضای قلم و دوات می‌کند و...، اما سوالات:

- چطور پیامبر در آن ۲۳ سال به یاد این مطلب نبوده و در هنگام رحلت به یاد آن افتاد؟ آیا معقول است امری مهم را تا آن لحظه به

تاخیر انداخت؟ آیا بهتر نبوده که اولاً: پیامبر ﷺ پس از جریان غدیر خم در مدینه (در پایگاه خلافت) نیز برای علی اخذ بیعت کند در صورتیکه چنین نکرده، ثانیاً: برای مدتی علی را خلیفه کند و خودش هم نظارت داشته باشد یا او را پیش نماز کند و امور مهم را به او بدهد تا این امر در ذهن مردم جا بگیرد و امری عادی باشد، در صورتیکه پیامبر چنین نکرده.

- کی و کجا پیامبر ﷺ به خاطر سخن کسی مطلب و دستور الهی را بیان نمی‌کند؟^۱ چطور پیامبر ﷺ از ابوجهل، ابولهب و مشرکین مکه نترسید و سخنانی بزرگتر از این گفت، از نابودی بتها و خدایان کعبه و باطل بودن تثلیث در مسیحیت و غیره...، و چنانچه شیعه بگوید در روایات دیگر ما آمده که پیامبر پس از بیرون رفتن اصحاب سخن خود را به علی گفته، باید بگوییم: بحث ما در مورد این حدیث است نه احادیث دیگر، شما که بر این امر تاکید دارد و در کتبی چون سلیم بن قیس هلالی^۲ آمده و در ضمن امر الهی باید به همه ابلاغ شود و مگر اصحاب پیامبر ﷺ از مشرکین مکه بدتر بوده‌اند؟

۱- شیعه این سخنان را در مورد غدیر خم هم بیان می‌کند که جبرئیل چند بار آمد و دستور خلافت علی را داد ولی پیامبر در ابلاغ آن مردد بود تا آیه آمد که چنانچه بیان نکنی مانند این است که رسالت خویش را انجام ندادهای و در غدیر خم این امر صورت می‌گیرد، البته جالب اینجاست که وقتی نوبت به ابلاغ مطلب اصلی می‌شود پیامبر از کلمه مولی استفاده می‌کند که ۲۷ معنی دارد و تاکنون بین شیعه و سنی بر سر معنای خلافت نزاع است، آیا شخص فصیحی چون پیامبر اینگونه عمل می‌کند؟!، آن هم با دستور الهی.

۲- کتاب سلیم بن قیس مملو از دروغ است و خود علمای شیعه هم آنرا رد کرده‌اند علمایی چون شیخ مفید، کافی است خودتان آنرا بخوانید تا به مزخرفاتش پی ببرید

- شما که می‌گویید: عمر گفته: پیامبر هذیان می‌گوید، و با این سخن او بین طرفداران علی و اصحاب دیگر کشمکش ایجاد شده، پس در واقع یاران علی نیز در جلوی پیامبر ﷺ صدای خود را بالا برده‌اند و درگیر شده‌اند و مقصر هستند.
- مگر به عقیده شما دو ماه قبل از این جریان پیامبر ﷺ حضرت علی را به عنوان جانشین خود معرفی نکرده بود؟ مگر برای او بیعت نگرفته بود؟ پس تکرار آن برای چه بوده؟ و کسانی که دستور الهی را زیر پا بگذارند و بیعت خود را بشکنند آیا به نوشته پیامبر اهمیت می‌دهند؟
- پیامبر ﷺ امی و بیسواد بوده، ولی در این حدیث فرموده: قلم و دوات بیاورید تا بنویسم (اكتب) در صورتیکه باید می‌گفته املاء کنم (املی).
- پیامبر ﷺ که سخن خود را نگفته پس شما از کجا فهمیدید که منظور او بیان خلافت علی بوده؟ شاید منظورش ابوبکر بوده؟ و همانطور که قبلاً نیز گفتم نمی‌توانید به سلیم بن قیس و کتب دیگر اشاره کنید و بگویید در آنجا پیامبر سخن خود را گفته.
- اصول دین می‌بایست در قرآن به طور صریح بیان شوند نه اینکه با حدیث ثابت شوند و تازه در این حدیث هم پیامبر ﷺ چیزی نگفته، پس این چه اصولی است؟ این چه اصولی است که به خاطر سخن یکنفر (عمر به عقیده شیعه) بیان نمی‌شود؟
- طبق این حدیث پیامبر ﷺ چیزی را که موجب هدایت امت بوده و از گمراهی آنها جلوگیری می‌کرده، نگفته است، پس یعنی همه مسلمین گمراه هستند؟

ولی ظاهراً خرافیون و تفرقه افکنان خیلی این کتاب را دوست دارند، چون دکان خوبی برای آنهاست.

حقایق پنهان

- ۳۶- چرا هیچ وقت آخوندها بالای منبر موارد زیر را به شیعیان نمی‌گویند با اینکه خودشان این موارد را قبول دارند:
- جمله **أشهد أن علياً ولي الله و أشهد أن علياً حجة الله جزء اذان و سنت نبی اکرم ﷺ نیست، و ما تنها برای تبرک می‌گوییم!**^۱
 - عزاداری و سینه زنی و زنجیر زنی جزء سنت پیامبر ﷺ نیست و جزء آداب و رسوم خود ما می‌باشد.^۲
 - گذاشتن مهر در نماز جزء سنت پیامبر ﷺ نیست و در زمان نبی اکرم چنین چیزی نبوده و ما به خاطر سجده بر خاک این مهر را اختراع کرده‌ایم.^۳
 - چرا به مردم نمی‌گوئید که نام هیچ یک از امامان در قرآن نیست؟ همینطور نام فاطمه زهرا.
 - چرا در مورد ازدواج ام کلثوم دختر فاطمه زهرا با عمر بن خطاب و ازدواج دو دختر از دختران پیامبر ﷺ با عثمان، سخنی نمی‌گوئید؟

- ۱- نمی‌دانم از کی بدعت‌ها هم متبرک شده‌اند؟!!!!
- ۲- البته این ادعا نیز باطل است چون همه مردم این امور را به نام دین و اهل بیت می‌دانند و هر چیز هم که جزء آداب و رسوم باشد صحیح نیست چون نوحه سرایی در اسلام باطل است و جزء اعمال جاهلی به شمار می‌رود و شیعیان کشورهای عربی نیز این امور را انجام می‌دهند، پس آیا جزء آداب رسوم آنها نیز می‌باشد؟
- ۳- واقعاً خنده دار است که پیامبر ﷺ از تکنولوژی پیچیده تبدیل خاک به مهر بی‌اطلاع بوده و آنرا به علی نیاموخته ولی از طرفی می‌گویند: علوم گذشته و آینده در سینه امامان است!!!

- چرا به مردم نمی‌گوئید که مولوی، سعدی، خیام، عطار نیشابوری، نظامی، سنائی، ابن سینا، غزالی و بسیاری دیگر از مشاهیر ایرانی دارای مذهب اهل سنت بوده‌اند؟

و البته دلیل بیان نکردن این موضوعات روشن است، چون ممکن است در ذهن یکی از شیعیان جرقه‌ای بخورد و بخواهد خودش به فکر تحقیق بیفتد و در آن هنگام مشت شما باز خواهد شد و پول خمس تعطیل خواهد شد و دکان شما بسته خواهد شد و صدها اتفاق ناگوار دیگر به وقوع می‌پیوندد.

دیانت و سیاست

۳۷- آخوندها و مراجع شیعه دائم می‌گویند: دیانت ما عین سیاست ماست^۱، سوال ما این است که چرا نام خلیج فارس را خلیج اسلامی یا خلیج مسلمین نمی‌گذارید؟ مگر شما جمهوری اسلامی نیستید؟ چرا در اینجا به سیاست و منافع دیگر می‌چسبید و به دیانت کاری ندارید؟

جامعه تا ابد نوپاست!

۳۸- پس از انقلاب و حتی هم اکنون و پس از گذشت سی سال از آن، بارها و بارها دیده شده که آخوندها و حتی جناب خامنه‌ای^۲ بر بالای منبر گفته است: هنوز جامعه ما بطور کامل اسلامی نشده است و ما باید بیشتر تلاش و کوشش به خرج دهیم تا معایب خود را رفع کنیم.

۱- البته بهتر است بگویند: دیانت ما نردبانی برای سیاست ماست.

۲- حتی جناب خامنه‌ای در تلویزیون می‌گفت: ما برای گرفتن حکومت انقلاب نکرده‌ایم بلکه برای برقراری اسلام انقلاب کرده‌ایم!!!، ظاهراً جناب ولی فقیه فراموش کرده که دیانت ایشان عین سیاست ایشان می‌باشد و شعار اصلی انقلاب یکی بودن دین با سیاست است، حال چطور برای دین و اسلام انقلاب صورت گرفته نه برای سیاست و حکومت؟! از قدیم گفته‌اند: دروغگو کم حافظه است.

واقعاً که ما نمی‌دانیم به این مغرضان چه بگوئیم؟ به جناب خامنه‌ای باید گفت: چطور مکتب تشیع پس از گذشت ۱۴۰۰ سال کار آکادمیک در حوزه‌ها و توسط علمای مختلف خود و همینطور با داشتن حکومت‌های مختلفی چون صفویه و آل بویه و همینطور پس از گذشت سی سال از انقلاب خود در ایران و داشتن حکومت ولایت فقیه باز هم نتوانسته اسلام واقعی را پیاده کند؟ و هنوز دارای معایبی می‌باشد، آنوقت شما از صبح تا شام نشسته اید و به حکومت ابوبکر، عمر و صحابه ایراد می‌گیرید که چرا در تعداد تکبیرها یا موارد دیگر اختلاف کردند؟! یا چرا فلان کار را درست انجام ندادند؟! آیا اسلام نوپایی که در آنوقت وجود داشته باید از هرگونه لغزشی بر کنار می‌بوده است؟ ولی حکومت شما پس از سی سال نتواند اسلام واقعی را پیاده کند.

البته ای کاش حکومت شما تنها معایبی جزئی داشت، در صورتیکه ما می‌دانیم تنها کار شما خرابکاری و به انحطاط بردن اسلام و ترویج خرافات بوده است نه معایبی جزئی.

دلیل برای دشنام!

۳۹ - علمای شیعه برای توجیه لعن و نفرین‌هایی که می‌کنند روایاتی را از کتب اهل سنت بیرون می‌کشند همچون اینکه روزی در مقابل پیامبر ﷺ شخصی به ابوبکر توهین کرد و ناسزا گفت و پیامبر ﷺ سکوت کرده و مانع این امر نشده است!!^(۱). بنابراین، این نشان می‌دهد که لعن، نفرین و توهین

۱- این روایت مخالف است با روایتی که در صحیح بخاری آمده که رسول خدا ﷺ بخاطر خشمگین شدن ابوبکر صدیق ﷺ به خشم آمدند. عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ آخِذًا بِطَرْفِ ثَوْبِهِ حَتَّى أَبْدَى عَنْ رُكْبَتِهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

به ابوبکر اشکالی نداشته و ما نیز می‌توانیم اینکار را انجام دهیم، هر چند که این روایت دروغ است و اساسی از صحت به خاطر مخالفت با روایتی که در

«أَمَّا صَاحِبُكُمْ فَقَدْ غَامَرَ». فَسَلَّمَ وَقَالَ: إِيَّيْكَ كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ ابْنِ الْخَطَّابِ شَيْءٌ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، ثُمَّ نَدِمْتُ فَسَأَلْتُهُ أَنْ يَغْفِرَ لِي فَأَبَى عَلَيَّ، فَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ، فَقَالَ: «بِعَفْوِ اللَّهِ لَكَ يَا أَبَا بَكْرٍ» ثَلَاثًا. ثُمَّ إِنَّ عَمَرَ نَدِمَ فَأَتَى مَنْزِلَ أَبِي بَكْرٍ، فَسَأَلَ: أَأَنْتُمْ أَبُو بَكْرٍ؟ فَقَالُوا: لَا. فَأَتَى إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَسَلَّمَ فَجَعَلَ وَجْهَ النَّبِيِّ ﷺ يَتَمَعَّرُ حَتَّى أَشْفَقَ أَبُو بَكْرٍ، فَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَاللَّهِ أَنَا كُنْتُ أَظْلَمَ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَيْكُمْ فَقُلْتُمْ كَذَبْتَ وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ، وَوَأَسَانِي بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ، فَهَلْ أَنْتُمْ تَارِكُوا لِي صَاحِبِي؟ مَرَّتَيْنِ، فَمَا أُؤْذِي بَعْدَهَا». (بخاری: ۳۶۶۱).

ترجمه: ابو درداء رضی الله عنه می‌گوید: نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم که ابوبکر رضی الله عنه آمد در حالی که گوشه لباسش را گرفته و به اندازه‌ای بالا زده بود که زانویش، دیده می‌شد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دوست شما، خود را دچار مشکلی کرده است». ابوبکر سلام کرد و گفت: بین من و پسر خطاب بگو مگو پیش آمد. او را خشمگین کردم. سپس پشیمان شدم و از او خواستم تا مرا ببخشد. ولی او نبخشید. بدینجهت، خدمت شما رسیدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابوبکر! خداوند تو را ببخشد». و این جمله را سه بار تکرار کرد. سر انجام، عمر نیز پشیمان شد و به خانه ابوبکر رفت و پرسید: ابوبکر اینجاست؟ گفتند: خیر. آنگاه، نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. با دیدن او، چهره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داشت دگرگون می‌شد. ابوبکر ترسید (که مبادا رسول خدا صلی الله علیه و آله به او چیزی بگوید) لذا دو زانو نشست و گفت: یا رسول الله! سوگند به خدا که من کوتاهی کرده‌ام. و این جمله را دو بار، تکرار کرد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند مرا به سوی شما مبعوث کرد. شما مرا تکذیب کردید و ابوبکر مرا تصدیق کرد و با جان و مالش، مرا همراهی نمود. آیا دوستم را برایم می‌گذارید؟» و این جمله را دو بار تکرار نمود. بعد از آن، هیچ کس ابوبکر را اذیت نکرد. (مصحح).

کتاب صحیح بخاری اهل سنت آمده است تناقض دارد ولی متأسفانه روافض به دروغ و تهمت ناروا به هیچ کس ابایی ندارند.

سوال: طبق قرآن پیامبر ﷺ برای مسلمین الگو و اسوه حسنه است، ما می‌پرسیم: اعراب و اشخاصی که در زمان پیامبر ﷺ به دین اسلام روی می‌آوردند یا حتی مسلمین فعلی و کسانی که می‌خواهند پیامبر ﷺ را اسوه خویش قرار دهند آیا دچار گمراهی نمی‌شوند؟! چون از طرفی می‌بینند که پیامبر ﷺ توهین و ناسزا به ابوبکر را خوب می‌داند ولی از طرفی دیگر دختر همین ابوبکر را به همسری قبول می‌کند و اموال او را در راه اسلام خرج می‌کند و همراه او از مکه به مدینه هجرت می‌کند و اینقدر او را به خود نزدیک می‌کند که حتی افراد تازه وارد او را با پیامبر ﷺ اشتباه می‌گرفتند، و به علت همین دوستی نزدیک او با پیامبر ﷺ بوده که صحابه او را به عنوان جانشین پیامبر ﷺ قبول می‌کنند، وگرنه مسلمین دیگری نیز در آن زمان بوده‌اند همچون کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند، ولی بطور حتم آن دوستی و نزدیکی خاص ابوبکر را نداشته‌اند.

پس آیا اینها تناقض نیست؟ آیا پیامبر ﷺ شخصی را دائم به خود نزدیک می‌کرده ولی ناگهان در جایی دیگر او را طرد می‌کرده است؟! آیا این امور عقلی و منطقی است؟! (برای شیعه هست).

مورد بعدی اینکه پیامبر ﷺ در مورد اشخاصی که به خودش نیز توهین می‌کرده‌اند سکوت اختیار می‌کرده و صبر پیشه می‌کرده، چون همانطور که گفتیم اسوه و الگوی مسلمین دیگر بوده است.^۱

۱- در دوران خلافت ابوبکر و عمر نیز بارها می‌شده که شخصی به ایشان اعتراض می‌کرده و البته ایشان منطقی برخورد می‌کرده‌اند.

مورد بعدی اینکه چرا شما بطور گزینشی عمل می‌کنید و احادیث مورد پسند خود را بیرون می‌کشید؟! احادیث فراوان دیگری نیز موجود هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم را از ناسزا گفتن به اصحابش منع کرده و این در مورد حضرت ابوبکر نیز صادق است، و حتی احادیث بسیاری در مدح حضرت ابوبکر وجود دارند ولی ظاهراً چشمان شیعه آنها را نمی‌بینند و البته آیات قرآن نیز گواه این امر هستند و در آیات بسیاری از مهاجرین و انصار تمجید شده است.

مورد دیگر اینکه علمای شیعه توجه داشته باشند که چنانچه شخصی ابوبکر را در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد سرزنش قرار داده در واقع اینکار را در برابر رحمة للعالمین انجام داده نه در برابر خمینی یا خامنه‌ای که چنانچه کسی نگاه چپ به این افراد بکند حسابش با کرام الکاتبین است.

دیدار با امام زمان

۴۰- سوال بعدی پیرامون رویت امام زمان است.

در مجلات داخلی ایران مرتب می‌خوانیم که افراد بسیاری در قم یا جاهای دیگر پیدا شده‌اند که ادعای مهدویت داشته‌اند و این افراد کذاب توسط نیروهای قضایی دستگیر و روانه زندان شده‌اند.

حال می‌پرسیم: آیا رویت مهدی که در گذشته توسط شیعیان صورت گرفته و داستانهای آن نیز در کتب مختلفی ثبت شده، آیا احتمال نمی‌دهید که آن افراد نیز اشخاصی کذاب بوده‌اند و آن فرد شیعی را فریب داده‌اند؟! فراموش نکنید که در گذشته دستگاههای قضایی خیلی پیشرفته نبوده‌اند تا این کذابین را دستگیر کنند.

عمر در پی ابوبکر

۴۱- شیعیان مرتب خطاب به اهل سنت می‌گویند: طبق عقیده شما چرا پیامبر ﷺ جانشینی تعیین نکرده ولی ابوبکر تعیین کرده و عمر را بجای خود گذاشته؟!

سوال ما این است که شما شیعیان منکر قیاس هستید و در کتب خود (مثل اصول کافی) احادیثی دارید همچون اینکه امام شما ابوحنیفه را لعن کرده (بخاطر قیاس کردنش) و دین با قیاس به دست نیاید و قیاس عمل شیطان است و...

حال می‌پرسیم که؛ پس چرا خودتان قیاس می‌کنید؟

چرا ابوبکر را با پیامبر ﷺ قیاس می‌کنید؟

چرا غیر نبی را با نبی قیاس می‌کنید؟

و لازم به تذکر است که مردم با حضرت عمر بیعت کرده‌اند و باعث خلافت او شده‌اند نه اینکه به زور و بطور انحصاری عمر توسط ابوبکر خلیفه شده باشد.

پیامبر ﷺ فرستاده خدا بوده و کاری را بدون اذن الهی انجام نمی‌داده، آن هم کاری به این مهمی، یعنی جانشینی و خلافت.

هر عمل پیامبر ﷺ بنام دین تمام می‌شده و چنانچه خطایی از خلفای بعدی سر می‌زده، همه مردم آنرا از دید اسلام، قرآن و پیامبر ﷺ می‌دیدند، همچون زمانی که خالد بن ولید به اشتباه اقدام به کشتن عده‌ای کرد و پیامبر ﷺ از این عمل اندوهگین شد و از آن اظهار برائت کرد.

از همه گذشته، چرا حضرت علی جانشینی انتخاب نکرد؟ و به هنگام رحلت فرمود: هرکاری خواستید بکنید.

زبان عربی زیر سؤال

۴۲- وقتی به علمای شیعه بگوییم: در آیه ولایت که مور ادعای شماسست، ﴿الَّذِينَ﴾ آمده، و ﴿الَّذِينَ﴾ جمع است، و چطور برای یک نفر (حضرت علی) آمده است؟ در جواب می‌گویند: این جمع برای تکریم و احترام به حضرت علی بوده است، نه جمعی که چند نفر بوده باشند!!!

می‌پرسیم: پس چطور این تکریم در مورد پیامبر اسلام نیست؟ و در بسیاری از آیات قرآن با انت (تو) یا ضمیر «ک» و... به او خطاب شده است، آیا شما علی را بالاتر از پیامبر اسلام می‌دانید؟!!!

تیری شکسته!

۴۳- علمای شیعه می‌گویند: آیا قهر کردن حضرت فاطمه با ابوبکر دلیل بر نامشروع بودن خلافت ابوبکر نیست؟ و آیا این دلیل بر خلافت الهی علی و حقانیت او نیست؟

سوال: از علمای شیعه می‌پرسیم: مگر شما امامت و خلافت حضرت علی را جزء اصول دین نمی‌دانید؟ و مگر امور مربوط به دین از قرآن و سنت به دست نمی‌آید؟ پس می‌شود بفرمائید که قهر کردن فاطمه چه ربطی به اثبات امامت علی دارد؟! شما می‌بایست این ادعای دینی خود را از کتاب و سنت به اثبات برسانید، نه از قهر کردن فلان با فلان. شما قصد دارید از هر چیزی که شده خلافت علی را بیرون بکشید.

عمر داماد علی

۴۴- ام کلثوم دختر حضرت علی به همسری عمر بن خطاب در آمده است (به تواتر در کتب مختلف ثبت شده، حتی کتب شیعه همچون: کافی، بحار الانوار، تهذیب و تاریخ یعقوبی).

سوال: مگر در اسلام نیامده که با هم کفو خود ازدواج کنید؟ پس چرا حضرت علی به این قانون اعتنایی نداشته است؟!.

فراموش نکنید که دختر گرفتن از شخصی با دختر دادن به او تفاوت دارد و دختر دادن بسیار مهمتر است. (شما می‌توانید از اهل کتاب دختر بگیرید، ولی نمی‌توانید به آنها دختر بدهید).

زحمات پیامبر به باد فناء

۴۵- شیعه معتقد است که پس از رحلت نبی اکرم ﷺ بیشتر اصحاب ایشان مرتد شدند، چونکه دستور مهم خلافت و جانشینی حضرت علی را زیر پا گذاشتند و در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و ابوبکر را به خلافت برگزیدند.

شیعیان در واقع ابوبکر و عمر و عثمان را غاصب خلافت الهی میدانند و همینطور ظالم و ستمکار و به همین خاطر ایشان را لعن و نفرین می‌کنند و بغض و کینه ایشان را به دل دارند و معتقد هستند که همیشه باید امامی من‌عندالله و حجتی از جانب خدا بالای سر مردم باشد تا امت اسلامی به انحراف نروند.

سوال: طبق این عقیده حاصل دسترنج پیامبر اسلام در ۲۳ سال زحمت و مجاهدت و نزول وحی و فرشتگان، فقط عده‌ای خاص و اندک شده است و شیعه از طرفی دیگر معتقد است که همیشه باید حجتی از جانب خدا برای مردم وجود داشته باشد، با این تفاسیر ما می‌پرسیم که چنانچه امام زمان شما و حجت الهی شما نیز ظهور کند و مانند پیامبر اسلام بر مردم حکومت کند، باز چه تضمینی می‌دهید که در انتهای کارش اصحاب و یارانی مرتد تحویل اجتماع ندهد؟!!!!

وقتی پیامبر اسلام با آن عظمتش و با آن کمکی که از جانب وحی الهی و فرشتگان داشته در انتها یارانش مرتد شده‌اند، پس دیگر چه انتظاری از

مهدی صاحب الزمان شما می‌رود؟ آیا او بالاتر و برتر از پیامبر اسلام است؟! آیا او کارش را بهتر از پیامبر اسلام انجام می‌دهد؟! آیا او دارای معجزات و امدادهای بیشتری از جانب خداست؟!!!

آیا این تحقیر مقام پیامبر ﷺ نیست؟!!!

هجوم به خانه فاطمه

۴۶- یکی از دلایل دشمنی شیعیان با عمر بن خطاب، خلیفه دوم، بخاطر یک سری از روایات است، و طبق آن شیعیان معتقدند که عمر و اطرافیان او به خانه‌ای که فاطمه در آن بوده، هجوم برده‌اند و درب منزل را سوزانده‌اند و باعث شهادت فاطمه زهرا و حتی جنین داخل شکمش شده‌اند که نامش محسن بوده است.

سوال: لطفاً صحت این روایت را ثابت کنید و فراموش نکنید منظور ما تنها و تنها اثبات موارد زیر بطور کامل است نه چیزی دیگر که بصورت مبهم و گوشه و کنایه باشد:

۱- آتش زدن منزل یا درب منزل.

۲- سقط جنین.

۳- شهادت فاطمه زهرا بخاطر این هجوم.

حتی روایاتی که در کتب اهل سنت پیرامون این مسئله موجود است و علمای شیعه نیز دائم به آنها اشاره دارند تنها تهدید به سوزاندن منزل را بیان می‌کنند نه اینکه اینکار عملی شده باشد و همچنین سقط جنین و شهادت فاطمه نیز در آنها نیست.

در ضمن لطف کرده و به کتبی چون سلیم بن قیس هلالی اشاره نکنید، چون در چند قرن بعد ظهور یافته (قرن چهارم) و علمایی چون شیخ مفید آنرا رد کرده‌اند.

دزدی از جیب آسمان!

۴۷- شیعه معتقد است که خلافت الهی حضرت علی، غصب شده است.
سوال: اگر این منصب، منصبی الهی است، پس چگونه قابل غصب شدن است؟

مگر کسی می‌توانسته نبوت پیامبر ﷺ را غصب کند؟!
 علاوه بر اینکه شیعه، امامت را بالاتر از نبوت می‌داند. اگر امامت منحصر به وجود شخصی خاص است و توسط خداوند به او اهدا می‌شود، پس آیا شخصی دیگر میتواند این مقام را از او بگیرد؟!
 لازم به تذکر است که شیعه خلافت و امامت را جدا از هم نمی‌داند و نمی‌تواند بگوید که خلافت علی غصب شده ولی امامت او پابرجا بوده و منصب امامت را داشته است، و در واقع پس از رحلت نبی اکرم ﷺ، امام بوده است.
 به اعتقاد شیعه، خلافت و امامت علی با هم بوده و هر دو الهی بوده و از جانب خداوند اهدا شده، پس تنها متعلق به خود حضرت علی بوده نه شخصی دیگر.

در واقع شیعه مقام خلافت را تنها برای کسی می‌داند که منصب امامت را نیز داشته باشد، پس خلافت جزئی از همان امامت است و چیزی جدا از آن نیست و تنها امامی معصوم و من عندالله می‌تواند خلیفه شود، پس چطور این منصب امامت و خلافت غصب شده است؟!.

ملاقات با امام زمان

۴۸- طبق داستانهایی که در کتب شیعه ثبت شده، عده‌ای از شیعیان و علما توانسته‌اند که امام زمان را ببینند.

سوال: مگر این افراد قبلاً مهدی را دیده بودند که متوجه شده‌اند او مهدی است؟ و اگر خود مهدی خودش را معرفی کرده، پس مگر نمی‌دانید

که شهادت فرد در مورد خودش قابل قبول نیست؟ از کجا معلوم که شخصی حقه باز نبوده که آن فرد شیعی را فریب داده و رفته؟ در ضمن این اشخاص در زمان زنده بودن نمی‌توانسته‌اند ادعای رویت مهدی را بکنند.

مورد معجزات و کرامات مهدی نیز مردود هستند و نمی‌توان به آنها استناد کرد، چون بطور خلاصه:

اولاً: این داستانها پس از مرگ این اشخاص جمع آوری شده‌اند و صحت و سقم آنها مشخص نیست و از کجا معلوم که دروغ نباشند؟ خود آن افراد نیز نمی‌توانسته‌اند این داستانها را بنویسند و در جایی پنهان کنند، چون ممکن بوده به دست مردم بیفتد و او را کذاب بخوانند. اگر هم نوشته‌اند و در جایی گذاشته‌اند و بعد از اینکه مرده‌اند توسط شخصی دیگر انتشار داده شده، پس دوباره می‌گوئیم که شهادت فرد در مورد خودش قابل قبول نیست.

ثانیاً: معجزه مخصوص انبیاء بوده برای اثبات نبوت خویش و بخاطر اینکه در قرآن ذکر شده‌اند ما نیز به آنها ایمان داریم و شما نمی‌توانید معجزات مهدی را با آیات قرآنی و معجزات انبیاء قیاس کنید.

ثالثاً: این داستانها و روایات، جزء اخبار واحد هستند و با خبری واحد برای کسی معجزه ثابت نمی‌شود. معجزات انبیاء در حضور مردم بوده تا باعث ایمان آوردن آنها شود، معجزات مهدی در وسط بیابان برای شخصی شیعه بوده که او را هم قبول داشته و ما نمی‌دانیم فایده این معجزات چه بوده است؟!.

رابعاً: برخی از این داستانها ادعای داشتن علم غیب برای مهدی می‌کنند که مخالف با آیات قرآن است که حتی پیامبر صلی الله علیه و آله غیب نمی‌دانسته (اعراف/ ۱۸۸ و انعام/ ۵۰) و بنابراین مردود هستند.

خامساً: متن و محتوای بسیاری از این روایات دارای خرافات است و نمی‌تواند مورد پذیرش قرار بگیرد (و یا در مورد خمس هستند که البته

دلیل آن روشن است).

سادساً: از کجا معلوم که این کارهای خارق العاده معجزه بوده و نوعی سحر و جادو و یا شعبده نبوده است؟

شما که همراه آن شیعه نبوده اید تا این موضوع را بفهمید؟ آن شیعیان که دانشمند نبوده‌اند و یا علم جادوگری یا شعبده بازی نداشته‌اند تا متوجه شوند. ساحران فرعون با علم سحر آشنا بوده‌اند و فوری متوجه می‌شوند که کار حضرت موسی سحر نیست و معجزه است، در زمان پیامبر ﷺ نیز در میان مردم فصاحت کلام رواج داشته است، و قرآن نیز دارای فصاحت و بلاغت است و معجزه می‌باشد و به همین خاطر کافران نتوانستند مانند آنرا بیاورند.

پس نمی‌توان رویت مهدی توسط دیگران را قبول کرد (البته دلیل آن روشن است، چون چنین شخصی وجود ندارد، یعنی محمد بن الحسن العسکری).

تناقضات

رقص و پایکوبی مردم در حکومت نظامی

۱- الف: یک جا می‌نویسند: وقتی ابوبکر به همراه اطرافیانش از سقیفه به سمت مسجد مدینه می‌رفتند اطرافیان او هر کس را در راه می‌دیدند می‌زدند و با زور بیعت می‌گرفتند!! و این اخذ بیعت در جوی آکنده از ترس و رعب و تهدید، بعمل آمد.

ب: در جایی دیگر می‌گویند: ای وای! چرا هنوز آب غسل بدن پیامبر خشک نشده با انتخاب ابوبکر هلهله و شادی براه انداخته و در کوچه‌ها جشن و پایکوبی می‌کردند؟

ج: بالاخره معلوم نیست جشن و پایکوبی و شادی بوده یا ترس و خفقان و ارعاب و تهدید و کتک کاری؟ براستی مردم چرا پس از قتل حضرت عثمان با آن وضع فجیع، شادی کنان و هلهله کنان برای بیعت به سمت خانه حضرت علی رفتند؟ و آیا نعوذ بالله حضرت علی که کاملاً با قتل حضرت عثمان مخالف بود در این هلهله و شادمانی نقشی داشت؟ که اگر هلهله‌ای در سوگ نبی اکرم بوده باشد ابوبکر را در آن شریک بدانیم؟

فصاحت دلیل است و بلاغت نه!

۲- الف: محقق شیعه می‌گوید: زیارتنامه عاشورا قطعاً متعلق به معصوم است برای این که این زیارتنامه از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است.

ب: خطبه علی علیه السلام در ستایش از حضرت عمر رضی الله عنه (لله بلاء فلان) بنا به عقیده شیعه متعلق به علی نیست هر چند از فصاحت بالایی برخوردار بوده و دقیقاً مانند لحن و شیوه کلام علی علیه السلام باشد.

روایت دشمن علی روی چشم!

۳- خطبه شقشقیه با اینکه خبر واحد است و راوی آن عکرمه (از خوارج) صحیح است - خطبه لله بلاد فلان در ستایش از حضرت عمر رضی الله عنه صحیح نیست زیرا خبر واحد است و راوی آن مغیره!!!

حکایت مجهول

۴- در تمام داستان‌ها و سخنانی که از آن روزگاران (پس از رحلت پیامبر) در کتابها نقل شده حتی یک مورد اشاره به غضب خلافت و زیر پا گذاشتن آیه قرآن و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؟ و اگر موضوع خفقان را پیش می‌کشید چگونه اصل واقعه غدیر توسط ۱۱۰ نفر از اصحاب نقل شده است؟ زیرا اگر به زعم شما این واقعه مستقیماً مربوط به خلافت بوده حتی یک نفر هم نباید جرات نقل آنرا داشته باشد. آیا این دو مطلب با یکدیگر در تناقض نیستند؟

بر پیامبر حلال

۵- وقتی می‌خواهند بگویند: منظور خداوند در آیه غار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که از ناحیه خدا آرامش بر او فرستاده شد و نه ابوبکر^۱ می‌گویند: پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- منظور از آیه غار آیه ۴۰ سوره مبارکه توبه است که جانبی از هجرت را به تصویر کشیده. در این تصویر مشرکان بالای غار کوچک و سرباز "ثور" که پیامبر و یارش ابوبکر در آن پناه گرفته‌اند می‌رسند. ابوبکر از اینکه مبدا مشرکان پیامبر را دستگیر کرده مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار دهند و یا بقتل برسانند بسیار ناراحت و اندوهگین می‌شود. و با ناراحتی به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید: یا رسول خدا اگر کسی

هم مانند بقیه انسان‌ها بشر بوده و ناراحت می‌شده و... و به آیه: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ اشاره می‌کنند ولی وقتی می‌خواهند جریان قلم و دوات خواستن پیامبر ﷺ را پیش بکشند می‌گویند: چرا عمر گفت این مرد

از آنان به زیر پایش نگاه کند ما را خواهد دید. پیامبر خدا بدو می‌فرمایند: ناراحت مباش "لا تحزن" چرا که خدا با ماست! این آیه از ابوبکر بنام یار و دوست - صاحب - پیامبر خدا نام می‌برد. و ابوبکر تنها کسی است که قرآن بدین صراحت مقام و رتبه‌ی والا و نشان فخری بر شانه او نهاده است...

حال چگونه چین شخصی که قرآن او را یار و غمخوار پیامبر معرفی نموده، و این آیه کریمه تا روز قیامت بر زبانهای مردم چون یک گواهی و شهادت آشکاری است بر صلاح این شخص. بنا به عقیده شیعه تمام عمرش را در نفاق بسر برد و با وفات پیامبر از دین مرتد شد و...

و چون این آیه بصورت بسیار روشن و آشکاری با عقیده شیعه در تضاد بود. و شیعه هم جرأت تصحیح عقائد خود و بازگشت بسوی حق را نداشتند تصمیم گرفتند تیشه به ریشه آیه زنند و آنرا بصورتی بسیار ابلهانه تأویل و تفسیرها کنند. که همه این تفسیرهایشان با عقل و نقل و منطق و قواعد و اسلوب عربی قرآن کاملاً مخالف است. از جمله آن تفسیرها اینکه: پیامبر نگران و اندوهگین شد خداوند که دوست او در سفر بود به دوستش که (پیامبر باشد) گفت: نترس که خدا با ماست!!!!...

و آیه کریمه چنین است: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۴۰]. «گر نصرت ندهید پیغامبر را چه باک هر آینه نصرت داده است او را خدا آنگاه که بیرون کردندش کافران دویم دو کس آنگاه که این دو کس در غار بودند آنگاه که می‌گفت یار خود را اندوه مخور هر آینه خدا با ما است پس فرو فرستاد خدا تسکین خود را بر پیغامبر و قوت دادش به لشکریایی که ندیدید آنرا و ساخت سخن کافران را فروتر و سخن خدا همونست بلند و خدا غالب درست کار است.»

هذیان می گوید و مگر قرآن نگفته: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ [النجم: ۱۳]. و پیامبر با خداوند در ارتباط بوده و موید به تاییدات الهی بوده و...

۶- در آیه غار ضمیر (ه) ﴿وَأَيَّدَهُ﴾ (یعنی یک نفر) به پیامبر بر می گردد. الذین در آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ یعنی جمع به علی بر می گردد. ولی اگر الذین می تواند خطاب به یک نفر باشد چرا «ه» ﴿وَأَيَّدَهُ﴾ نباید خطاب به دو نفر باشد؟! یا خطاب به یک نفر یعنی ابوبکر؟

تورا چه به آتش در خرمن دشمن!؟

۷- شما در جایی می گوئید: پس از نبی اکرم همه مردم مرتد شدند به جز ۳ نفر. و در جای دیگر می گوئید: علت عدم پرداخت زکات و شورش علیه ابوبکر این بود که خلافت او را قبول نداشتند ولی سوال اینجاست: همه به جز ۳ نفر که بنا به اعتراف شما مرتد شده بودند. آیا مرتدین این همه غم دین داشته اند که حاضر شده اند به خاطر چیزی که به آن اعتقاد ندارند خودشان را به کشتن بدهند؟! آیا خنده دارتر از این، لطیفه ای شنیده اید؟ و خنده دارتر اینکه این مرتدان رفته اند و با عده ای مرتد دیگر جنگیده اند!!!!

ثروتمند گرسنه

۸- حضرت علی و فاطمه همیشه در فقر بوده اند. و به عقیده شیعه سوره «هل أتى» در مدح آنان نازل شده که سه روز غذا نداشتند و غذای خود را به یتیم و فقیر و اسیر دادند به نحوی که حسن و حسین (که کودک بودند) به حالتی نزدیک به مرگ رسیده بودند. سؤال: اتاق فاطمه که داخل مسجد بوده پس در جریان اخذ بیعت اجباری حضرت علی را از کجا به کجا بستند و بردند و حضرت فاطمه از کجا در راه آمدند به مسجد برای ایراد خطبه فدکیه و...؟ پاسخ شیعه: نه، حضرت علی یک خانه دوم هم کنار قبرستان بقیع داشته اند!!

وقتی سائل وارد مسجد شد حضرت علی انگشتی خود را که بسیار گران قیمت بود (قیمت یکسال خراج یمن !!!) به او بخشید. و آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ در مدح و تعیین ایشان به خلافت نازل شد. به هر حال ایشان فقیر بودند یا ثروتمند؟ و برای اینهمه تناقض چه پاسخی دارید؟ شاید تقیه!!!!.

مجتهدان تازه به دوران رسیده

۹- افرادی که از اول عمر همراه پیامبر ﷺ بوده و در هر غم و سختی یار و یاور او بوده و با او رابطه خویشاوندی داشته و از طرف او سمتهای متعددی را داشته‌اند و پس از او خلیفه شده‌اند نمی‌توانند حکم حکومتی صادر کنند ولی کسانی که یک شبه مجتهد شده‌اند می‌توانند مثلاً خلاف نظر شورای نگهبان حکم حکومتی صادر کرده و کاندیداهای رد صلاحیت شده ریاست جمهوری را تایید کنند! یا حکم اعدام صادر کنند یا حکم تخریب مسجد بدهند و...

امام زمان و سر و گردنی بالاتر از امیر مؤمنان

۱۰- الف: وقتی حضرت ابوبکر خلیفه شده بود بسیاری ادعای پیامبری کرده بودند و بسیاری از قبایل نیز شورش کردند و هر لحظه بیم حمله قبایل راهزن به مدینه می‌رفت و مدینه در جوی از تهدید و رعب فرو رفت و... ابوبکر با سیاست و مصلحت جویی خاص خود نه تنها شورش رده را سرکوب بلکه چنان تثبیتی به مرکزیت اسلام داد که حضرت عمر توانست در زمان حکومتش سه امپراطوری را به زانو درآورد^۱. ب: شیعه معتقد است

۱- ابوبکر با این کار خود باز هم خدمت بزرگی به اسلام نمود و این را نیز به خدمات قبلی خود اضافه کرد و از نظر اینجانب بهترین نمره و امتیاز را می‌توان به حضرت ابوبکر رضی الله عنه داد.

علت عدم موفقیت حضرت علی قتل عثمان بود ولی آیا اگر ایشان به جای ابوبکر خلیفه شده بودند مشکلات شدیدتری پیش رو نداشتند؟ ج: شیعه معتقد است وقتی امام زمان ظهور می‌کنند جهان مملو از ظلم و جور است و ایشان موفق به پیروزی و تسلط بر جهان می‌شوند (در حالیکه باید در ابتدا امامت خود را ثابت کنند چیزی که برای حضرت علی ثابت شده بود علاوه بر اینکه حضرت علی یاران بسیاری نیز داشته و...) آیا این تناقض نیست که امام زمان در شرایط بسیار سخت تر و با یاوران کم‌تر موفق می‌شوند ولی حضرت علی موفق نشدند؟ و اگر قضا و قدر و خواست خدا را مطرح می‌کنید حریف شما نیز در مقابل، همین پاسخ را می‌دهد.

حرف حسابی...

۱۱- در کتب شیعه به حد تواتر این روایت وجود دارد که: پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه مردم مرتد شدند به جز ۳ یا ۵ نفر، از سوی دیگر این مطلب نیز به حد تواتر در کتب شیعه وجود دارد که بیشتر انصار و عده زیادی از سران اصحاب خواستار بیعت با علی بوده و حتی تا مدتی با ابوبکر بیعت نکردند^۱. اکنون اگر این دو مطلب (ارتداد همه به جز ۳ نفر و علاقه همه به علی به جز چند نفر) تناقض نیست پس چیست؟ و اگر هم توجیه می‌کنید که بیعت آنها با ابوبکر موجب ارتداد است اولاً طبق عقیده شما عده‌ای از این افراد تا مدتی بیعت نکردند و در ثانی حضرت علی هم بیعت کردند پس نعوذ بالله...

۱- به عنوان مثال، شیخ شرف الدین (عالم شیعه) در الفصول المهمة نام ۲۵۰ نفر از سران اصحاب را آورده که طرفدار علی بوده‌اند.

ایراد بی مورد

۱۲- در حدیث است که روزی پیامبر اکرم ﷺ به همراه حضرت عمر رضی الله عنه و حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عثمان رضی الله عنه بر روی کوهی بودند. کوه شروع به لرزیدن کرد پیامبر ﷺ فرمودند: ای کوه، نلرز که بر تو نبی و صدیق و دو شهید است. شیعه با تمسخر می پرسد: مگر کوه می لرزد؟ ولی وقتی دیوار کعبه (یعنی خانه خدا) برای تولد طفلی از هم باز می شود و دوباره هم بسته می شود پس چرا نباید کوه زیر پای پیامبر خدا فقط بلرزد؟^۱

تخلف یا احترام

۱۳- الف: سنی می گوید: در جریان صلح حدیبیه حضرت علی رضی الله عنه اطاعت امر پیامبر را در پاک کردن نام ایشان نکرد و پیامبر ﷺ با انگشت مبارک خودشان نام خود را پاک کردند. شیعه پاسخ می دهد که عمل حضرت علی از شدت احترام و علاقه به نبی اکرم بوده است. ب: شیعه می گوید: چرا عمر و ابوبکر از جیش اسامه تخلف کردند^(۲)؟ سنی می گوید: از شدت علاقه نگران حال پیامبر اکرم ﷺ بوده اند. ولی شیعه این موضوع را قبول نمی کند. آیا این تضاد در نقد و تجزیه و تحلیل یک مساله نیست؟

۱- خرافات و چرندیات کتب شیعه (غلات و صفویه) در دنیا نظیر ندارد، آنوقت خنده دار است که همین شیعیان وقتی با مذاهب دیگر اسلامی روبرو می شوند از سخت گیرترین منتقدان خواهند شد.

۲- قابل ذکر است که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در لشکر اسامه رضی الله عنه نبودند، اما عمر رضی الله عنه، بنابر درخواست ابوبکر صدیق از اسامه رضی الله عنه که عمر رضی الله عنه را اجازه بدهد که در مدینه با ایشان باشد که به وی نیاز داشتند، و اسامه درخواست ایشان را قبول کرد. (مُصحح)

پیامبر یا امام؟

۱۵- الف: حضرت محمد ﷺ آخرین نبی هستند. ب: حضرت علی امام اول تعیین شده از جانب خدا هستند. ج: مقام امامت از مقام نبوت بالاتر است. د: حضرت محمد آخرین پیامبر، مقام حضرت علی بالاتر از مقام نبوت!!!!

مژده‌های خدا کجایند؟

۱۶- خداوند و رسول اکرم سه مژده به مسلمانها دادند. خداوند وعده حفظ قرآن از نابودی و سرکوب شورش رده و پیامبر اکرم وعده فتح سه امپراطوری توسط مسلمانها را به آنها داد. جالب است که هر سه این مژده‌ها به دست حضرت عمر رضی الله عنه و حضرت ابوبکر رضی الله عنه و تحت فرماندهی و پافشاری و سیاستمداری آنها عملی شد!

قرآن یا دیوان مدح و ثنا

۱۷- الف: عمر احادیث پیامبر را سوزاند تا فضایل علی را کتمان کند. ب: حضرت عمر رضی الله عنه آیات قرآن را جمع آوری کرد تا جلوی نابودی آن گرفته شود. ج: شیعه معتقد است ۳۰۰ آیه قرآن در ستایش علی و مقدار زیادی از آیات قرآن نیز در نکوهش عمر و ابوبکر است^۱. اکنون آیا مورد ج با مورد الف و ب در تناقضی مسخره نیست؟

همبستگی کیان امت قبل از دفن رهبر

۱۷- الف: چرا مردم، پیامبر اکرم را دفن نکرده به سرعت ابوبکر را به خلافت انتخاب کردند؟ ب: پیامبر به هر حال افراد متعددی را جهت تدفین داشتند. چرا مردم، عثمان را به خاک نسپرده و همانوقت برای بیعت به

۱- آیاتی دیگر را نیز به امام زمان مرتبط می‌کنند.

طرف خانه حضرت علی هجوم آوردند^۱؟

۱۸- ازدواج حضرت عمر با ام کلثوم دختر علی و فاطمه یک رسم عادی و پیش پا افتاده بوده و چندان موضوع مهمی نیست/ ولی ازدواج علی با فاطمه... (فکر می‌کنم نیازی به توضیح نباشد).

۱۹- دولتی که تمام اصول خود را بر مبنای مذهب می‌داند و مذهب خود را بهترین مذهب جهان و سیاست خود را عین دیانت خود می‌داند، با بدترین و گمراه‌ترین مکاتب فکری یعنی ملحدین و کسانی که خداوند را قبول ندارند (یعنی بدتر از مشرکین مکه) با چین و شوروی و کوبا گرم‌ترین روابط تجاری و سیاسی را دارند آیا این با مبانی فکری و عقیدتی و حتی فقهی آنها مبنی بر ممنوعیت رابطه با چنین دولی در تناقض نیست و اگر مساله مصلحت را پیش می‌کشید پس چرا ۱۴۰۰ سال به حضرت عمر و حضرت ابوبکر انگ بدعت می‌زدید؟ به هر حال شما با قیاس مخالفید از کجای احادیث و آیات قرآن چنین حکمی را استخراج کردید؟

۲۰- در حدیث کساء می‌گویید: پیامبر اکرم ص به ام سلمه گفت: اهل بیت فقط و فقط این چهار نفرند (علی - فاطمه - حسن و حسین) و ام سلمه را حتی با تمام خوبی و نیکی و اصراری که دارد جز اهل بیت ندانستند ولی در جایی دیگر می‌گویید: پیامبر اکرم ص فرمود: «سلمان منا أهل البيت»: سلمان از اهل بیت ما است! براستی هیچ زنی در کل تاریخ ۱۴

۱- جالب اینکه در سال ۱۳۶۸ ش وقتی آیت الله خمینی وفات کرد. خبر وفاتش را برای چند روز بتأخیر انداختند، تا آیت الله خامنه‌ای را - پس از جنجال‌هایی در کادر رهبری و مجلس خبرگان رهبری و اختلافات شدیدی بین مراجع که خود را حقدارتر از خامنه‌ای می‌دانستند و او مرجع بشمار نمی‌آوردند و... - بعنوان رهبر انقلاب معرفی کردند، سپس آیت الله خمینی را دفن کردند!!...

قرنی که تا کنون از اسلام گذشته به اندازه خدیجه نقش موثر و مهمی در اسلام، نداشته است ولی شیعه او را جز اهل بیت نمی‌داند! براستی چرا؟

۲۱- افرادی مانند تیجانی می‌گویند: علت شورش رده این بوده که مردم سایر قبایل خلافت ابوبکر را قبول نداشتند! ولی مسلمان که بودند پس چرا ابوبکر آنها را می‌کشت؟ سؤال اینجاست: آیا آن ۴ نفری که مردم قبائل دور آنها جمع شده بودند و ادعای پیامبری داشتند به خاطر مخالفت با ابوبکر ادعای پیغمبری کردند؟؟ سؤال جالبتر: حضرت علی می‌توانستند همراه با قبیله بنی هاشم و کمکهای ابوسفیان به آنها پیوسته و خلافت را پس بگیرند. آری، وقتی یک به اصطلاح دانشمند درباره مسائل تاریخی اینگونه قضاوت می‌کند چه انتظاری از مداحان و مردم عادی می‌رود؟ براستی خوارج هم که مسلمان آن هم از نوع خیلی دو آتسه بودند چرا حضرت علی در عرض یکساعت ۴ هزار نفر از آنها را کشت؟

زخم زبان به خود

۲۲- برخی از نویسندگان شیعه مانند تیجانی یکسری از احادیث پیامبر اکرم ﷺ را مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه ایشان فرمودند: پس از هیچ پیامبری امت اختلاف نکردند مگر اینکه بدترین افراد زمام کار را به عهده گرفتند و یا اینکه پس از من حاکمان بدی روی کار می‌آیند و از اینگونه احادیث... سؤال اینجاست:

- حضرت علی علیه السلام و امام حسن و سران جمهوری اسلامی نیز پس از نبی اکرم به قدرت رسیدند، پس نعوذ بالله...
- پس از پیامبر ﷺ چه کسی مخالفت کرد؟ حتی حضرت علی علیه السلام در پاسخ عباس که ایشان را تحریک به عدم بیعت با ابوبکر می‌کند می‌فرمایند: اِنی اُکره عن اختلاف: من از اختلاف بیزارم. یعنی

حضرت علی نیز مخالفتی (در حد فرموده نبی اکرم و درجه مخالفت یعنی کشت و کشتار) نکردند.

۲۳- شیعه عدم بیعت حضرت علی را تا مدت زمانی اندک نوعی مخالفت قلمداد می‌کند/ حضرت علی به عباس در مورد بیعت می‌فرماید: اِنِّی اُکْرَهْ عَنِ اِخْتِلَافٍ: من از اختلاف بیزارم. آیا این دو عقیده متناقض نیست؟

۲۴- متأسفانه شیعه و نویسندگان آن به جای اینکه در یافتن علل وقایع تاریخی پاسخ‌های حضرت علی را سرمشق خود قرار دهند که هم به زعم خودشان به آن حضرت عشق می‌ورزند و هم آن حضرت در همان مکان و زمان زندگی کرده‌اند به جای اینکار به تحلیل‌های من درآوردی بسنده می‌کنند. مثلاً این تحلیل همیشگی آنها که علت مشکلاتی که برای علی در زمان خلافتش پیش آمد خرابکاری‌های خلفای قبلی بود! ولی پاسخ را از زبان خود آن حضرت بشنوید: شخصی به آن حضرت می‌گوید: چرا در زمان خلفای قبلی چنین مسائلی پیش نمی‌آمد که در زمان خلافت شما پیش آمده؟ حضرت پاسخ می‌دهد: آنها بر اشخاصی مثل من حکومت می‌کردند و من بر اشخاصی مثل تو! این سخن دقیقاً منطبق با آیات قرآن است که می‌فرماید: ﴿اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱].

«خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه خودشان را تغییر دهند». این یعنی اینکه هیچگاه یک نفر نمی‌تواند عامل خوشبختی یا بدبختی ملتی شود و جو عمومی و فرهنگ کلی جامعه عامل اساسی و تعیین کننده است. ولی نویسنده شیعه تلاش می‌کند همه گناهان را به گردن حضرت عمر و حضرت ابوبکر بیندازد. ایکاش نویسنده شیعه در تجزیه و تحلیل وقایع نیم نگاهی نیز به سخنان حضرت علی می‌انداخت هر چند اینگونه هم راهی برای کوبیدن حضرت عمر و ابوبکر نخواهد داشت.

مطهری در پی راه چاره

۲۵- مطهری در کتاب سیری در امامت برای رهایی از تناقضات متعددی که در این زمینه گریبانگیر محققین شیعه شده پس از ۱۴۰۰ سال کشمکش، راه حل تازه‌ای ارائه داده و می‌گوید: متکلمین شیعه اشتباه می‌کردند که امامت را همان خلافت می‌دانستند! خلافت، جزئی از امامت است، و وظیفه مهمتر امام، تفسیر و توضیح و تبیین دین است!!! ولی:

■ آیا می‌شود هر از چندگاهی برای رهایی از سئوالات بی‌پاسخ، موضع خودمان را عوض کنیم؟

■ این سخن مطهری مخالف نص صریح قرآن است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. می‌بینید چقدر تأیید و تأکید دارد که امروز دین کامل و تمام شد. همه اینها برای این است که کسی هوس نکند پس از پیامبر ﷺ به بهانه تکمیل و تفسیر دین، چیزی جدیدی بیاورد و موجب بدعت شود. که متأسفانه آوردند و شد... (توسط تفکرات ابن سبأ یهودی) و مگر در همان ابتدای قرآن در سوره بقره آیه ۲ نمی‌خوانیم: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲]، لاریب یعنی نبودن شک، ظن و تردید و شما چیزی را که در آن شک دارید توجیه و تفسیر می‌کنید نه چیزی را که روشن، مبین، واضح و بدون شک و شبهه باشد.

■ مخالف کامل با اصل خاتمیت است.

■ فهرست نام امامان تا ۱۵۰ سال می‌شود آیا اتفاقی که در طول هزاران سال عمر بشر نیفتاد می‌توانست در عرض چند نسل بیفتد؟ آن هم با آن شرایط بی‌سوادی و عدم وجود وسایل ارتباط جمعی؟

- در زمان امامان شیعه مواردی مانند: بیمه، مصرف مواد مخدر، قرصهای اکستازی، ارتباط تجاری و سیاسی با دول مشرک و کافری چون چین و شوروی و کوبا، شبیه سازی و... وجود نداشته. پس آیا باید سلسله امامان و مفسران دین تا روز قیامت ادامه داشته باشد. و اگر بحث اجتهاد را پیش می کشید پس گناه حضرت ابوبکر و حضرت عمر چیست؟
- مطهری به خوبی متوجه این تناقض (شان حکومتی امام) شده و می گویدشان اصلی امام، تفسیر و توضیح دین و مقام معنوی امام است و شان حکومتی فرع آن است! خوب، این که مشکلی را حل نمی کند. ما نیز این سخن را قبول داریم، ولی تمام دعوی بر سر خلافت است و اینکه شما طبق کدامین دلیل، معتقد به وجود نص هستید؟

تقیه شکن

۲۶- شیعه زیارتنامه عاشورا را منتسب به امام محمد باقر می داند. از سویی دیگر شیعه رواج تقیه و جواز آنرا متعلق به دوران امام محمد باقر و امام صادق می داند. این زیارتنامه مملو از نفرین و لعن (۱۸ بار لعن) به خصوص علیه خلفای اول و دوم و سوم است آیا چنین چیزی با اصل تقیه در تعارض نیست؟ زیرا این دو امام به قول شیعه مرتب سفارش به پنهان کاری و عدم درگیری با دیگر فرق مسلمان می کرده اند. و زیارتنامه نیز چیزی است که به صورت اوراد و اذکار در سفر و حضر و در خانه و در کربلا و مسجد و... خوانده می شده. پس این چه سفارشی به تقیه بوده است؟ (مگر اینکه قبول کنیم این زیارت ساخته و پرداخته غالیان است).

اشتباه از امام یا از خدا

۲۷- شیعه معتقد است پیامبر اکرم ﷺ نام ۱۲ امام را به ترتیب تا امام زمان بیان کرده‌اند. امام صادق علیه السلام فرزند ارشد خود یعنی اسماعیل را به عنوان امام معرفی کردند ولی پس از فوت او فرمودند در این مورد، بداء حاصل شد^۱ و پس از آن فرزند سوم خود را معرفی کردند. این امر باعث پیدایش فرقه ضاله اسماعیلیه شد که کردند آنچه کردند. بگذریم. چگونه است که امام صادق علیه السلام از حدیث پیامبر اکرم ﷺ بی اطلاع بوده‌اند؟

آیا شرک شاخ و دم دارد؟

۲۸- آنچه در فرهنگ توده شیعه جریان دارد بسیار قویتر است از آنچه نویسندگان شیعه در کتابهایشان می‌نویسند. شیعیان یکجا با سوز و گداز این آیه زیبا را می‌خوانند: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ [النمل: ۶۲]. و جایی دیگر، همراه با آقای ذاکر (مداح) فریاد می‌زنند: می‌خام امشب رو بخونم واستون از سر احساس که چرا هر کی گرفتار می‌شه میاد پیش عباس. براستی آیا هنگام گرفتاری طبق آیه قرآن باید خداوند را صدا زد یا حضرت ابوالفضل را؟ و آیا باید به سراغ خداوند رفت یا به سراغ حضرت عباس؟ و آیا شرک، شاخ و دم دارد؟ و اگر اینها شرک نیست پس شرک چیست؟

۱- بداء یکی از عجائب عقیده شیعه است. آنها بر این ادعایند که خداوند اسماعیل را بعنوان امام پس از پدرش مقرر نموده بود. ولی ناگهان متوجه شد که اسماعیل وفات کرد! اینجا بود که خداوند دریافت - العیاذ بالله - اشتباه کرده، و فرزند دیگر امام صادق را به امامت برگزید!!!

کودتای نافرجام

۲۹- شیعه این داستان را قبول دارد که ابوسفیان به حضرت علی علیه السلام در جریان انتخاب ابوبکر گفت: اگر بخواهی مدینه را از سواره و پیاده علیه ابوبکر پر می‌کنم ولی حضرت علی به او گفت: برو من نیازی به سواره و پیاده تو ندارم. شیعه در جایی دیگر معتقد است که حضرت علی علیه السلام از برخی افراد خواست تا سر خود را بتراشند و هنگام سحر برای قیام علیه ابوبکر به در خانه ایشان بیایند که این افراد خلف وعده کردند و... عجیب است شیخ شرف الدین علت عدم اشاره حضرت علی به ماجرای غدیر را حفظ و رعایت مصلحت می‌داند ولی در این داستان، حضرت علی از ۴۰ نفر خواسته‌اند که علیه حکومت شمشیر بکشند!!!! و از آن طرف کمک ابوسفیان را رد می‌کند!! براستی علت اینهمه تناقضات درهم و برهم چیست؟

۳۰- شیعه می‌گوید: حضرت علی ۲۵ سال خانه نشین شدند ولی:

- چگونه است که حداقل دو بار در تاریخ ثبت شده که ایشان دو بار هر بار به مدت یکماه در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه جانشین او در مدینه بوده‌اند^۱؟
- چگونه دخترشان را در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه به عقد خلیفه در می‌آورند؟
- چگونه امام حسن و امام حسین در جنگهای ایران شرکت داشته‌اند؟
- ما می‌دانیم حضرت عمر رضی الله عنه به هیچ یک از صحابه سرشناس که دارای پایگاه قبیله‌ای بالا بوده اجازه خروج از مدینه را نمی‌داده و می‌گفته: هر چه در زمان رسول الله در راه اسلام شمشیر زده اید صوابش کافی است. و این اجازه عدم خروج یا عدم

۱- و در واقع حضرت علی به عنوان وزیر و مشاور خلفا عمل می‌کرده است.

- اجازه شرکت در جنگها مختص حضرت علی نبوده است.
- حضرت علی قسم یاد کرده بودند پس از رحلت نبی اکرم تا قرآن را (برای خودشان) جمع نکنند از خانه خارج نشوند.
 - شور و نشاط و جنگجویی یک جوان تا سن ۳۰ یا ۳۵ است و ما می‌دانیم حضرت علی در زمان رحلت نبی اکرم ﷺ حداکثر ۳۳ سال داشته‌اند. پس مقایسه و انتظار اینکه ایشان مانند زمان جوانی خود از خانه خارج شوند یک قیاس باطل و اشتباه است.

با دو تیر یک نشان

۳۱- شیعه از یکسو ضعف اخلاقی و فساد قدرت و ظلم و ستم پادشاهان ساسانی و تبعیضات طبقاتی و... را علت شکست سپاه ایران می‌داند و از سوی دیگر می‌گوید حضرت ابوبکر و عمر حکومتی خفقان‌زا و دیکتاتوری داشته‌اند پس علت پیروزی آنها بر ایران چه بود؟ ضمن اینکه یکی از علل اینکه پیامبر ﷺ باید حتماً در غدیر جانشین معرفی می‌کردند را حضور دو ضلع قدرتمند و خطرناک ایران و روم در مرزهای کشور اسلامی می‌دانند ولی شما که می‌گویید دربار ایران رو به انحطاط و ضعف بوده است.

۳۲- به عقیده شیعه ظهور امام زمان نیاز به زمینه‌سازی و شرایط مناسب دارد، حضرت علی علیه السلام باید خلیفه بلافصل پیامبر ﷺ می‌شد هر چند زمینه فرهنگی اعراب، سن پیرمردها را برای رهبری قبول می‌کرد و هر چند حضرت علی سران و جنگجویان بسیاری از قبایل را از دم تیغ گذرانده بود.

۳۳- به سخن نگاه کن نه به گوینده (حضرت علی) / علم را فراگیر حتی از منافق (حضرت علی) / واعظ شیعه: فقط سخنان و عقاید ما حق است و فقط سخنان مرا بشنوید و فقط کتابهایی خاص مورد تایید است و فقط باید پیرو آقا بود.

۳۴- شفاعت (با مفهومی و معنای وسیعی که نزد شیعه به عنوان اصل دارد و نه با معنای واقعی آن که امری فرعی و استثنایی است) با این سخن نبی اکرم در تضاد کامل است: ای فاطمه، کار کن و کار کن، فکر نکن من می‌توانم برای تو کاری کنم، هر کاری کردی خودت برای خودت کرده‌ای^۱.

۳۵- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾
[الفتح: ۲۹]. تمام اصحاب به جز سه نفر پس از پیامبر اکرم مرتد شدند: آیا اینها تناقض نیست؟

۳۶- الف: اختلافات بعدی در امت اسلام به خاطر عملکرد نادرست خلفای سه گانه بوده است. ب: تمام فرق و مذاهب اسلامی با وجود تشتت آراء در اعتقاد به قرآن و صحت آن متفق القولند. و حسب تواتر قطعی موجود در تاریخ این حضرت ابوبکر و عمر و عثمان بودند که قرآن را جمع آوری و از خطر تحریف و پراکندگی نجات دادند.

۳۷- اگر امامت با بیعت منعقد نمی‌شود چرا می‌گویید: در غدیر خم با علی بیعت کردند؟ و اگر با بیعت منعقد می‌شود چرا حضرت علی از مردم کوفه برای امام حسن، بیعت نگرفتند؟ و حتی در پاسخ به آنها می‌فرماید: خود دانید خواستید با حسن بیعت کنید نخواستید نکنید!!

۳۸- طبق نص صریح آیات قرآن باید رفتار پیامبر ﷺ برای مسلمین الگو باشد اکنون بینیم با عقاید شیعه می‌توان چنین کرد:- پیامبر ﷺ دیگران را به کرات به رعایت عدالت به خصوص بین همسران و فرزندان خود سفارش کرده‌اند ولی خودشان نعوذ بالله خلاف این عمل کرده و دو تا از دخترانشان را به ازدواج بدترین آدم (اول پسران ابولهب و سپس: عثمان)

۱- در قرآن بارها و بارها به عملوا الصالحات تاکید شده، یعنی انجام اعمال صالح، ولی شیعیان به شفاعت دلخوش کرده‌اند.

و دیگری را به ازدواج بهترین انسان (علی) در می آورند! اکنون من به عنوان پیرو باید در مورد فرزندانم پارتی بازی کنم یا عدالت؟! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتباً دیگران را سفارش به انتخاب دوست خوب و با ایمان و نشست و برخاست با صالحین کرده اند ولی خودشان بر خلاف این همیشه با بدترین و ظالمترین!! انسانها همسفر و مونس و همدم و یار و همراه بوده اند و حتی با آنها نسبت خانوادگی برقرار می کرده اند!! (حضرت عمر و ابوبکر و عثمان و سایر اصحابی که به قول شیعه پس از رحلت نبی اکرم مرتد شدند!) اکنون من به عنوان یک پیرو طبق سخن پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کنم یا طبق عمل ایشان؟! آری، اگر طبق عقائد منحرف و ضاله غالیان و احمقها بروی به جایی نمی رسی و مسلماً پیامبر عزیز ما و خاندان با معرفت و بزرگوار ایشان میان حرف و عملشان هیچ تضاد و تفاوتی نبوده است و نفاق و دورویی کار کسانی است که تمامی شئون آنها با مصلحت و تقیه و توریه طی می شود.

۳۹- محقق شیعه در مقام جدل سؤال می کند: اگر حق با علی بود پس حضرت عمر و ابوبکر باطل بودند، من بر همین مبنا سؤال می کنم: آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جامعه عرب را در زمان رحلت خود از نظر فرهنگی و اخلاقی ساخته بود یا نه؟ اگر بگویی: بله، می پرسم: پس چگونه جامعه خوب دست به انتخاب بد زد؟ و فرد خوب را رها کرد! و اگر بگویی: نه، می پرسم: چرا از جامعه بد، انتظار داری دست به انتخاب خوب بزند؟ و گناه فرد منتخب چیست؟ مگر حضرت علی علیه السلام نمی گوید: هر ملتی ناچار از داشتن امیریست حتی ستمگر. و چگونه انتظار داری اسلام، دینی انسان ساز باشد وقتی پیامبرش به زنده بودنش نتوانست مردم و حتی نزدیکان خود را هدایت کند! و اگر بگویی: نمی توان درباره همه جامعه اینگونه قضاوت کرد و افراد یک جامعه در طیفهای متفاوتی قرار دارند. من می پرسم: پس چگونه است که فرد منتخب توسط همین طیفهای متفاوت در یک طیف کاملاً

باطل قرار می‌گیرد؟! نگاه کنید هر پاسخی بدهید دچار تناقض می‌شوید. زیرا سؤال غیر منطقی و پاسخهای غیر منطقی تر، راهی جز تناقض در پیش رو ندارد.

۴۰- اولی: چرا تا پیامبر ﷺ زنده بود کسی مخالفتی نکرد ولی به محض رحلت پیامبر ﷺ ناگهان همه در سقیفه جمع شده و از فرامین آن حضرت، سرپیچی کردند؟ دومی: تا پیامبر ﷺ زنده بود کسی جرات مخالفت نداشت ولی به محض رحلت ایشان، حسدهای دیرین مجال بروز یافت. اولی: آنها که همیشه مطیع محض فرامین پیامبر ﷺ و دستورات الهی بودند. پس چرا در این یک مورد خاص، مخالفت کردند؟ دومی: خیر، شیخ شرفالدین در کتاب خود، دهها مورد از تخلفات آنها در زمان حیات پیامبر ﷺ را آورده است !!! اولی: لطفاً می‌شود تکلیف ما را روشن کنید: آنها با رحلت پیامبر، جرات مخالفت پیدا کردند یا در زمان حیات ایشان هم جرات مخالفت داشتند و مخالفت می‌کردند!!!!

۴۱- شیعه پاسخ بسیاری از شبهات دوران خلفاء را در قالب کلمات مصلحت یا تقیه بیان می‌کند. ممکن است روابط و مناسبات فی مابین حضرت علی علیه السلام و خلفاء را حمل بر این دو کلمه کرد ولی در مورد پیامبر چه می‌گویید؟ زیرا او با تمام خانواده‌اش (قبیله قریش) درگیری ایجاد کرد و هیچ رعایت مصلحت هم نکرد! از همه آنها برید و به مدینه رفت و رعایت مصلحت نکرد! با اینکه در مکه در ضعف و اقلیت هم بود! یا چرا حضرت علی در مورد معاویه بنا بر توصیه ابن عباس رعایت مصلحت نکرد تا در زمان مناسب او را برکنار کند؟

کاسه‌ی داغتر از آش

۴۲- اولی: آیا پیامبر ﷺ در گرمای غدیر مردم را نگهداشت که بگوید: علی را دوست داشته باشید؟ دومی: ولی عجیب است که پیامبر اکرم ۱۲۰ هزار نفر مسلمان را به قول شما در آن گرمای زیاد نگهداشت تا موضوع خلافت حضرت علی علیه السلام را اعلام کند ولی با تمام این مقدمات و... وقتی موقع بیان اصل مطلب فرا می‌رسد از کلمه‌ای برای بیان این موضوع مهم استفاده می‌کنند که دارای ۲۷ معنی مختلف است. براستی پیامبر در ابلاغ و تفسیر کدام یک از آیات الهی در پرده و به کنایه سخن گفتند که این بار دومشان بوده باشد؟ آن هم موضوع به این مهمی!! و اگر اینچنین نیست پس این اختلاف ناشی از چیست؟

۱. آخرین روزهای حیات پیامبر اکرم، اولین‌ها در اسلام! (حسب عقیده شیعه):

۱- پیامبر اکرم برای اولین بار در طول عمر گهربار خود در ابلاغ یک آیه (آیه ابلاغ) دچار شک و تردید و ترس از مردم می‌شوند!!!

۲- پیامبر ﷺ برای اولین بار پیام خدا را در پرده‌ای از ابهام و با کلمه‌ای که دارای ۲۷ معنی متفاوت است بیان می‌کنند.

۳- پیامبر ﷺ برای اولین بار و با وجود اینکه قرآن ایشان را امی (بیسواد) معرفی کرده، درخواست قلم و کاغذ می‌کنند تا چیزی بنویسند که مردم تا قیامت گمراه نشوند.

۴- حضرت عمر برای اولین بار می‌تواند نقطه نظراتش را به کرسی بنشانند.

۵- پیامبری که قبل از آن می‌گفت: اگر می‌دانستم بیش از هفتاد بار طلب آمرزش برای منافقین موثر است چنین می‌کردم برای اولین بار لعن و نفرین می‌کنند آن هم نزدیکترین مسلمانان به خودش را!!!

(در صورتیکه پیش از این خداوند، پیامبر را در حادثه بئر معونه از لعن و نفرین حتی قاتلین مسلمانها منع کرده بود).

۶- برای اولین بار در تمامی تاریخ بشری در فاصله بین ۲ ساعت یاران از جان گذشته تبدیل می‌شوند به مرتد و ظالم و یاور غاصب!!!

شیعه یا خوارج

۴۳- سلطان الواعظین در کتاب شبهای پیشاور^۱ مکرر به این نکته اشاره می‌کند که تمامی کین توزیها از جانب سنی‌هاست و شیعه هیچ تحریکی در

۱- کتاب شبهای پیشاور بیش از ۸۰ سال پیش توسط شخصی بنام سلطان الواعظین شیرازی نگاشته شده است. در این کتاب این نویسنده‌ی دروغگو ادعا نموده که در شهر پیشاور پاکستان با تعداد بسیار زیادی از علمای مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت مناظراتی داشته که در نهایت همه را شکست داده و تعداد بسیار زیادی از آنها به دین حق - که بگمان نویسنده کتاب - دین تشیع اثنا عشری است گرویده‌اند!! این حادثه بطور کامل خیالاتی و دروغی محض است. و نویسنده کتاب نمی‌دانسته که نه تنها در پیشاور بلکه در همه پاکستان مذهب فقهی مردم تنها حنفی است و اثری از مذهب شافعی و حنبلی و مالکی در این کشور نیست تا او با آنها مناظره کند.

نقطه دیگری که پرده از دروغ پردازی این نویسنده برمی‌کشد این است که او فرق بین مذاهب فقهی و عقیدتی را تشخیص نداده. مذاهب چهارگانه اهل سنت مدرسه‌های فقهی هستند که همه در عقیده با هم مشترکند و هیچ اختلافی در بین آنها نیست. در حالیکه اختلاف آنها با مذهب شیعه اختلافی عقیدتی است. و شیعه عقائدی برای خود تراشیده که هیچگونه اساس و مدرکی از قرآن و سنت پیامبر اکرم ندارد. چون قضیه امامت و معصوم بودن امامها و تعداد آنها و تحریف قرآن و عقیده بداء که طعن بسیار تنندی است بر ذات پاک خداوند متعال و بسیاری از قضایای خرافاتی دیگر..

اهل سنت غالباً به کتابهایی از این قبیل که هدفشان شهرت یافتن است هیچ توجه‌ای نمی‌کنند چرا که اهتمام دادن به این کتابهایی که خود گواه بر دروغ بودن

خود هستند بگونه‌ای آنها را مطرح می‌سازد. از این رو با وجود اهتمام بالغ حکومت ایران به این گونه کتاب‌ها و ترجمه آنها به زبان‌های مختلف جهان غالباً علمای اسلام به آنها توجه نمی‌کنند، چون هدف دعوتگران اسلامی از نگاشتن بالا بردن سطح فهم ملت‌های مسلمان از دین‌شان و دعوت کافران به اسلام است. و اگر آنها وقت و قلم‌شان را بر رد زدن به این کتاب‌های پوچ ضایع کنند در حق بسیاری دیگر از قضایای مهم دعوت اسلامی کوتاهی خواهند کرد.

البته با وجود همه اینها یکی از روشنفکران شیعه که سال‌ها پیش پس از بحث و پژوهش‌ها و مطالعات زیاد به مذهب اهل سنت گرویده و از ترس جان خود به خارج از ایران هجرت نموده، و محمد باقر سجودی نام دارد کتابی بنام "روزهای پیشاور" بزبان فارسی در رد کتاب شیعیان پیشاور نگاشته است.

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_news.php?rowID=118

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=533

آقای سجودی که از متن جامعه شیعه ایران برخوردار است، چون دلش برای قوم و خویش و ملتش می‌سوزد از باب دلسوزی و شفقت و مهر این کتاب را نگاشته تا پرده از مکر و حيله آخوندهای حقوق و دروغگوی شیعه برکشد. البته این دوست دانشمندی که خداوند او را براه حق هدایت نموده کتاب‌های دیگری نیز چون «تضاد در عقیده» و «چرا نام علی در قرآن نیامده» و غیره به رشته تحریر درآورده است که برخی از آنها به عربی نیز ترجمه و چاپ شده‌اند و در سایت‌های اینترنتی در دسترس هستند.

این طرفند دروغگویی و اتهام شیعه طرفندی پیش پا افتاده و شناخته شده است. یکی از علمای آنها که عبد الحسین موسوی نام دارد سالها با پوست دوستی و وحدت اسلامی شیخ الأزره سلیم البشیری را در مصر به بازی گرفت. و در نهایت کتابی بنام "المراجعات" ۲۰ سال بعد از وفات شیخ أزره چاپ نمود و در آن ادعا کرد که شیخ أزره قبل از وفاتش به عقائد شیعه پیوسته و باطل بودن مذهب اهل سنت را اعلام داشته و با مذهب شیعه از جهان رفته!! و البته چون این دروغ بسیار گنده بود شاگردان شیخ أزره و دوستان او را که با تمام کرم و سخاوت از این میهمان ایرانی نمک بد حرام در مصر پذیرایی می‌کردند آزد و آنها کتابهایی در رد کتاب مراجعات تألیف نمودند.

طول تاریخ انجام نداده است. براستی برای انسان، جای تعجب است چه کسانی از صبح تا شب (حتی در اماکن مقدس در عربستان) در حال خواندن زیارت جعلی عاشورا و لعن خلفای آنها هستند؟ چه کسانی همه ساله در عیدالزهرها عمر کشان راه می‌اندازند. چه کسانی ورد زبان صبح تا شبشان لعنت بر عمر است؟ براستی اگر جماعتی حضرت علی را لعن کنند رفتار شیعه با آنها چگونه است؟ و آیا شیعیان حاضر به ایجاد وحدت با خوارج هستند؟ پس باز می‌فهمیم که چقدر سنی‌ها خوب هستند.

علی و مشارکت در ظلم

۴۴- حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: کمک به ظالم مانند شرکت در ظلم اوست و... چرا حضرت علی علیه السلام دو بار هر بار به مدت یکماه جانشین حضرت عمر در مدینه می‌شوند؟ تا حضرت عمر به شام و فلسطین سرکشی کند. چرا عمار یاسر و سلمان فارسی در زمان خلفاء، حاکم کوفه و مدائن می‌شوند؟! چرا حضرت علی علیه السلام آنقدر به حضرت عمر مشورت می‌دهد که

شخص دیگری بنام محمد حسینی قزوینی سال‌ها خود را با دکتر احمد الغامدی در سعودی نزدیک نمود. و دکتر غامدی که استاد دانشگاه ام القرا مکه مکرمه است با سینه‌ای گشاده از این میهمان ایرانی خود استقبال و پذیرایی نمود. ولی این آخوند کینه توز شیعه بجای اینکه جواب نیکی را با نیکویی دهد کتابی به فارسی در ایران منتشر ساخت و در آن ادعاهایی دروغین کرد و خود را رستم دستانی معرفی نمود که توانسته استاد جامعه ام القرا را در مناظرات خاموش در پشت درهای بسته شکست دهد... این آخوند ساده‌لو گمان می‌کرد چون کتابش به فارسی است و در ایران نشر می‌شود خبرش به گوش دکتر غامدی نخواهد رسید. اما از بخت شوم آقای قزوینی خبر دروغ‌هایش به دکتر غامدی رسید. و او نیز در کتابی بعنوان «الحوار الهادی» پرده از حقیقت این آخوند دروغگو برکشید.

فقط حضرت عمر ۷۰ بار گفته: «لولا علی لهلك عمر»؟! چرا فرزندانِ حسن و حسین را برای دفاع از حضرت عثمان می‌فرستد؟! و چرا پس از قتل حضرت عثمان وقتی مردم برای بیعت با ایشان هجوم می‌آورند می‌فرماید: من وزیر و مشاور باشم برای شما بهتر است تا امیر (یعنی در این ۲۵ سال مشاور بوده‌ام) (البته تنها و به قول خود شیعه امام رضا علیه السلام در رابطه با پذیرش ولایتعهدی فرموده‌اند بین کشته شدن و اینکار مخیر شدم و یعنی به طور کلی ایشان با اجبار وادار به اینکار شدند ولی حضرت علی و دیگران در مصادیق فوق، اجباری نداشته‌اند)؟!

کودتاگران بی اطلاع!

۴۵- می‌گویند: حضرت عمر و ابوبکر در جریان سقیفه (توطئه، کودتا، دسیسه و... کرده‌اند) ولی ما در تمامی کتب تاریخ می‌خوانیم که به آن دو نفر خبر می‌رسد که انصار در سقیفه برای انتخاب خلیفه جمع شده‌اند و آن دو نفر نیز با سرعت خود را به آن محل می‌رسانند این چه توطئه‌ای بوده که خود آنها هم از آن، بی‌خبر بوده‌اند؟ (ایکاش مردم ما با شنیدن هر سخنی، اندکی به سلول‌های خاکستری مغز خود فشار وارد می‌کردند!! و سریع هر حرفی را قبول نمی‌کردند)

یک سوراخ و دو نیش

۴۶- مگر پیامبر صلی الله علیه و آله نفرموده‌اند: آدم عاقل و یا مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود؟ چگونه است که حضرت علی علیه السلام با وجود پیمان شکنی (در غدیر خم، البته بنا به زعم شیعه) باز هم ۲۵ سال بعد حاضر می‌شوند با مردم بیعت کنند؟ (که باز می‌بینیم طلحه و زبیر و خوارج و... پیمان شکنی کردند) و آن حضرت با چه اعتمادی بیعت کردند؟ و چرا در

گله و شکایت خود از بیعت شکنان در کوفه به این نکته اشاره نمی‌کنند که این کار امروز و بار اول شما نیست و شما در اینگونه امور سابقه دارید^۱؟

۲. اهداف و نیات پلید و شوم حضرت عمر و ابوبکر از به دست گرفتن قدرت چه بوده است؟

- چپاول بیت المال و ساختن کاخهای سر به فلک کشیده و خریدن غلامان و کنیزکان و پوشیدن لباسهای فاخر و خوردن غذاهای لذیذ!!! (همان کاری که اکثر مسئولین حداقل در اندیشه آنند).

- اعطای حکومت ولایات به پسران و برادران و نزدیکان قبیله خود!!! (همان باند بازی خودمان)

- اعطای منصب خلافت به فرزندان یا اقوام خود (برای پس از خود)^۲.

- اجرا نکردن حدود الهی بر نزدیکان خود!!! (همان پارتی بازی خودمان).

- عدم جمع آوری قرآن و سعی در نابودی و یا تحریف آن!!! (همان کاری که دارد اتفاق می‌افتد).

- بسط و گسترش ندادن اسلام به کشورهای همسایه!!! (همان کاری که در زمان ما عکسش اتفاق افتاد و می‌بینیم آمریکا دور تا دور ایران را در پنجه خود گرفته).

۱- بعضی خرافیون می‌گویند: عثمان دختران پیامبر را کتک می‌زده و باعث مرگ ایشان شده است و ما می‌پرسیم: مگر پیامبر ﷺ نفرموده که انسان عاقل (یا مومن) از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود؟ پس چطور خود پیامبر ﷺ بعد از اینکه دختر اول را به عثمان می‌دهد دوباره دختری دیگر را به همسری او می‌دهد تا او کتکش بزند و باعث مرگش شود.

۲- به شهادت تاریخ عمر و ابوبکر حتی به یک نفر از افراد قبیله خود سمتی ندادند.

- گوش نکردن به مشورتها و نصایح افرادی چون: حضرت علی (علیه السلام)!!! (کدام یک از ما حتی به یک حدیث علی عمل کرده ایم؟)¹.
- نداشتن خطر جانی و کشته نشدن در این مقام و منصب!!! (همان محافظها و بادی گاردها و...).
- از ترس جانم می ترسم ادامه دهم!!!.
- در حيله گر بودن و کتمان حق کردن و تعصب و عاظ و نویسندگان، همین بس که حتی یک نفر از شیعیان نمی دانند حضرت عمر، داماد حضرت علی و پدر زن رسول خدا بوده است! یعنی چیزهایی که قطعی و حتمی است ولی دری که می گویند حضرت عمر به پهلوی فاطمه زد و در هیچ کتاب غیر شیعی نیامده را همه می دانند. یعنی یک چیز دروغ غیر قطعی. پس به من حق بدهید که در دروغ بودن سایر سخنان و عقاید شما نیز شک کنم.

مؤمنان کافر!

۴۷- از یکی از حضرات پرسیدم: مگر طبق صریح آیات قرآن، خداوند نفرموده: از کسانی که هجرت کردند و در جنگ بدر حاضر بودند و در بیعت رضوان حضور داشتند خدا راضی است^۲ و بهشت را بر آنها وعده داده و

۱- حتی اگر به یک شیعه بگویی یک حدیث از فلان امام را فقط بازگو کن شاید عاجز باشد حال عمل کردن به آن حدیث پیشکشش.

۲- خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸]. «هر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان وقتی که بیعت میکردند با تو زیر درخت پس دانست آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و ثواب داد ایشانرا فتحي نزدیک».

حضرت عمر و ابوبکر نیز در تمام این موارد حضور، آن هم حضور حساس و سرنوشت ساز داشته‌اند؟ ایشان پاسخ دادند: خداوند می‌گوید: مومنین و آنها مومن نبودند. من پاسخ دادم: چه بی‌ایمانی جالبی که به پیامبر دختر می‌دهد تمام اموالش را در راه اسلام خرج می‌کند در خطرات و سختی‌های هجرت، تنها همراه پیامبر است و... ایشان باز هم گفتند: به هر حال، ایمان نداشته‌اند!! من گفتم: آیا قبول دارید که بهترین تفسیر قرآن، تفسیر آیه به آیه است. گفتند: بله، گفتم: مگر در قرآن نیامده که مومنان باید از مومنان دوست بگیرند و فقط با مومنان رفت و آمد داشته باشند. چطور تاریخ را که می‌خوانی نام حضرت عمر و ابوبکر و علی و عمار یاسر را همه جا در کنار نام پیامبر می‌بینی؟ مگر در قرآن نیامده که فقط مومنین حق تعمیر و آبادانی مساجد را دارند چطور پیامبر به ابوبکر اجازه می‌دهند که زمین مسجد بخرد و برده‌های تازه مسلمان شده را از جیب خودش در راه خدا بخرد و آزاد کند و هزینه جنگها (به خصوص جنگ تبوک) را بدهد و در این جنگ علمدار هم باشد و چطور پیامبر ﷺ یک نفر بی‌ایمان را سال قبل از آن، امیر حجاج مومن کرد و در آخرین روزهای حیاتش امام جماعت مسجد؟ و... و چطور در ابتدای آیه‌ای می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ...﴾ [الحجرات: ۲] . و شما می‌گویید: منظور عمر و ابوبکر بوده‌اند در صورتیکه در ابتدای آیه به مومنان خطاب شده. فبهت الذی کفر.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ [الحجرات: ۲].
 «ای مسلمانان بلند مکنید آوازهای خود را بالای آواز پیغمبر و بلند نکوئید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برای احتراز از آنکه نابود شود عملهای شما و شما خبردار نباشید».

پیامبر در کنار گمراهان!

۴۸- من از کار پیامبر ﷺ در عجبم!! آقایان علمای ما باهوشند و زیرک و با مطالعه کتب تاریخی متعدد و احادیث بحارالانوار و کتاب سلیم ابن قیس، متوجه بد بودن و منافق بودن و ظالم بودن و خیانتکار بودن برخی از صحابه شدند. آن عرب بیچاره بدوی جاهلی بیسواد ساده دل که این چیزها را نمی دانسته، چرا پیامبر ﷺ آنها را (نعوذبالله) فریب داد و اینقدر حضرت عمر و ابوبکر را به خود نزدیک کرد؟ تا جایی که گاه، غریبه‌ها بین تشخیص پیامبر ﷺ و ابوبکر دچار اشتباه می شدند، دختر آنها را به زنی می گرفت به آنها دختر می داد، آنها را طرف شور و مشورت خود قرار داده و.... حسب نگاه شما شخص پیامبر ﷺ با اتخاذ چنین روشی نعوذبالله اولین کسی بود که موجبات گمراهی امت خود و ایجاد اطمینان در آنها نسبت به حضرت عمر و ابوبکر را فراهم نمودند! اکنون با عنایت به این نکته که شما پیامبر اکرم را دارای علم غیب و معصوم از هر خطایی می دانید، آیا یافتن پاسخ برای سؤال من بسیار دشوار و غیر ممکن نمی شود؟

اختراع بزرگ صفویان

۴۹- از کارهای بسیار جالب و دیدنی پتروشیمی صفویه این است که تبصره را اصل می کند و اصل را حذف!!! در قرآن، ملاک رستگاری در: عمل خوب و ایمان به خداست، ولی در پتروشیمی صفویه اصل را در شفاعت نشان می دهند در حالیکه شفاعت، تبصره‌ای بیش نیست! اصل بر عمل توام با تعقل و تفکر است ولی اینجا اصل را در دعای توام با نذر و نیاز می دانند! اصل بر انتخاب توام با تحقیق و تعقل است ولی اینجا اصل را پیروی همراه با تقلید و تعبد نشان می دهند و کسی چه می داند با این روال شاید خداوندی که اصل را در روز قیامت بر رحمت و بخشایش خود قرار داده به تبصره

رجوع کرده و در روز قیامت، آقایان را روانه جهنم کند، ان شاء الله.

آتش در خانه وحی

۵۰- یکی از جملات تکراری و بسیار خنده آور نویسندگان شیعه این است که با آه و ناله می‌گویند که ای وای، دار و دسته ابوبکر پس از رحلت نبی اکرم به خانه وحی حمله کردند و خانه وحی را به آتش کشیدند و حرمت خانه وحی را ریختند در حالیکه ما می‌دانیم بدن مطهر پیامبر اکرم ﷺ در خانه عایشه رضی الله عنها (یعنی دختر ابوبکر) بوده و در همانجا نیز به خاک سپرده شده است!!! و همه از جمله حضرت فاطمه و علی در اتاق عایشه بوده‌اند و عایشه نیز اختیار اتاقش را داشته که درش را بروی هر کس می‌خواهد ببندد و یا باز کند (گر چه در جای خودش ثابت می‌کنیم اتاقهای آن دوره دربی نداشته و فقط یک پارچه جلوی آن آویزان بوده است!!!)

از طلا شدن پشیمانیم

۵۱- حضرت عمر ادعای صدور اسلام را نداشت ولی ظرف مدت فقط ۱۰ سال، اسلام را به تمام جهان متمدن آن روز صادر کرد به نحوی که ۱۴۰۰ سال تا زمان ما دوام آورده. آقایان نیز با ادعای صدور اسلام به جهان، خونها به زمین ریخته و میلیاردها دلار از ذخایر کشور را بر باد فنا داده و در عوض نه تنها اسلام را صادر نکردند و نه تنها بدترین چهره را از اسلام در جهان ترسیم کردند بلکه کم داریم به جایی میرسیم که اسلام حتی در داخل کشور نیز دستخوش تحریف و نابودی قرار گرفته است!! و زبان حال انسانهای دلسوخته این مرز و بوم نیز اینچنین است:

از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم مرحمت فرموده ما را مس کنید.

پاسخ علی گوش شنوا ندارد

۵۲- یکی از آقایان با خشم، سؤال می‌کرد: چرا حضرت عمر، معاویه را در شام پرو بال داد؟ من به او گفتم: برادر عزیز، اتفاقاً حضرت عثمان نیز همین سؤال شما را از حضرت علی می‌پرسد آیا شما پاسخ حضرت علی رضی الله عنه را قبول دارید یا نه؟ آن شخص جواب نداد (مطمئن باشید حتی اگر حضرت علی زنده هم شود، این آقایان زیر بار حرف حق نمی‌روند) من ادامه دادم: حضرت علی به عثمان پاسخ می‌دهند: "مگر تو نمی‌دانی که معاویه از یرفا غلام حضرت عمر، بیشتر از خود عمر می‌ترسید؟" و آن دوست عزیز همچنان به من نگاه می‌کرد!!

اگر علی از قبر برخیزد!

۵۳- حضرت علی رضی الله عنه - یعنی امامی که شیعه مقام او را بالاتر از همه امامان حتی امام حسین می‌داند - در زمان حیات و خلافتش مردم شهر انبار را که دنبال ایشان فقط راه افتاده بودند سرزنش می‌کند و می‌فرماید: چه زشت است رنجی که پایانش آتش دوزخ است!!! آنگاه افرادی مثل من باید با روحانیون (عوام که جای خود دارد) بر سر تحریم قمه زنی بحث و جدل کنیم!! یعنی کوبیدن با شمشیر به فرق سر در سوگ و حب امام حسین!! خدا و کیلی با روشی که از حضرت علی سراغ داریم اگر ایشان یا امام حسین زنده می‌شدند به ما چه می‌گفتند؟

یک سوزن بخود

۵۴- دوستی می‌گفت: این مطالب که به نفع شیعه است در کتب اهل سنت هم نوشته شده. به او گفتم: آیا تمام مطالبی که در کتب شیعه وجود دارد صحیح و درست است؟ گفتم: نه حتی در کتب قدیمی و معتبری مانند اصول کافی نیز روایات دروغ و جعلی وجود دارد. گفتم: پس چرا کتب اهل

سنت باید از این عیب مبرا باشد. گفت: زیرا این مطالب به نفع ما و به ضرر آنهاست. گفتم: مگر آنها دشمن علی هستند یا ایشان را قبول ندارند؟ و در اینجا دوستم به فکر فرو رفت.

۵۵- آقای تیجانی در کتب گرانقدر و علمی خود!!! به ابوبکر تاخته‌اند که چرا مرتدین را کشته است و می‌گوید: ابوبکر طبق حدیث پیامبر اکرم، حق نداشته گوینده لاله الا الله را بکشد ولی عجیب است که این محقق گرانقدر فراموش کرده که حضرت علی در یکروز ۴۰۰۰ نفر عابد متقی حافظ قرآن را از دم تیغ گذراند فقط برای اینکه نخواست برای حفظ ظاهر هم که شده یک کلمه توبه کند! براستی اگر بنا بر گرفتن ایراد باشد دست چه کسانی پرتراست^۱؟

۵۶- یکی از دوستانم به عقاید من مرتب ایراد می‌گرفت. روزی به او گفتم: آیا تو می‌توانی بدون استفاده از روایات تاریخی حتی نیم آیه از قرآن در تایید عقایدت بیاوری؟ گفت: نه، گفتم: روحانیون می‌گویند در هر علمی باید به خبره آن علم رجوع کرد و در علوم فقهی به رساله‌ها رجوع کرد و... ما می‌دانیم که قبلاً در حوزه‌ها حتی یک واحد تاریخ تدریس نمی‌شده شما یک استاد تاریخ از دانشگاه بیاور تا من با او بحث کنم. جالب است که بدانید سالها از این مباحثه می‌گذرد ولی دوستم هنوز موفق به پیدا کردن آن استاد تاریخ نشده است!!!

۱- در ج ۵۲ بحار الانوار باب سیره و أخلاقه و عدد أصحابه در خبر دوم از حضرت صادق و موسی بن جعفر نقل کرده که اگر قائم قیام کند به ۳ چیز حکم می‌کند که احدی از ائمه و پیغمبران حکم نکرده‌اند، شیخ زانی را می‌کشد و مانع الزکاة را می‌کشد و ارث برادر به برادر دینی که در عالم اشباح برادر بوده‌اند، می‌رسد، پس چطور امام زمان مانع الزکات را می‌کشد؟

۵۷- مذهبیبون در ایران مرتباً دعایی را می‌خوانند از این قرار: اللهم أصلح كل فاسد من أمور المسلمين: خداوندا، اصلاح کن در امر فاسدی از امور مسلمین را. چرا در عمل اگر کسی قصد کوچکتترین اصلاحی را آنهم فقط در حد حرف و سخن را داشته باشد سرو کارش با کرام الکاتبین می‌شود.

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۷].

۵۸- شما طبق حدیثی می‌گویید: علی خیر البشر (علی بهترین بشر است). البته در اینکه حضرت علی فردی بسیار والا با کمالاتی بی‌حد بوده‌اند شکی نیست ولی چرا ما باید مقام نبی اکرم و سایر پیامبران الهی را پایین بیاوریم؟ و اگر اینها غلو نیست پس غلو چیست؟ در قرآن کریم خطاب به نبی اکرم آمده: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾: بگو من نیز بشری مانند شما هستم. پس چرا پیامبر ﷺ به جای بشر خیر بشر نبوده‌اند؟ یعنی چرا خداوند نفرمود: بگو من بهترین بشر هستم!!

۵۹- چرا شیعه در سه قرن اول هجری، اجتهاد را باطل می‌دانست (و آنرا فقط در حوزه صلاحیت معصوم می‌دانست) ولی پس از آن، باب اجتهاد را یکسره در فقه باز کرد؟

۶۰- مردی از حضرت علی قبل از جنگ جمل می‌پرسد: آیا امکان دارد طلحه و زبیر و عایشه بر باطل باشند؟ حضرت علی به او می‌فرمایند: تو اشتباه کردی از آنجا که فکر می‌کنی افراد، ملاک تشخیص حق و باطلند. ولی حق و باطل را ملاکی است که افراد با آن سنجیده می‌شوند. سؤال:

- چرا حضرت علی در پاسخ به این مرد، نمی‌فرمایند: علی مع الحق و الحق مع علی؟!!!!

- چرا در این حدیث (علی مع الحق) بر خلاف عقیده حضرت علی ایشان ملاک حق معرفی شده‌اند؟ (ولی شیعه قصد دارد از این حدیث

برداشت معنای عصمت بدون احتمال ذره‌ای خطا بدهد که البته فقط خداوند اینگونه است).

- چگونه شخص پرشگر از این حدیث (علی مع الحق) بسیار مهم و معروف بی‌خبر بوده است؟ که سؤال می‌کند حق با کیست؟^۱

۶۱- پیامبر اکرم دو دعا را مرتب می‌خوانده‌اند: «ربنا لا تكلنا إلى أنفسنا

طرفة عين أبدا»؛ خدایا، مرا حتی برای یک لحظه به خود وامگذار. و دیگر این دعا: خدایا بر حیرت من بیفزای. اکنون بیان بفرمایید: چرا دعای اول با اعتقاد به عصمت تکوینی (یعنی عدم امکان ذاتی و سرشتی حتی خطا و اشتباه) در خصوص نبی اکرم و مورد دوم با داشتن علم غیب در تضاد است؟ (کسی که از همه چیز و همه جا با خبر است از چه چیز باید در حیرت باشد!!).

۶۲- آیا این جمله که: لا موثر فی الوجود الا الله یعنی کسی جز خدا نمیتواند در این مسائل تأثیری داشته باشد با اعتقادات شما به توسل و وساطت تضادی وجود ندارد؟ و همچنین آیات بیشماری مانند: ﴿أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ [النمل: ۶۲].

۶۳- آیا توحید که هدف اصلی است بین اینهمه قبر و مقبره و دعا و

زیارتنامه و مرشد و شیخ و مجتهد و خرافه و تعصب گم نمی‌شود؟

۶۴- علت رواج و قرائت روز و شب زیارت عاشورا که در آن ۱۸ بار کلمه

لعن بکار رفته چیست؟ این روایت، خبر واحد است و فقط از سه طریق،

روایت شده که در دو طریق آن، اسامی افراد غالی وجود دارد و طریق سوم

نیز یک نفر مشکوک به غلو در سلسله روایات وجود دارد؟ آیا لعن، روش خدا و

۱- احادیثی که شیعیان نقل می‌کنند بیشتر خبر واحد هستند و در غیر اینصورت هم

تنها برداشتی که می‌توان از آنها داشت پیرامون فضائل حضرت علی است نه خلافت

بلافاصل او از جانب خدا.

پیامبر ﷺ و ائمه بوده است؟ (در ابتدای زیارت که راوی از قول امام باقر می‌گوید: ثواب قرائت این زیارت هزار هزار حج و هزار و هزار شهید و... است اندیشه‌های غلو به خوبی موج می‌زند) و چگونه است که پیامبری که فرموده: من برانگیخته نشده‌ام لعن کننده بلکه دعوتی دارم همراه با رحمت (إني لم أبعث لعاناً...) چگونه این حدیث به قول شما قدسی را نقل می‌کند که در آن ۱۸ بار نزدیکترین و وفادارترین یاران خود را لعنت کرده است!!! و چگونه است که علی در نبرد صفین به یاران خود می‌گوید به سپاهیان شام توهین نکنید و چرا در قرآن آمده که به خدایان کافران توهین نکنید و چرا و چرا و چرا؟

۶۵- شما می‌گویید: این زیارت، حدیث قدسی است و از طریق پیامبر ﷺ به حضرت علی و سپس بقیه امامان، منتقل شده است. چرا با وجود تصریح به نام ابن زیاد در این زیارت، حضرت علی به پدر او سمت‌ها و اختیارات فراوانی در حکومت خویش داده‌اند؟

۶۶- لطفاً روند تدریجی شکل گرفتن نیابت خاصه به نیابت عامه و پس از آن ولایت فقیه و در نهایت ولایت مطلقه فقیه را در ادوار مختلف تاریخی بیان بفرمایید؟ و اعمالی که طرفداران این نوع دیکتاتوری با مخالفان و منقدان و مصلحان انجام می‌دهد را تشریح و توجیه کنید!!

۶۷- علت تشابه فکری و حتی ظاهری بسیار فراوان، میان خوارج با افراد مصطلح به حزب اللهی و گروه کاوه و ابوذر و... در ایران، چیست؟

۶۸- علت تشابهات حیرت‌انگیز، میان فریسیان و روحانیون یهود با حزب اللهی‌ها و روحانیون در چیست^۱؟

۱- علتش وجود چند چیز مشترک میان این‌هاست: حماقت، تعصب، لجاجت، تک بعدی و گاهی نیز سگ بعدی، غیر قابل تغییر بودن، مقاومت شدید در برابر سخن حق، نداشتن عقل و هرچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

- ۶۹- اگر خلافت، به قول شما غصب نمی‌شد که کار به غیب شدن امام زمان نمی‌کشید برای این تناقض چه سفسطه‌ای را بیان می‌کنید؟
- ۷۰- چرا اهل سنت، امت واحدند و حتی ۴ گروه آنها پیرو ۴ مجتهدند (یعنی اینکه با هم اختلاف عقیدتی ندارند بلکه فقط اختلاف فقهی دارند مانند پیروان دو مجتهد در شیعه) ولی شیعه پس از قتل عثمان، تا کنون به هزار و یک فرقه تقسیم شده و هزار و یک دروغ و خرافه و هزار و یک تفرقه و دشمنی با سایر مسلمین؟
- ۷۱- در فرهنگ گذشته شیعه، اعتقاد به تحریف قرآن و حذف نام علی از آیات قرآن و ولایت مطلقه امامان بر زمین و زمان و مشارکت آنها در اداره خلقت با خداوند و... به شدت و عمق هر چه تمامتر، وجود داشته که البته اکنون، بسیار کمرنگ شده. اکنون، چه تضمینی وجود دارد که سایر اعتقادات شما درست باشد؟ و به مرور زمان کمرنگ نشود.
- ۷۲- چرا اهل سنت در این ۱۴ قرن هر گونه اندیشه‌ای را در خودش جذب کرد و به نوعی اصلاح کرد و پذیرفت (مانند عقاید اشاعره و معتزله و...) ولی نتوانسته با شیعه کنار بیاید^۱؟ آیا این به خاطر آن نیست که عقاید شیعه در تضاد کامل با دو اصل اساسی اسلام یعنی توحید و سنت است (زیرا دشمنی شیعه با اصحاب است و سنت رسول الله از طریق همین اصحاب و با جانفشانی آنها دست به دست گشته و به ما رسیده است).
- ۷۳- آیا عزاداری (به این شیوه) نوعی اعتراض به خداوند نیست؟ و اینگونه عزاداری چه جایگاهی در سنت نبوی و علوی داشته است؟ و مگر نه اینکه پیامبران اصلاً آمدند تا با مراسمات و آداب و رسوم خرافی مبارزه کنند؟

۱- چون عقاید شیعه مانند سنگریزه هستند و به هیچ عنوان با اهل سنت حل نمی‌شوند.

۷۴- ساختن و آبادانی قبور، چه جایگاهی در سنت نبوی و علوی داشته است؟

۷۵- خداوند در یکصد آیه از قرآن کریم از اصحاب پیامبر ﷺ، تمجید کرده است ولی شیعه معتقد است همه اصحاب، به جز سه یا پنج نفر پس از نبی اکرم مرتد شدند، تکلیف چیست؟

۷۶- چرا ام کلثوم با قاتل مادرش فاطمه (یعنی حضرت عمر) حاضر به ازدواج شد؟ (در کافی حدیث صریحی در تایید این که ام کلثوم، دختر علی همسر عمر، بوده است وجود دارد)

۷۷- چرا در تاریخ یعقوبی (شیعه) می‌خوانیم که پیامبر ﷺ در گوش محسن، اذان گفت و این نام را برای او انتخاب کرد و او در خردسالی بر اثر بیماری درگذشت؟ (شما می‌گویید: حضرت عمر یا قنفذ قاتل او بوده‌اند!!!!).

۷۸- چرا خرافات هندی و عراقی و اسرائیلیات یهودی و خرافات یهودی و مسیحی در فرهنگ ایرانی شدت و نمود بیشتری دارد تا در فرهنگ اهل سنت؟ آیا این به خاطر زمینه مستعد و روحیه زودباور ایرانی‌ها نیست؟

۷۹- بیشترین ظلم و ستم در تاریخ، نسبت به اهل بیت از جانب مدعیان تشیع بوده است، امام حسین را همان مردم کوفه که همیشه دم از حب اهل بیت می‌زدند کشتند. حضرت علی توسط یکی از افراد سپاه خودش و شیعیان خیلی تندرو خودش، شهید شد. و.. پس شیعه به چه کسی معترض است؟

۸۰- یکی از اعتراضات مکرر شما بر اهل سنت این است که قرآن در کنار امام باید فهمیده شود و قرآن به تنهایی قابل فهم نیست. سؤال اینجاست: اکنون که امامی در قید حیات نیست قاعدتاً باید به احادیث این امامان رجوع کنیم. معتبرترین و قدیمی‌ترین کتاب شیعه در این زمینه اصول کافی است. ولی علامه برقی (مجتهد شیعه) کتابی نوشته به نام بت شکن و در این کتاب اکثر احادیث کافی را (حتی با استناد به نظرات

مجلسی خرافی) مخالف قرآن و یا از نظر سلسله روایات ضعیف و ناموثق تشخیص داده است پس تکلیف، چیست؟ همچنین مسائل مستحدثه روزافزون که در احادیث نیست را چه باید کرد؟

۸۱- آیا بین امامت منصوص با خاتمیت، تعارض جدی وجود ندارد؟ با عنایت به اینکه شیعه مقام امامت را بالاتر از نبوت می‌داند آیا این تعارض شدیدتر نمی‌شود؟ اگر هم می‌گویید: به خاطر عدم آمادگی مردم، لازم بوده امامت امتداد رسالت باشد چرا خداوند مثل هزاران سال قبل، نبی نفرستاد؟ و چرا پس از حضرت عیسی تا رسالت حضرت محمد ﷺ یک دوره ۶۰۰ ساله بدون حتی یک پیامبر و یا امام داریم که نه زمین به آسمان می‌آید و نه آسمان به زمین. پس امان زمین و زمان در آن دوران، که بوده؟! و همچنین: هادی مردم؟ در آخر: چرا حتی همین امامت که ۲۴۰ سال طول کشید هم جواب نداد؟

۸۲- بسیاری از آیات قرآن، مخالف وجود علم غیب در انسان است، پاسخ شما چیست؟ (مثل اعراف/۱۸۸).

۸۳- دهها آیه قرآن، می‌گوید: ای پیامبر، به مردم بگو من مزد و اجر رسالت از شما نمی‌خواهم اگر خلافت به صورت موروثی در خاندان دختر ایشان باشد و فدک را نیز به ایشان داده باشند تکلیف این آیات چه می‌شود؟

۸۴- لطفاً نقش خواجه نصیر الدین طوسی شیعه را در حمله هولاکو خان

مغول به بغداد و کشتار یک میلیون نفر از مسلمانان آنجا را بیان نمایید؟

۸۵- تمامی آیاتی که در آن کلمه منافق و منافقین آمده مربوط به ده سال آخر اقامت پیامبر ﷺ در مدینه بوده و در آیات مکی (یعنی دوران ۱۳ ساله اقامت پیامبر در مکه) حتی یک بار هم کلمه منافق وجود ندارد به کدامین دلیل، شیعه برخی از مهاجرین را مشمول منافقین می‌داند؟ آیا شیعه عالمتر از خداوند است؟

۸۶- لطفاً نظر خود را درباره این حدیث متواتر نبی اکرم بیان فرمایید: خداوند لعنت کند یهود و نصاری را که قبر پیامبران را قبله و مسجد قرار دادند!!

۸۷- چرا پیامبر ﷺ در نماز از مهر استفاده نمی کرده‌اند؟ آیا نعوذ بالله ایشان از تکنیک تبدیل خاک به مهر بی اطلاع بوده‌اند؟ یا اینکه وسایل آزمون اجازه تولید چنین محصول استراتژیک را نمی داده است؟

۸۸- چرا پیامبر اکرم ﷺ روی قبور شهدای احد به خصوص حمزه، ساختمانی بنا نمی‌کنند؟ یا روی قبر پسرش ابراهیم یا روی قبر حضرت خدیجه یا شهدای بئر معونه و غیره...

۸۹- آیا شباهتی بین عمل فراعنه در آبادانی و ایجاد عمارت بر روی قبور (اهرام مصر) و اهتمام یهودیان و مسیحیان و هندیها به آبادانی قبرستانها با عقاید شیعیان در این زمینه وجود ندارد؟

۹۰- شما می‌گویید نبی اکرم فرموده‌اند: نام فرزندی از ایشان که قیام می‌کند همانام ایشان و نام پدرش نام پدر ایشان (عبدالله) است، چرا نام پدر امام مهدی، حسن است نه عبدالله؟

۹۱- امام در سیاق قرآن به معنای الگو است شما چگونه از آن برداشت خلافت می‌کنید؟

۹۲- شما در مورد بدعتگزار بودن خلفاء زیاد قیل و قال براه می‌اندازید لطفاً بیان فرمایید در زمان حیات رسول خدا کدام یک از موارد زیر وجود داشته:

۹۳- وجود اصنافی به نام مرجع تقلید، ولی فقیه، روحانی و اینکه مردم حتماً باید مقلد افرادی خاص باشند؟ (چرا ملاصدرا با تقلید مخالف بوده است و چرا علماء او را از شهر بیرون می‌کنند؟).

ساختن و تعمیر و آباد کردن قبرها و احداث بنا روی آنها.

وجود چیزی به نام مهر.

عزاداری (به جز گریه) و وجود دهه‌های اول و دوم و سوم و خودآزاری و زنجیر زنی و سینه زنی و براه انداختن کاروانهای خیابانی و قمه زنی و... وجود جمله اُشهد أن علی ولی الله در اذان. (در حالیکه شیخ صدوق در من لایحضر الفقیه غالیان را لعنت کرده که این جمله را - تیمنا و تبرکاً - وارد اذان کرده‌اند! آیا شیخ صدوق عالم نمی‌دانسته غالیان این جمله را از جهت تیمن و تبرک وارد اذان کرده‌اند!! یا اینکه او هنوز به این توجهیات کلامی شیعه آشنایی نداشته است؟).

۹۴- در اصول کافی حدیثی هست که زراره در آن روش وضو گرفتن را از امام محمد باقر توضیح می‌دهد. سؤال: ۱- زراره تا آن روز چگونه وضو می‌گرفته مگر پدر و مادرش سنی بوده‌اند^۱؟ ۲- مگر امام محمد باقر روزی حداقل ۵ بار وضو نمی‌گرفته‌اند و او نمی‌دیده؟

۹۵- خمس (یعنی دریافت یک پنجم منافع سالیانه از مردم و نه یک پنجم غنایم جنگی) براستی چرا حتی یک روایت معتبر تاریخی (در کتب قدیمی مانند سیره ابن اسحاق یا تاریخ طبری و حتی تاریخ یعقوبی شیعه) وجود ندارد که پیامبر اکرم در ده سال حکومت در مدینه و حضرت علی در ۵ سال خلافت‌شان از مردم (کسبه و بازرگانان و کشاورزان و دامداران) به عنوان خمس، سود منافع سالیانه را دریافت کرده باشند ولی به کرات روایاتی را می‌بینیم که خمس غنایم جنگی را دریافت کرده‌اند؟ (خلفاء هم که از گرفتن خمس منافع بدشان نمی‌آمده ولی چرا این کار را انجام نمی‌داده‌اند در اینجا که دیگر ظلمی به اهل بیت وارد نمی‌شده؟!!!).

۱- فراموش نکنید به عقیده شیعه، زراره جزء یاران خاص و نزدیک امام بوده نه از اشخاص دور به امام.

- ۹۶- قرائت زیارتنامه‌های موجود در مفاتیح توسط اصحاب (به خصوص زیارات عاشورا و دعای ندبه و دعای عهد و...) آیا وجود داشته است؟
- ۹۷- توسل اصحاب پیامبر ﷺ به قبر حضرت حمزه یا قبر پدر و مادر نبی اکرم، آیا وجود داشته است؟
- ۹۸- لعن و نفرین بتها و خدایان کافران. آیا وجود داشته؟
- ۹۹- پیامبر ﷺ به حضرت حمزه لقب سیدالشهداء را دادند ولی شما این لقب را به امام حسین علیه السلام داده‌اید (البته من، خاک پای امام حسین هم نمی‌شوم ولی بحث بر سر بدعت و نوآوری است اگر خوب است چرا برای دیگران بد است و اگر بد است چرا شما انجام می‌دهید؟).
- ۱۰۰- ارتباط با دولت‌های مشرک و کافری که خدا را قبول ندارند و حتی مبادلات گسترده تجاری با آنها. مگر این کار طبق نص صریح قرآن و احادیث متواتر، گناه کبیره و حرام نیست؟
- ۱۰۱- آیا پرداخت ۲۴٪ سود سالانه در برخی موسسات و بانکهای ایرانی سود است یا ربا؟ اگر مضاربه یا هر چیز دیگر است چرا همیشه سود است و هیچگاه خبری از ضرر نیست؟ و چرا حتی در بانکهای ملل کفار چنین بهره‌هایی داده نمی‌شود؟
- البته برای اثبات عقاید خود به تفسیر از آیات قرآن، اشاره نکنید یا به یک خبر واحد جعلی بلکه باید در کتب معتبر تاریخی نوشته شده باشد که چنین مواردی (به تواتر) در زمان حیات رسول خدا وجود داشته و مورد تایید ایشان بوده است. اشاره به کتب متاخر و جعلی بحار و منتهی الآمال و.... نیز بیهوده است.
- ۱۰۲- حضرت علی وقتی ابن عباس را برای گفتگو به سوی خوارج می‌فرستد می‌گوید: با آنها با آیات قرآن مجادله نکن زیرا آیات قرآن تاب تفسیرها و برداشتهای گوناگون را دارد بلکه با آنها از سنت نبوی دلیل و

حجت بیاور برای همین من در مورد کل سئوالات این بخش از روحانیون می‌خواهم که از سنت متواتر و قطعی نبوی دلیل بیاورند.

۱۰۳- بیان فرمایید: آیا وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چیزی جز تصویب قوانین خلاف شرع و خلاف اسلام است؟ (یعنی همان بدعت) (زیرا این مجمع قوانینی که شورای نگهبان تشخیص داده خلاف شرع است و به مجلس برگردانده را تصویب می‌کند!).

۱۰۴- در زمان حکومت‌های قبلی در ایران هر گاه حاکم یا شاهی می‌خواست از قوانین اسلام سرپیچی نماید روحانیون و علماء با انتقاد و سخنرانی و... او را سر جای خود می‌نشانده‌اند. آیا علت ضعف و انحطاط اخلاقی و سیاسی فعلی در جامعه ایران آن نیست که روحانی نمی‌تواند علیه روحانی حاکم انتقاد کند و هر کسی هم که انتقاد کند مارک وهابی و سنی و کافر و آمریکایی می‌خورد؟ اگر سیاست شما عین دیانت شماست پس چطور در فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر ناگهان سیاست از دین جدا می‌شود؟ و هرکس اینکار را بکند ضد دین، مرتد، محارب با خدا، مفسد فی الارض و ضد ولایت فقیه می‌شود؟

۱۰۵- شما برخی از سخنان ائمه را که در تائید و ستایش حضرت عمر و ابوبکر وارد شده، حمل بر تقیه می‌کنید. شما معتقدید ائمه علم غیب داشته و دقیقاً می‌دانسته‌اند در کجا و کی و توسط چه شخصی به شهادت می‌رسند. پس با داشتن این علم غیب، تقیه، چه معنایی داشته است؟ در کتاب کافی حدیثی هست مبنی بر اینکه امامان از زمان شهادت خود باخبرند و حتی به اختیار خویش می‌میرند، پس با این وجود تقیه به چه معناست؟ چون تقیه برای حفظ جان است و چنانچه کسی بداند فرد مقابلش قاتل نیست پس دیگر تقیه ندارد.

۱۰۶- در قرآن صریحاً ذکر شده که مومنین می‌گویند که بین هیچیک از پیامبران فرقی قائل نمی‌شویم (لا نفرق) چرا شما ائمه را از همه انبیاء حتی پیامبران اولی العزم بالاتر می‌دانید.

۱۰۷- چرا نبی اکرم ﷺ با وجود حضور حضرت فاطمه و حضرت علی احادیثی دارند که به اصحاب گفته‌اند قرآن را از برخی از اصحاب فرابگیرند؟ و چرا ایشان افرادی به جز خاندان خود را برای تبلیغ اسلام به سایر قبایل می‌فرستادند؟ مگر نه اینکه فقط اهل بیت صلاحیت این کارها را دارند؟ یعنی فقط: حضرت فاطمه ۱۵ ساله و حضرت علی ۲۵ ساله و حسن و حسین ۷ و ۸ ساله؟!!!

۱۰۸- تمامی استنادات و تنها برگ برنده شما این است که می‌گویید: دلایل ما در کتب اهل سنت نیز وجود دارد! لطفاً بیان بفرمایید اشاره به وجود ۱۳ امام و اشاره به تحریف قرآن در کتب شیعه آیا می‌تواند علیه شیعه بکار رود؟ و اینکه بگوییم: شیعه به این مسائل معتقد است؟ به هر حال تفاوت شما با اسلام شناسان مغرض غربی (که با استناد به روایات و افسانه‌های دروغین موجود در کتب تاریخی مسلمانها) اسلام را می‌کوبند در چیست؟

۱۰۹- آیا این شیعه نبود که با توهین به همسر مورد علاقه پیامبر ﷺ و خلفای اول و دوم و سوم مورد علاقه یک میلیارد مسلمان، بی‌احترامی و هتک مقدسات را باب کرد تا اینکه غربی‌ها کاریکاتور نبی اکرم را بکشند. پس: خدا لعنت کند کسانی را که اساس این کار را بنیان نهادند! (پس: اللهم لعن أئسس أساس الظلم والكذب والخرافة في إيران والإسلام).

قبر پرستی

۱۱۰- نظر شما (یا بهتر بگوییم: سفسطه و توجیه شما) در خصوص این احادیث که در کتب معتبر و اصلی و قدیمی شیعه آمده چیست؟ در کتاب

تهذیب و وسائل الشیعه بنقل از جراح مدائنی آمده که جعفر صادق فرمود: «لا تبنوا علی القبور ولا تصوروا سقوف البيوت، فإن رسول الله ﷺ كره ذلك» بر قبرها بنا نسازید و سقف خانه‌ها را پر از تصویر نکنید که رسول خدا ﷺ اینکار را ناپسند شمرده است. همچنین در مآخذ فوق و نیز در کتاب «من لا یحضره الفقیه» (از کتب اربعه شیعه) باب مناهی پیامبر ﷺ بنقل از یونس بن ظبیان آمده که جعفر صادق فرمود: «نهی رسول الله ﷺ أن یصلي علی قبر أو یقعد علیه أو یني عليه» «رسول الله ﷺ نهی فرمود از این که بر قبری نماز گزارند یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنا سازند». «عن أبي الهياج الأسدي قال: قال لي علي بن ابي طالب: ألا أبعثك علي ما بعثني عليه رسول الله ﷺ أن لا تدع تمثالا إلا طمسته ولا قبراً مشرفاً إلا سويته». «از ابوالهياج اسدی روایت شده که گفت: علی بن ابی طالب به من گفت: آیا تو را بآن چیزی که رسول الله ﷺ مرا فرستاده بود نفرستم؟ و آن این است که هیچ عکس و تصویر و مجسمه‌ای را فرونگذاری جز آنکه آن را پاک نمایی و از بین ببری و هیچ قبری را فرونگذاری جز آنکه آن را تخت نمایی». در کتاب وسائل الشیعه چاپ سنگی جلد اول ص / ۲۰۹ از کلینی بدین صورت نقل شده است: «عن أبي عبدالله قال: قال الإمام علي عليه السلام: بعثني رسول الله ﷺ إلي المدينة في هدم القبور و كسر الصور» «جعفر صادق گفت: امام علی فرمود، رسول خدا ﷺ من را جهت تخریب (بنا و گنبد) روی قبور و شکستن تصاویر و مجسمه‌ها به سوی مدینه مامور و رهسپار کرد». همچنین امام نووی در شرح مسلم (ج ۴، ص / ۳۰۱ الی ۳۰۴ ارشاد الساری) آورده است: «قال الشافعي في الأم: ورأيت الأئمة بمكة يأمرون بهدم ما بيني ويؤيد الهدم قوله ﷺ «ولا قبراً مشرفاً

إلا سويته...». امام نووی می‌فرماید: امام شافعی در کتاب الام فرموده است: در مکه مشاهده نمودم که ائمه دستور دادند بنای روی قبور را ویران نمایند و این عمل را فرموده‌ی رسول الله ﷺ که فرموده: «ولا قبرا مشرفا إلا سويته» تأیید می‌کند.

چرا وصیت به اهل بیت

۱۱۱- این سوال مهم را دوباره می‌آوریم: عده‌ای از سقیفه بر می‌گشتند حضرت علی از آنها می‌پرسد: مهاجرین چگونه بر انصار غلبه یافتند؟ می‌گویند: با حدیث: «الأئمة من قریش». حضرت علی می‌فرماید: چرا از این حدیث استفاده نکردند که پیامبر اکرم مرتب سفارش انصار را به مهاجرین می‌کردند؟ می‌گویند: از کجای این حدیث، ریاست و خلافت مهاجرین، معلوم می‌شود. حضرت علی می‌گوید: از آنجا که اگر خلافت در انصار بود پیامبر اکرم، سفارش مهاجرین را به انصار می‌کردند و نه سفارش انصار را به مهاجرین. اکنون سؤال من اینجاست: آیا آنهمه که پیامبر اکرم، سفارش اهل بیت و خاندان خود را به دیگر مردم می‌کردند دلیل بر این نبوده که خلافت در خاندان ایشان نبوده است. به دیگر سخن: اگر مردم می‌دانسته‌اند که خلافت به صورت موروثی در خاندان علی است آیا نباید یک نفر تعجب کند و بلند شود و بگوید: یا رسول الله، شما باید سفارش ما را به دستگاه خلافت بکنید که هوای ما را داشته باشند و نه سفارش آنها را به ما؟!!! (ضمن اینکه چرا حضرت علی نمی‌گویند منظور از الأئمة: من و فرزندان من هستند؟).

خطبه فدکیه

۱۱۲- محققین تاریخ می‌دانند چیزی به نام خطبه فدکیه وجود نداشته است (زیرا در کتاب بلاغات النساء شخصی که دارد روایت را برای مولف

می‌گوید ۱۲۰ سال قبل مرده بوده است!!!) حمله‌ای نیز به خانه فاطمه صورت نگرفته است و حسن و حسین را نیز ام البنین و... بزرگ کردند. علت فضیلت تراشی و غلو شما برای برخی شخصیت‌های تاریخی چیست؟ براستی آیا حضرت خدیجه و سمیه بانوهای اول اسلام نبوده‌اند؟ یا دختری که علیرغم محبت فراوان پیامبر نسبت به او و فرزندانش در سن ۱۸ سالگی (یا ۲۸ سالگی) وفات می‌کند؟ و تاثیری آن چنانی در وقایع صدر اسلام نداشته است. براستی بهترین کتاب در این مورد کتاب فاطمه فاطمه است اثر دکتر شریعتی می‌باشد من هر چه این کتاب را خواندم علیرغم نثر قوی و مطالب آموزنده آن، چیزی در خصوص فضیلت و برتری حضرت فاطمه، دستگیرم نشد. شما اگر متوجه شدید برای من هم بیان نمایید. (البته به خداوندی خدا قسم اگر در زمان پیامبر زنده بودم حاضر بودم جان خودم و خانواده ام را در راه خدا و به پای پیامبر و حتی دختر بزرگوار ایشان حضرت فاطمه فدا کنم ولی منظور من شرک و غلو و دروغ‌گویی است که خود آن بزرگواران نیز راضی به آن نیستند).

روایت خوارج

۱۱۳- چرا شیعه برخی از احادیث عکرمه و سوید ابن غفله را قبول دارد و برخی را نه؟ (به عنوان نمونه، خطبه شقشقیه از عکرمه را قبول دارد ولی روایتی که می‌گوید: اهل بیت مشمول همسران پیامبر نیز می‌شده‌اند را چون راوی عکرمه است قبول ندارد. یا حدیثی که حضرت علی فرموده: هر کس مرا بر ابوبکر و عمر برتری داد بر او حد مفتری می‌زنم چون راوی، سوید ابن غفله است را قبول ندارد در صورتی که بسیاری از احادیثی که مورد علاقه شیعه است متعلق به همین سوید ابن غفله است).

تحقیقی بدتر از تقلید

۱۱۴- شما می‌گویید: اصول دین، تحقیقی است و نه تقلیدی. پس چرا همه مردم باید در تحقیقات خودشان، پیرامون اصول دین (یعنی توحید و نبوت و معاد و اصول مذهب شما: عدل و امامت) دقیقاً به همان نتایجی برسند که شما بر اساس تقلید و تلقین و تعصب و کینه و پیروی از گذشته گان گمراه خود، رسیده اید؟ و آیا نام چنین روشی، تقلید است یا تحقیق^۱!!!

کشف العیوب

۱۱۵- شما و همه مسلمانان، خداوند را ستارالعیوب می‌دانند. چرا عقیده دارید نامه اعمال شما هر هفته به ملاحظه امامان می‌رسد؟ اینگونه آیا دارالسلام برای آنها دارالحرز نمی‌شود؟ یا نامه اعمال هر هفته به حضور امام زمان می‌رسد؟ و اینگونه ستارالعیوبی خداوند چه می‌شود؟

شرک در صفات

۱۱۶- آشکارترین نوع شرک آن است که صفات خالق را برای مخلوق قائل شویم چرا وقتی در متون و سخنرانی‌های شما دقیق شویم به چنین عقایدی برمی‌خوریم: (عدم امکان خطا و اشتباه برای ائمه - داشتن علم غیب و علم لدنی کامل - حی و حاضر بودن در همه جا و همه ساعت‌ها - شنوایی و بینایی در ممات و حیات).

یا ایها الذین آمنوا علی است!

۱۱۷- شما طی حدیثی معتقدید که هر کجا از قرآن آیه‌ای با یا ایها الذین آمنوا شروع شده مصداق اتم و اکمل آن حضرت علی هستند آیا نعوذ بالله حضرت علی مصداق این آیات هستند: ای کسانی که ایمان آورده اید ربا

۱- و چرا سایت‌های اینترنتی اهل سنت را بسته اید؟ تا مبادا مردم بتوانند تحقیق کنند.

نخورید - ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را جلوی پیامبر بلند نکنید - ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالت مستی نماز نخوانید - ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا می‌گویید آنچه را عمل نمی‌کنید و... البته بر منکر اینکه حضرت علی یکی از بهترین مومنان و اصحاب نبی اکرم بوده‌اند لعنت. ولی چرا دروغ و چرا جعل حدیث؟

امام قرآن است

۱۱۸- حضرت علی فرموده‌اند: آیات قرآن بعض آن مفسر و مبین بعض دیگر است. و قرآن را امام خود معرفی کرده‌اند. در قرآن کریم نیز کلمات متعددی دال بر این حقیقت وجود دارد. خطاب اکثر آیات: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ است، و دعوت به تعقل و تفکر و تدبر و آن هم دقیقاً با همین واژه‌ها. بسیاری جاها گفته این کتاب نور است فرقان و وسیله جدایی حق از باطل است ذکر است تفصیل آن در خود آن است (با واژه‌های تفصیل، یفصل، بیان و...) روی چه حساب شیعه تنها مرجع توضیح قرآن را ائمه می‌داند^۱؟ در حالیکه حتی همین ائمه به تواتر گفته‌اند اگر

۱- شیعه شعارگونه ادعا می‌کنند که باید قرآن را تنها از امامان فرا گرفت. این در حالی است که کچکول روایتی‌شان از اقوال درست امامان بکلی تهی است! بطور مثال در سال ۲۰۰۲م دانشجویی شیعه پایان نامه دکتری خود را بعنوان - امام جعفر صادق و کوشش‌هایش در تفسیر - به دانشکده الهیات تقدیم داشت. او توانسته بود تنها ۳۶۰ روایت را از امام در تفسیر بیابد که تنها ۱۱ روایت آن بنا به اصول روایت نزد شیعه درست بود. حال اگر از امام جعفر صادق که امام مذهب و دارای بیشترین روایات در مذهب است تنها ۱۱ روایت که برای تنها تفسیر چند آیه کافی نیست در دسترس است، چگونه می‌توان ادعای شیعه را مبنی بر فراگرفتن قرآن تنها از امامان، پذیرفت؟! (نگاه: کتاب: اسطوره المذهب الجعفری، از دکتر طه دلیمی) - اشاره به این

حدیثی از ما به شما رسید و مخالف قرآن بود آنرا به سینه دیوار بزیند!! با همه اینها علامه بزرگوار سید مصطفی حسینی طباطبایی تفسیری دارد از حضرت علی در توضیح آیات قرآن کریم چرا شما به این کتاب اجازه چاپ نداده‌اید؟ و حتی سایت آنرا فیلتر کرده‌اید؟

گرمای سوزان روز غدیر

۱۱۹- جدلیون شیعه می‌گویند: مگر می‌شود پیامبر در آن گرمای شدید مردم را نگهدارد که بگوید علی را دوست داشته باشید؟ البته ما پاسخ علمی و عقلی می‌دهیم لطفاً با یک روایت و حدیث پاسخ ندهید و شما نیز تنها پاسخی علمی و منطقی و عقلی بدهید.

پاسخ:

- در غدیر، هیچگاه سرمای شدید حاکم نبوده و همه روزها گرما بوده هم قبل از آن و هم بعد از آن و مثل این است که بخواهیم مرتب بگوئیم: در آن سرمای شدید قطب جنوب!!! خوب مسلم است که هوا در قطب همیشه سرد است.
- قبایل عرب، همیشه زیر آفتاب سوزان عربستان در حال مسافرت و تجارت بوده یا در جستجوی آب مرتب در حال کوچ بوده‌اند. بعید است برای کسانی که بتها و خدایان خود را شکسته و مسلمان شده‌اند، ایستادن زیر آفتاب، خیلی ناراحت کننده بوده باشد.
- چطور شما معتقدید موضوع آنقدر مهم بوده که پیامبر اکرم ﷺ مردم را در آن گرمای شدید نگه داشته ولی وقتی نوبت به بیان

نقطه هم مفید است که بدانید این کتاب به فارسی با عنوان - افسانه مذهب جعفری - ترجمه شده است. نگاه: ص ۵۱ و ۵۲ ترجمه فارسی کتاب. لینک آن در انترنت:

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=800

اصل مطلب می‌رسد این موضوع مهم را در پرده‌ای از ابهام و با واژه آی (مولی) اعلام می‌کنند که دارای ۲۷ معنی متفاوت است. و هیچکدام از آن ۲۷ معنی معنای خلافت را نمی‌دهد!!!

- رسم همیشگی عربها در مسافرتها این بوده است که پس از طی مسافتی برای استراحت، می‌ایستاده‌اند تا ضمن آن، کاروان پشت سر هم برسد. ولی شما با هیاهو می‌گویید: پیامبر گفت کاروان قبلی بیاید (نیازی به گفتن نبوده است خودش می‌آمده!!!) و کاروان رفته برگردد و گرمای شدید حاکم بود و... ولی بالاخره باید در جایی نماز ظهر خوانده می‌شد یا نه؟ ضمن اینکه پیامبر خطبه‌ای طولانی خوانده (که یک کلمه از آن سخن از خلافت و تعیین جانشین نیست) و در انتهای خطبه مردم را به دوستی با علی سفارش کرده پس هدف از توقف در غدیر: خواندن نماز، خواندن خطبه و آخرین سفارش به مردم و در انتها معرفی علی بوده و هدف از توقف فقط سفارش علی نبوده که بگویید چرا پیامبر در آن گرما مردم را نگهداشت.

- پیامبر اکرم ﷺ از آنجا که همیشه طبق شرایط واقعی (رتال) عمل می‌کرده و بر خلاف ما از خواب و خیالهای ایده آلیستی به کلی دور بوده برای همین در هر شرایطی موارد پیش آمده را به بعد موکول نمی‌کرده و طبق مدیریت زمان از هر لحظه برای بیان حقیقت یا عملی کردن طرح‌های خودش استفاده می‌کرده است. اگر بنا بوده به کاروانی حمله کنند دستور حمله می‌داده اگر بنا بوده آیه‌ای در مذمت منافقان خوانده شود خوانده می‌شده و هیچگاه مسائلی مانند گرمای شدید یا غیره برای ایشان در بیان حقیقت هر قدر کوچک یا بزرگ تاثیری نداشته است. سؤال مهمتر اینکه: حقیقت، حقیقت است و کوچک و بزرگ و کم اهمیت و پراهمیت، ندارد و بیان آن نیز

واجب است (به خصوص از سوی پیامبر) ضمن اینکه آن سال، آخرین سال حیات پیامبر ﷺ بوده و موقعیت دیگری برای بیان حقانیت علی وجود نداشته است. برای نمونه به قرآن کریم نگاه کنید که مثلاً برای دعوای زن و شوهر آیه نازل می‌شود! برای اینکه اعراب صدایشان را جلوی پیامبر بلند نکنند آیه نازل می‌شده! برای یک اخم پیامبر به یک شخص کور، آیه نازل شده و پیامبر به شدت در آن تویخ شده‌اند^۱. پس کم اهمیت یا پر اهمیت بودن وقایع از دید ما صحیح نیست و باید وقایع را طبق شرایط همان زمان و آن هم از دید الهی بررسی کرد.

- پیامبر ﷺ در آخرین سال‌های حیات خود به تبوک، سرزمینی با فاصله زیاد لشکر کشی کرده و ضمن صرف هزینه‌ای سنگین بدون هیچگونه درگیری و نبردی باز می‌گردند. بله این عمل ایشان در نگاه ما (در قرن ۲۰) تعجب آور است. ولی آیا باید بگوییم: ایشان اهداف و نیات دیگری، مطابق با علایق و سلیق امروزی ما داشتند؟ و چرا در آن گرمای شدید هیچ جنگی صورت نگرفت؟ و اینهمه هزینه بیهوده شد! و هدف پیامبر چیز دیگری بود! آری، چنین رفتارهای خارق العاده‌ای پیش از این نیز از پیامبر دیده شده ایشان دو بار دستور هجرت به حبشه می‌دهد با ۳۰۰ نفر در بدر مقابل سپاه ۱۰۰۰ نفری کفار می‌ایستد، مسجد ضرار را تخریب می‌کند. با کفار در حدیبیه صلح می‌کند و... پس می‌تواند برای احقاق حق علی و جلوگیری از شایعه پراکنی علیه او و سفارش به

۱- البته شیعه این اعتقاد را ندارد، برای درک بهتر قضیه به تفسیر نوین جزء ۳۰ نوشته محمد تقی شریعتی مراجعه کنید.

- دوستی با او در گرمای شدید هم مردم را نگهدارد و حتی از آنها بیعت دوستی با علی را بگیرد.
- وقتی بناست مردم در آن گرمای شدید حرکت کنند و آنرا تحمل نمایند آیا چند دقیقه کمتر و بیشتر تفاوتی می‌کند.
- اگر از نرم افزارهای رایانه‌ای برای محاسبه زمان واقعه غدیر استفاده کنید^۱ متوجه می‌شوید ۱۸ ذی الحجه یعنی واقعه غدیرخم در روز ۲۹ اسفند بوده و نمی‌توانسته چندان گرمای شدیدی در محیط وجود داشته باشد. من مدت ۲ سال، سایت هواشناسی عربستان را در این خصوص، بررسی کردم و متوجه شدم از فاصله زمانی ۲۵ اسفندماه تا ۱۰ فروردین ماه این دو سال (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ شمسی) درجه هوای منطقه رابع (که غدیر در آن واقع است) در گرمترین ساعات روز از ۳۰ درجه بیشتر نمی‌شود و با توجه به اینکه هوای زمین طی هزار سال گذشته دو درجه گرمتر شده^۲ با اطمینان قریب به یقین، می‌توان گفت: درجه هوای غدیر خم در ۲۹ اسفند سال ۱۰ هجری: ۲۸ درجه یا چیزی نزدیک به آن، بوده است

۱- نمونه‌ای از نرم افزار تبدیل تاریخ در سایت www.andishe.net موجود است. سایت هواشناسی عربستان: www.pme.gov.sa البته اگر مشاهده کردید این دو سایت، فیلتر شده است بدانید که ریگی به کفش آخوندهاست زیرا این دو سایت نه مطالب اخلاقی دارد و نه مطالب دینی. البته کلک جدید آن است که اینگونه سایت‌ها را به سمت سایتی دیگر، منحرف می‌کنند که بعضا سایت‌های خلاف اخلاق و عفت عمومی است. عجیب است که حاضرند مردم اخلاق‌شان فاسد بشود ولی اعتقادات‌شان اصلاح نشود!

۲- به علل گوناگونی دمای فعلی کره زمین گرم‌تر شده است، دلایلی چون شکافته شدن جو و لایه بیرونی زمین.

و چنین درجه حرارتی نه تنها گرمای شدید و حتی گرمای معمولی نیست بلکه بسیار فرح انگیز و روح بخش است. (جالب است که طی این محاسبه رایانه‌ای معلوم می‌شود غدیر خم روز سه‌شنبه یا چهارشنبه بوده و براحتی احادیثی که می‌گویند غدیر در روز پنجشنبه و یا جمعه بوده دروغ محض است هر چند به اشتباه در کتب اهل سنت هم آمده باشد).

- و به عنوان تلنگر آخر به مغز شما: چرا راوی آن حدیث جعلی که می‌گویند هوا گرم بود این همه روی گرمی هوا تاکید داشته مگر گرمای هوا برای عربها چیز تازه و جدیدی بوده پس متوجه می‌شویم که ریگی به کفش راوی بوده....

۱۲۰- چه پاسخی برای احادیث زیر دارید که تمامی آنها از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتب نویسندگان شیعه هستند:

احادیث تلخ در مذهب حیران

۱- مردگان، رفته‌گان همسایگانی هستند که هر گاه آنان را بخوانند پاسخی نمی‌دهند و ظلم و ستمی را دفع نمی‌کنند و متوجه نوحه سرایی و مداحی نمی‌شوند اگر در حق ایشان نیکی شود شاد نگردند و اگر قحطی شود نا امید نمی‌شوند با هم هستند در حالی که تنها هستند و همسایه‌اند در حالی که از هم دورند به زیارت یکدیگر نمی‌روند. (نهج البلاغه خطبه ۱۱۱).

۲- هروی از امام رضا می‌پرسد: یا ابن رسول الله، در کوفه گروهی هستند که می‌پندارند که بر رسول خدا سهو و اشتباهی در نمازش واقع نمی‌شد. امام رضا فرمودند: خدا ایشان را لعنت کند دروغ گفته‌اند. آنکه سهو نمی‌کند فقط خدای تعالی است که جز او خدایی

نیست. (جلد ۷ بحارالانوار و عیون اخبار الرضا) (همچنین: آیه قرآن: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾: «ای پیامبر، بگو من نیز بشری مانند شما هستم» نیز موید این مطلب است).

۳- حضرت علی در نامه‌ای به منذر ابن جارود می‌فرماید: همانا نیکوکاری پدرت مرا فریفت و پنداشتم که هدایت او را پیروی می‌کنی و به راه او می‌روی. (نهج‌البلاغه نامه ۷۱).

۴- در مقدمه تفسیر البرهان در باب دهم منقول است: کسانی بعضی آیات را به ائمه تفسیر می‌کردند. مفضل ابن عمر این معنی را خدمت حضرت صادق عرض نمود آن بزرگوار فرمود: کسی که چنین عقیده‌ای که تو از آن پرسش نمودی دارد در نزد من مشرک به خداست! (چشم مفسران و محققان و مداحان روشن!).

۵- حضرت علی: «از غلو و مبالغه درباره ما برحذر باشید^۱ ما بندگانی پرورده خداییم درباره فضایل ما آنچه می‌خواهید بگویید. کسی که ما را دوست بدارد باید عمل ما را انجام دهد و از پرهیزگاری مدد بگیرد». (تحف العقول).

۶- حضرت علی: لا تفضحوا أنفسکم عند عدوکم يوم القيامة: با این عقاید سخیفه موجب روشنی چشم دشمن و رسوایی خودتان در روز قیامت نشوید. (زیارت قبور - حیدرعلی قلمداران ص ۱۶۲).

۱- ای کاش می‌فهمیدم غلو در نظر شیعیان به چه معناست؟ شیعیان تنها چیزی را که غلو می‌دانند این است که شما بگوئید حضرت علی خود خداست، ولی دادن صفات خالق به مخلوق را غلو نمی‌دانند، صفاتی چون حاضر و ناظر بودن در هر جا و صدا کردن ائمه در دعاها و جاهای دیگر و دادن صفاتی چون علم غیب و عصمت به ائمه و غیره...

- ۷- من دیروز همنشین شما بودم و امروز برای شما عبرتم و فردا از شما جدا می‌شوم. (نهج البلاغه خطبه ۱۴۹).
- ۸- رفته گان، گورشان خانه هایشان شد و اموالشان به میراث رفت کسی را که بر سر گورشان می‌آید نمی‌شناسند و به کسی که برایشان گریه می‌کند توجهی ندارند و هر کس که ایشان را بخواند جواب نمی‌دهند. (نهج البلاغه خطبه ۲۳۵).
- ۹- حضرت علی پس از خواندن سوره تکاثر می‌فرماید: عجب مقصد دوری است و چه زیارت غافلانه‌ای اگر (قبور بزرگان) باعث عبرت باشد سزاوارتر از آن است که مایه فخر گردد و اگر با دیده فروتنی به قبر نگاه کنند خردمندانه تر از آن است که آنها را وسیله فخر قرار دهند بی‌درنگ که با دیده‌ای تار به آنها نگاه می‌کنند و بدین سبب به دریای جهل و نادانی فرو رفته‌اند. به اهل قبور جامی نوشانده‌اند که قوه گویایشان را به گنگی و شنوایشان را به کری و حرکاتشان را به سکون تبدیل کرده است. (نهج البلاغه خطبه ۲۲۱).
- ۱۰- مرا با ثنای پسندیده ثنا خوانی نکنید تا خود را نسبت به خداوند آماده کنم و از عهده حقوقی که هنوز ادا نکرده‌ام برآیم و من خود را از خطا مصون نمی‌دانم و در کارم از خطا ایمن نیستم مگر اینکه خداوند مرا در برابر نفسم نگه فرماید که از من بر این کار توانا تر است، همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. پروردگاری که ما را از آنچه در آن بودیم بیرون آورد و به آنچه صلاح ما بود وارد ساخت و گمراهی ما را به هدایت و نابینایی ما را به بینایی مبدل ساخت. (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶).
- ۱۱- به روی مداحان خاک بپاشید. رسول اکرم (وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۱۳۲ حدیث اول).

- ۱۲- قبرم را قبله گاه و محل توجه و مسجد قرار ندهید همانا خدای متعال یهود را لعنت نمود زیرا قبور پیامبران خود را مساجد قرار داده‌اند. پیامبر اکرم (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۶۵ ص ۸۸۷)¹.
- ۱۳- پیامبر ﷺ از گنج‌کاری قبر و نوشتن روی آن نهی فرموده. (مستدرک الوسائل محدث نوری از علامه حلی در کتاب النهایه. مستدرک چاپ سنگی ۱۲۷/۱).
- ۱۴- علی فرمود: شنیدم که رسول خدا می‌فرماید: قبرم را محل رفت و آمد قرار ندهید و قبرهایتان را مساجد خویش قرار ندهید و خانه هایتان را محل دفن مرده هایتان قرار ندهید. (مستدرک الوسائل ج ۱ باب ۵۵ از ابواب دفن ص ۱۳۲).
- ۱۵- موسی ابن جعفر: قبر مرا بیش از چهار انگشت باز از هم بیشتر بالا نبرید. (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۳۱ از ابواب دفن ص ۸۵۸).
- ۱۶- امام صادق: هرگز ایستاده آب منوش و هیچ قبری را طواف مکن و در آب پاک ادرار مکن. (وسائل الشیعه ج ۱۰ باب ۹۲ سفینه البحار ج ۲ ص ۹۹).
- ۱۷- حضرت علی رضی الله عنه: رسول خدا ما را از ذخیره کردن گوشتهای قربانی بیش از سه روز نهی فرمود و... و ما را از زیارت قبور نهی نمود. (مسند امام زید کتاب الحج).
- ۱۸- پیامبر اکرم: خداوند فرموده: من نزد دل‌های شکسته و قبرهای ویرانم.

۱- توجه شیعیان به قبرستان باعث کمرنگ شدن مساجد شده و عظمت مساجد از بین رفته است و جمعیت مسلمین بجای مساجد در قبرستان است.

- ۱۹- امام صادق: قبر رسول خدا از شن قرمز رنگ است. (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۳۷ ص ۸۶۴) پس تا آن زمان قبر رسول الله بنا و زینت و... نشده بوده!
- ۲۰- عبدالرزاق صنعانی از قدمای شیعه از ابن طاووس روایت کرده: پیامبر ﷺ از اینکه بر قبر مسلمین بنایی ساخته شود و یا گچ کاری و یا بر روی آن زراعت شود نهی نموده و فرمودند: بهترین قبور شما قبری است که شناخته نشود. (المصنف، ۵۰۶/۳).
- ۲۱- ذکری: رسول خدا قبر فرزندش ابراهیم را مسطح نمود و قاسم ابن محمد گوید: قبر نبی اکرم و شیخین را در حالی دیدم که مسطح بود و نیز می گوید: قبر مهاجرین و انصار در مدینه منوره مسطح بود. (توحید عبادت سنگلجی انتشارات دانش ص ۱۴۹).
- ۲۲- امام صادق: قبر مرا از گل غیر خودش گل کاری نکنید (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۱۶ از ابواب دفن ص ۸۶۴).
- ۲۳- حضرت علی علیه السلام: رسول خدا از اینکه بر قبر، خاکی ریخته شود که از خودش نیست نهی فرمود. (مستدرک ج ۱ باب ۳۴ از ابواب دفن ص ۱۲۶).
- ۲۴- رسول خدا در آخرین لحظات عمر شریف: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثْنَا يَعْبُدُ». «خدایا، قبرم را بتی قرار مده که عبادت شود».
- ۲۵- شهید اول در کتاب ذکری گذاشتن یک قطیفه بر مرقد مطهر نبی اکرم را فاقد دلیل شرعی و ترک این کار را اولی دانست.
- ۲۶- (جالب است در مفاتیح و سایر کتب جعلی آمده که وقتی قبه قبر ما را دیدی چنان و چنین بگو و وقتی به ضریح رسیدی چنین و چنان بکن و این در حالی است که تا سالها پس از رحلت ائمه،

ساختمان و قبه و ضریحی بر مزار آنها نبوده است!!!).

۲۷- حضرت علی علیه السلام: شایسته است کسی که جلال پروردگار بر خود بزرگ می‌بیند و مقام حق در دلش عظمت دارد همه چیز جز حق در نظرش به سبب عظمت الهی کوچک آید. و من نمی‌پسندم که از ذهن‌تان بگذرد که مدح و ستایش خویش و شنیدن ثنای خود را دوست دارم. سپاس آن خدایی را که چنین نیستم. (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶).

۲۸- رسول خدا: پروردگارا، هیچ پناهگاه و گریزگاهی جز به سوی تو وجود ندارد.

۲۹- امام سجاد: ستایش سزاوار آن خدایی است که تمام درهای طلب حاجت را بروی ما بست مگر آن دری که فقط به سوی او منتهی می‌شود. (صحیفه سجادیه دعای اول) امام سجاد: خدایا، جز از تو طلب گشایش را نخواهم کرد. (مفاتیح الجنان اواخر دعای ابوحمزه ثمالی).

۳۰- (یکی از دعاهای کتاب جعلی مفاتیح: یا محمد و یا علی احفظانی فإِنکما حافظانی اکفیانی فإِنکما کافیانی). ای محمد و ای علی، شما دو نفر مرا حفظ کنید و شما دو نفر مرا کفایت کنید که شما مرا کافی هستید. ولی در سوره توبه می‌خوانیم: برای شما غیر خدا سرپرست و یابوری نیست. و در سوره نساء: ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۴۵]. «و کافی است که خدا ولی و سرپرست شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد». و در سوره زمر: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ [الزمر: ۳۶]: «آیا خداوند برای بنده خود کافی نیست؟». البته نبی اکرم و حضرت علی و سایر اصحاب

بلندقدر ایشان باید برای ما الگو و سرمشق باشند، ولی تفاوت است میان اسوه بودن تا داشتن عقاید شرک آمیز. سوره توبه (آیه ۱۱۸):

﴿أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾ [التوبة: ۱۱۸]. «هیچ پناهگاهی در برابر خداوند نیست مگر به سوی خود او». سوره انعام آیه ۵۰ و سوره هود آیه ۳۱: ﴿قُلْ... وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ﴾ [الأنعام: ۵۰]. «بگو... من غیب نمی‌دانم». (براستی این آیات چقدر برای شیعیان، عجیب و جدید و تازه و غیر قابل فهم، خواهد بود!).

۳۱- حضرت علی علیه السلام: «فقط از خدا حاجتت را بخواه زیرا عطا کردن و محروم ساختن فقط به دست خداست، و فقط خداست که تو را از گرفتاری رهایی می‌بخشد پس باید تعبد و بندگیت فقط برای او و رغبت تو فقط به سوی او باشد». (نهج البلاغه نامه ۳۱) که دقیقاً با آیات قرآنی موافق است مانند: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ [النمل: ۶۲]. «چه کسی [دعای شخص] درمانده را، چون او را بخواند، می‌پذیرد و سختی را بر می‌دارد».

۳۲- انجیل متی باب ۲۳: عیسی فرمود: وای به حال شما ای علمای دینی و فریسیان ریاکار، شما برای پیامبرانی که اجدادتان آنها را کشته‌اند با دست خود بنای یادبود درست می‌کنید!!!!

۳۳- ابو عمر عامر ابن شراحیل الکوفی متوفای ۱۰۴ هجری که بیش از ۱۵۰ تن از صحابه رسول خدا را دیده و از آنان حدیث اخذ کرده به قول ابن بطال همواره می‌گفت: اگر نه این بود که رسول خدا از زیارت قبور نهی فرموده است من قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت می‌کردم.

۳۴- عبدالرزاق الصنعانی شیعی در کتاب خود المصنف: کسی که قبرها را زیارت کند از ما نیست. (رسول خدا) المصنف ۵۶۹/۳ حدیث (۶۷۰۵).

۳۵- حاکم نیشابوری از عبدالله ابن عمرو ابن عاص روایت می‌کند: ما با رسول خدا مردی را که مرده بود در قبر گذاشتیم چون برگشتیم و برابر خانه آن میت رسیدیم ناگاه با زنی برخورد کردیم که گمان می‌کنم رسول خدا او را شناخت. پس فرمود: ای فاطمه، از کجا می‌آیی؟ آن زن گفت: از نزد خانواده این میت. رسول خدا فرمود: مبادا با ایشان به قبرستان رفته باشی؟ زن گفت: معاذالله که من با ایشان تا قبرستان رفته باشم در حالی که تو در این باب آنچه را که باید تذکر داده‌ای! رسول خدا فرمود: اگر با ایشان به قبرستان رفته بودی دیگر بهشت را نمی‌دیدى تا آنگاه که جد پدرت که بت پرست بود را ببینی!.

۳۶- پیامبر ﷺ ما را از زیارت قبور نهی فرمود. (مسند امام زید دار مکتبه الحیاة، ص ۲۴۶).

۳۷- رسول خدا: خدا لعنت کند زائرات قبور را. و کسانی که بر قبرها مسجد می‌سازند. (التاج الجامع الأصول فی أحادیث الرسول ۳۸۲/۱).

۳۸- رسول خدا: قبرم را محل آمد و شد قرار ندهید. (حدیث متواتر مورد اتفاق).

۳۹- حدیث عطاء ابن یسار از رسول خدا: بار خدایا، قبر مرا بتی قرار مده که پرستیده شود.

۴۰- حضرت صادق: بالای قبر ابراهیم پسر رسول خدا (که در سن ۲ سالگی فوت کرد) شاخه نخل خرمايي بود که چون خشک شد قبر

نیز گم شد و دیگر معلوم نشد (حتماً پسر رسول خدا نیز با ابوبکر و عمر دشمن بوده و برای نشان دادن این دشمنی به آیندگان، خواسته است محل قبرش مانند حضرت فاطمه نامعلوم باشد!) (کتاب کافی و کتاب من لایحضر الفقیه).

۴۱- رسول خدا: اگر نه این بود که جنازه حمزه با این وضع زنان ما را اندوهگین می‌کند ما او را وامی‌گذاشتیم تا درندگان و مرغان جسدش را بخورند و در روز قیامت از شکم درندگان و چینه دان مرغان محشور شود. (سیره ابن هشام و تفسیر علی ابن ابراهیم قمی و جلد ششم بحار الانوار و ...).

۴۲- دستور حضرت علی به ابی الهیاج: قبری را باقی مگذار مگر آنکه آن را با خاک یکسان سازی و تندیزی باقی مگذار مگر آنکه خرابش کنی.

۴۳- حضرت علی علیه السلام: هر که قبری را تجدید بنا کند و یا مجسمه‌ای بسازد از اسلام خارج شده است. (من لایحضره الفقیه صدوق و المحاسن برقی و جلد ۱۸ بحار الأنوار و وسائل الشیعة باب ۴۳).

۴۴- جناب حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی گروهی را در نزد قبر پیامبر دید. پس ایشان را از این عمل نهی نمود و فرمود: همانا پیامبر خدا فرمود: قبر مرا عید (محل آمد و شد) مگیرید و خانه هایتان را قبرستان نکنید. (المصنف صنعانی و وفاء الوفاء سمهودی ص ۱۳۶۰).

۴۵- در کتاب کافی از ابی القداح روایت شده که امام جعفر صادق فرمود: علی فرمود: رسول خدا مرا به مدینه گسیل داشت برای خرابی گورستانها و شکستن صورتها و فرمود: هیچ تصویری مگذار مگر اینکه آنرا محو کنی و هرچه قبری را مگذار مگر آنکه آنرا با زمین مساوی گردانی.

۴۶- در کتاب تهذیب شیخ طوسی و وسایل الشیعة باب ۴۴ از ابواب دفن آورده: علی ابن جعفر می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر سؤال کردم: آیا ساختمان روی قبر و نشستن بر روی آن خوب است؟ فرمود: نه ساختمان روی قبر خوب است و نه نشستن بر روی آن، و نه گچ‌کاری آن و نه گل‌مالی نمودن آن.

۴۷- در مجالس شیخ صدوق از حضرت امام صادق روایت شده که آن حضرت از اجداد بزرگوارش روایت نموده و گفت: رسول خدا از گچ مالی نمودن قبر و نماز خواندن در آن نهی فرمود.

۴۸- در محاسن برقی از جراح مدائنی از ابی عبدالله صادق روایت شده که فرمود: بر قبرها بنا نکنید و سقف‌های خانه‌ها را نقاشی نکنید برای اینکه رسول خدا این عمل را مکروه دانست.

۴۹- در وسایل الشیعة باب ۴۴ ابواب دفن از امام صادق روایت شده: رسول خدا نهی فرمودند که بر قبری نمازگزاری شود یا روی آن بنشینند یا بر آن ساختمانی بنا کنند.

۵۰- در معانی الأخبار آمده: پیامبر از گچ‌کاری گورها نهی فرمود.

۵۱- فقه الرضا روایت کرده: علی به سوی مردم آمد و فرمود: آیا می‌دانید که رسول خدا کسی را که قبرها را مصلی و جای نماز خواندن قرار دهد لعنت کرده است و کسی که با خدا معبودی دیگر قرار دهد نیز لعنت فرموده یعنی هر دو مشرکند!

۵۲- در علل الشرایع امام صادق از پدران بزرگوارش نقل نموده: قبر پیامبر ﷺ فقط یک وجب از زمین بالا آمده بود. (و خود پیامبر نیز که فرموده بودند قبر مرا قبله قرار ندهید و مسجد نکنید زیرا خدای تعالی یهود را برای اینکه قبور پیامبران خود را مسجد کرده بودند لعنت فرمود. (احادیث فوق همه از کتب شیعه می‌باشد و نه

از کتب وهابی‌ها و سنی‌ها!).

۵۳- ام سلمه به رسول خدا یادآور شد وقتی که در مهاجرت اول در حبشه بوده معبدی را دیده به نام ماریه و برای نبی اکرم آنچه که در آن از نقش و نگارها و آئینه کاریها دیده بود تعریف کرد حضرت رسول فرمود: اینان گروهی بودند که چون بنده صالح و مرد خوبی در میان ایشان می‌مرد روی قبر او مسجد می‌ساختند و در آن نقش و نگارها به کار می‌بردند. این قبیل مردم بدترین خلق خدایند. (التاج الجامع الأصول ج ۱ ص ۲۴۳ و ۲۴۴).

۵۴- پروردگارا، تو اولی و قبل از مخلوقات بوده‌ای.... و شفیع آنانی. کسی برتر از تو نیست تا میان تو و آنان حائل شود (یعنی واسطه) و جای رفتن جایگاهشان در قبضه قدرت توست. حضرت علی - صحیفه علویه دعای روز ۱۴ هر ماه.

۵۵- حضرت علی خطاب به امام حسن: بدان، خداوندی که گنج‌های آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه درخواست داده و اجابت آنرا به عهده گرفته است تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند. درخواست رحمت کنی تا ببخشد و خداوند بین تو و خودش کسی را قرار نداده تا حجاب و فاصله ایجاد کند و تو را مجبور نساخته که به شفیع و واسطه‌ای پناه ببری... (نهج البلاغه نامه ۳۱ در بازگشت از جنگ صفین).

۵۶- حضرت علی: تمت بنبینا حجتہ. با پیامبر ما حجت تمام شد (و دیگری حجتی نداریم) خطبه ۹۰ نهج البلاغه خطبه اشباح (ولی در زیارات جعلی و احادیث خرافی شیعه با هزاران حجت و واسطه و شرک و کفر، روبرو می‌شویم) در هر حدیثی که مشاهده کردید سخن از حجتی پس از پیامبر ﷺ شده طبق همین سخن

حضرت علی آن را رد کنید.

۵۷- اگر شفاعت خواهم پس سزاوار شفاعت نیستم.... پروردگارا، کرم و بزرگواریت را در خطاهایم شفیع فرما... هیچ شفיעی در پیشگاهت ندارم پس بگذار فضل و کرم تو برایم شفاعت کند. امام سجاد: صحیفه سجادیه دعای توبه و طلب آن.

۵۸- و اینکه چرا اینهمه حدیث جعلی در کتابها وارد شده: رجال کشی از امام محمد باقر روایت شده: در نزد ایشان نام سلمان برده می‌شود می‌فرمایند: او سلمان محمدی است همانا سلمان از ما اهل بیت بود او بود که همواره به مردم می‌گفت: شما مردم از قرآن گریخته به احادیث پناه بردید (شاید برای همین در زمان حیات همین سلمان حضرت عمر اجازه کتابت احادیث را نداد و...) از آن جهت که قرآن را کتابی یافتید که شما را بر نقیر و قطمیر و خردل (یعنی به اندک چیزی چون پوسته هسته خرما و خال پشت هسته) به حساب می‌کشد. از این جهت بر شما پذیرش قرآن سخت آمد و به تنگنا افتادید. لذا به احادیث پناه بردید زیرا بر شما گشایش داد. (رجال کشی چاپ کربلا ص ۲۲ و ۲۳).

۵۹- ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۹﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۶۰﴾ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۶۱﴾﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷]. «ما شما را می‌آزمائیم به چیزی از خوف و گرسنگی و نقص در اموال و جانها و میوه‌ها، پس بشارت و مژده ده صابران را * آنانکه به هنگام برخورد با مصیبتی گویند: ما از آن خدا هستیم و بسوی او باز می‌گردیم * آنانند که

مشمول صلوات و رحمت پروردگارشان هستند و همان‌ها هستند هدایت شدگان و راه‌یافتگان».

۶۰- ﴿يَبْقَىٰ أَقِيمَ الصَّلَاةِ وَأُمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾﴾ [لقمان: ۱۷]. «ای فرزند من، نماز را بپا دار و امر بمعروف و نهی از منکر نما و صبر کن بر آنچه بتو می‌رسد همانا که آن (صبر) از امور بسیار مهم است».

۶۱- ﴿فَالِهُكُمُ إِلَهُهُ وَحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [الحج: ۳۴-۳۵]. «پس اله شما معبود واحدی است، پس به او تسلیم شوید، بشارت ده صاحبان دلهای آرام را * آنانکه چون یاد خدا شود دل‌هایشان بترسد و بر آنچه به ایشان رسد صابر باشند و آنانکه نماز را بپادارند و از آنچه روزی ایشان کردیم انفاق می‌کنند».

۶۲- قال رسول الله ﷺ: «النياحة من عمل الجاهلية». (من لا يحضره - شيخ صدوق - جزء ۴) پیامبر خدا فرمود: «نوحه‌خوانی از کارهای دوران جاهلیت است».

۶۳- قال رسول الله ﷺ: «ليس منا من ضرب الخدود وشق الحيوب». (مسكن الفواد، شهيد ثانی) پیامبر خدا فرمود: «از ما نیستند کسانی که (به هنگام مصیبت) برگونه‌ها بزنند و گریبانها پاره کنند».

۶۴- قال رسول الله ﷺ: «ضرب المسلم بيده على فخذة عند المصيبة إحباط لأجره». (فروع کافی) پیامبر خدا فرمود: مسلمان به هنگام مصیبت چون با دست خویش بران خود بکوبد مزدش نابود می‌شود.

۶۵- قال رسول الله ﷺ: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲]. (مسکن الفواد) پیامبر خدا فرمود: خدا لعنت کند زنی را که چهره اش را در مصیبت بخرشد و گریانش بدرد و فغان و واویلا بگوید.

۶۶- در کتاب مسکن الفواد از ام سلمه روایت می‌کند: هنگامی که ابوسلمه (شوهر اولش) از دنیا رفت من با خود گفتم در این سرزمین من به این مصیبت گرفتار شدم گریه و عزاداری برای او برپا کنم. اتفاقاً زنی که نوحه‌گر بود هم بر من وارد شد و می‌خواست مرا در آن مصیبت کمک کند پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا می‌خواهید دوباره شیطان را که خدایتعالی از این خانه بیرون رانده است برگردانید؟!.

۶۷- در صفحه ۵۶ کتاب مسکن الفواد از یوسف بن عبدالله بن سلام نقل کرده که پیامبر اکرم ﷺ هر وقت شدت و مصیبتی بر خانواده اش وارد می‌شد ایشان را امر می‌کرد به نماز خواندن و این آیه را قرائت می‌کرد: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲]. «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر ادای آن شکبیا باش!».

۶۸- شیخ مفید در کتاب ارشاد جلد ۲ صفحه ۹۷ آورده که امام حسین به خواهرش زینب (س) فرمود: «ای خواهر جان من، تورا سوگند دادم و تو به سوگند من وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک مکن و چهره مخراش و در مرگ من واویلا و اثبورا (عذاب بر من باد خدایم مرگ دهد) مگو»^۱.

۱- این روایت، در تاریخ یعقوبی شیعه نیز وجود دارد.

۶۹- شیخ کلینی در فروع کافی ج ۳ ص ۲۲۵ از امام موسی بن جعفر آورده که فرمود: «مردی که به هنگام مصیبت دست خود بر رانش بکوبد موجب تباه کردن اجر خویش می‌شود».

۷۰- شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۲۰ از حضرت صادق آورده که فرمود: «هرکس به هنگام مصیبت دست خود بر رانش بکوبد اجرش تباه می‌شود».

البته بر قاتلین امام حسین لعنت ولی من سئوالی از شما دارم: اگر شما رحلت کردید (البته بعد از ۱۲۰ سال!) آیا بیشتر دوست دارید که انسان‌های زنده از رفتار شما تبعیت کرده و عقاید شما را رواج دهند و عملی کنند یا هر سال برای جسم فانی شما بر سر و مغز خودشان بکوبند؟ برآستی کدام شیعه یک حدیث از امام حسین بلد است؟ و کدام شیعه در برابر ظلم می‌ایستد و کدام شیعه رفتار و منش امام حسین را دارد؟ در مجمع علمای اهل سنت، شخصی از آقای ازغدی سؤال کرد چرا شما اینگونه عزاداری می‌کنید؟ ایشان پاسخ دادند «اینها جزو آداب و رسوم ماست!» واقعاً جای تعجب است مگر پیامبران نیامدند تا با همین آداب و رسوم شرک آمیز خرافی و شیطانی مبارزه کنند؟ و مگر زنده به گور کردن دختران، جزء آداب و رسوم اعراب جاهلی نبود؟

مورد دیگری که علمای شیعه مرتب به آن استناد می‌کنند حدیثی است مبنی بر اینکه در جهان آخرت پیامبر ﷺ سراغ اصحاب خویش را می‌گیرد و به او می‌گویند: تو نمی‌دانی اصحاب و یارانت پس از تو چه کردند و آنها پس از تو مرتد شدند.

سوال ما این است که چطور این حدیث مورد استناد شماست؟ مگر شما عقیده ندارید که پیامبر و امامان پس از مرگ نیز از احوال ما باخبرند و در

واقع زنده‌اند، پس چطور در این حدیث پیامبر ﷺ از یاران خودش هم بی‌خبر است؟ و حتی از حوادث پس از رحلت خویش اطلاعی ندارد.

مگر شما نمی‌گوئید: حضرت فاطمه به کسانی که علیه او ظلم کرده بودند فرموده که شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد، پس چطور پیامبر ﷺ بی‌اطلاع است.

و شما از کجا متوجه شده اید که منظور از اصحاب ابوبکر و عمر هستند؟ و از کجا فهمیدید که منظور از ارتداد غصب خلافت علی بوده؟ این خلافت الهی ادعای شماست که هنوز هم نتوانسته اید آنرا ثابت کنید.

افسانه سوختن در کلبه‌ی بی‌در!

سئوالی در خصوص اینکه اتاقت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دربی نداشته و شهادت ایشان افسانه‌ای بیش نیست:

- در آیه‌ای از قرآن خطاب به اعراب آمده که پشت اتاق‌های پیامبر، صدای تان را بلند نکنید. علت مشخص است چون دری وجود نداشته که آنها به در بزنند صدایشان را بلند کرده و به خاطر کوچک بودن اتاقها موجب آزار و اذیت دیگران را فراهم می‌آوردند.

- در آیه ۵۳ سوره احزاب آمده که ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾ [الأحزاب: ۵۳]. «ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل خانه‌های پیامبر نشوید مگر اینکه به شما اجازه داده شود». (و این آیه به خوبی نشان می‌دهد که اتاق‌های (سوره حجرات: حجره = اتاق) نبی اکرم دربی نداشته و به جای درب، پارچه آویزان می‌کرده‌اند.

- در ب خانه: طبق تحقیق اینجانب اصلاً در آن زمان اتاق‌های همسران پیامبر ﷺ دربی نداشته و اتاق‌های زنان و حضرت فاطمه که

داخل مسجد بوده‌اند درب نداشته است، و به جای درب از پرده استفاده می‌کرده‌اند. به این علت که وجود خود مسجد، حایل و حفاظ بوده است. ولی در جاهای دیگر مثل منازل یهودیان در خیبر یا اشخاص ثروتمند درب بوده است و اما دلایل دیگر:

- اگر شما حتی هم اینک به محلات قدیمی شهر یا به روستاها بروید و درهای چوبی را که همین ۵۰ یا ۸۰ سال قبل ساخته شده است ببینید متوجه می‌شوید که چقدر شرایط مکانیکی و اصولی این درها مسخره و معیوب است. (قفل، لولاها و...) حتی برخی مناطق فقیر به جای در، پارچه آویزان کرده‌اند! اکنون چگونه ممکن است ۱۴۰۰ سال قبل در محیطی که نه نجار داشته و نه درختی به جز درخت خرما، دری چنان محکم بر اتاقل محقر و فقیرانه‌ای نصب شده باشد که فقط با آتش زدن می‌شده آنرا از جا کند؟ و آیا کسی می‌تواند پشت دری که در حال سوختن و دود کرده است بایستد؟ و آیا مردی داخل آن اتاق نبوده (دقت کنید که خانه‌ای در کار نبوده و فاطمه و سایر زنان دارای حجره‌هایی کوچک یا همان اتاقل بوده‌اند) که حضرت فاطمه را از چنین شرایطی دور کند؟ (البته حتی در کتب اهل سنت چند حدیث معدود است که به وجود درب برای اتاق پیامبر اشاره دارند ولی دلایل نبودن درب بسیار بیشتر می‌باشند. البته حتی این احادیث نیز مربوط به اتاق عایشه است و نه اتاق حضرت فاطمه).

- دکتر ابوالقاسم پاینده (از نویسندگان شیعه) در مقدمه نهج الفصاحه نوشته: اتاق زنان پیامبر ص از شدت فقر درب نداشته و جلوی آن پارچه آویزان می‌کرده‌اند (همچنین رجوع کنید به داستان‌هایی که می‌گوید: پیامبر از سفر برگشت و دید فاطمه پارچه‌ای رنگی جلوی

اتاقش گرفته و... یا آیاتی که می‌فرماید از وراء حجاب یا پرده با زنان پیامبر سخن بگویند (احزاب/۵۳) دقت کنید که تمامی این آیات در مورد اتاق پیامبر و همسران پیامبر می‌باشند که مورد نظر ما است نه جاهای دیگر که ممکن است درب بوده باشد.

- مرتضی مطهری در کتاب مساله حجاب می‌نویسد: از نظر اسلام، هیچکس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه قبلی به خانه دیگری داخل شود. در بین اعراب، در محیطی که قرآن نازل شده است معمول نبوده که کسی برای ورود در منزل دیگران اذن بخواهد. در خانه‌ها باز بوده همانطوری که الان در دهات دیده می‌شود... اولین کسی که دستور داد برای خانه‌های مکه مصرعین یعنی دو لنگه در قرار دهند معاویه بود و هم او دستور داد که درها را ببندند. (خلافت معاویه هم که متعلق به ۳۰ سال پس از این وقایع است!).

در آیه ۲۷ سوره نور آمده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [النور: ۲۷]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید». و مسلماً اگر خانه‌ها در داشت خداوند می‌فرمود ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایتان را ببندید. (البته به احتمال فراوان، خانه‌های برخی از افراد یهودی متمول و برخی از مسلمانان پولدار، درب چوبی داشته است) مطهری در کتاب مساله حجاب ص ۱۷۰ در تفسیر آیه ۵۳ سوره احزاب چنین می‌نویسد: عربهای مسلمان بی‌پروا وارد اتاق‌های پیامبر می‌شدند. زن‌های پیامبر هم در خانه بودند. آیه نازل شد که اولاً سرزده و بدون اجازه وارد خانه پیغمبر نشوید و ثانیاً وقتی می‌خواهید چیزی از زنان پیامبر بگیرید از پشت پرده بخواهید بدون اینکه داخل اتاق شوید.

- در تاریخ طبری آمده: و چنان شد که دریا کشتی‌ای را که از آن یکی از بازرگانان رومی بود به جده انداخت که درهم شکست و چوب آنرا بگرفتند و برای سقف کعبه آماده کردند و یک مرد قبطی در مکه بود که نجاری می‌دانست و مقدمه کار فراهم آمد ص ۸۳۸ (یعنی در آن روزگار: کسانی مانند یهودیان و اشراف قریش و کلاً کسانی که وضعیت مالی خوبی داشته‌اند و داخل خانه نیز لوازم قیمتی، خانه آنها در چوبی داشته ولی اکثر خانه‌ها بدون درب بوده است. حتی برای ساختن سقف کعبه چوب وجود نداشته است، و نجار هم قبطی بوده و عربها، نجار هم نداشته‌اند.

- بعلت نبودن درختی به جز نخل^۱، جلوی اکثر درها پارچه آویزان می‌کرده‌اند و اصولاً اتاقک حضرت فاطمه که داخل مسجد بوده نیازی به درب نداشته است! و اصلاً دختر پیامبر ﷺ زاهدانه می‌زیسته و نیازی به گذاشتن درب و صرف هزینه اضافی نبوده است، و فراموش نکنید بودن درب در آن زمان برای افراد ثروتمند بوده نه برای اتاقک کوچک حضرت فاطمه (همچنین مراجعه کنید به آن داستانی که حضرت فاطمه پارچه رنگین آویزان کرده بودند و پیامبر از مشاهده آن ناراحت شدند و داستانی که رییس آن قبیله بدون اجازه وارد اتاق پیامبر و عایشه می‌شود و آیاتی که می‌گوید پیامبر را از پشت حجرات - اتاقک‌ها - بلند صدا زنید و با اجازه وارد شوید و...).

- آتش زدن درب خانه دختر پیامبر و شهادت ایشان و سقط جنین داخل رحم و... موضوعی بسیار مهم است که باید همه متوجه آن

۱- چوب درخت نخل برای نجاری مناسب نیست.

شده و داستان‌ها و شعرها پیرامون آن بسازند (در همان زمان نه در زمان‌های بعدی) چگونه در هیچ سند تاریخی حتی اشاره مردم مدینه به این موضوع وجود ندارد. کتاب سلیم ابن قیس که برای اولین بار به این افسانه اشاره می‌کند در اوایل قرن چهارم هجری سر و کله‌اش پیدا می‌شود و علمای بسیاری مانند ابن غضائری، لویی ماسینیون و شیخ مفید معتقدند در این کتاب خلط و تدلیس صورت گرفته و این کتاب جعلی است.

- آیات قرآن: برخی از اعراب می‌آمدند و پیامبر را از پشت خانه بلند صدا می‌کردند و با سر و صدا موجب آزار دیگران می‌شده‌اند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید بدون اجازه وارد اتاق نشوید و یا ماجرای آن رییس قبیله‌ای که بدون اجازه در حضور نبی اکرم، وارد اتاق عایشه می‌شود و... همه اینها بیانگر آن است که اتاق‌ها درب نداشته است.

- خود پیامبر ﷺ که هنگام ورود می‌گفته‌اند: «السلام علیک یا اهل بیت النبوة...» زیرا دربی وجود نداشته که بخواهند با کوبیدن بر آن درب، اعلام ورود کنند! و به جای آن، این سخن را می‌گفته‌اند. تنها آیه‌ای که به درب و کلید اشاره دارد آیه ۶۱ از سوره نور می‌باشد ۱- همانطور که قبلاً نیز گفتیم، بحث ما فقط پیرامون اتاق حضرت فاطمه و اتاق‌های همسران پیامبر ﷺ است نه جایی دیگر، و این آیه به طور عام برای کل مسلمین آمده تا بدانند در صورت داشتن کلید حق ورود دارند مثل منازل یهودیان در جنگ‌های با یهودیان و جنگ خیبر و... و یا حتی پس از فتح ایران و روم و مصر که در آن کشورها به طور حتم درب بوده است، و آیاتی که ما برای عدم وجود درب آوردیم مربوط به خانه پیامبر و همسران او

است. ۲- از ابتدای آیه تا انتها ۹ مرتبه از کلمه بیت و بیوت استفاده شده ولی در موردی که کلمه کلید آمده (مفاتحه) به جای بیوت کلمه ملکتم آمده و ملکتم را می‌توان به چیزی که مالک آن هستی معنی کرد همچون صندوقچه. ۳- شما برای جایی درب به همراه کلید می‌گذارید (آن هم در ۱۴۰۰ پیش) که شیء یا چیزی قیمتی در آن باشد نه اتاقد حضرت فاطمه و همسران پیامبر ﷺ که به طور حتم از جواهرات و چیزهای قیمتی خالی بوده و زندگی زاهدانه‌ای داشته‌اند. حضرت علی در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه در مورد راه و رسم زندگی پیامبر ﷺ فرموده: بر روی زمین می‌نشست و و غذا می‌خورد و چون برده ساده می‌نشست و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد و جامه خود را می‌دوخت و بر الاغ برهنه می‌نشست و دیگری را بر پشت سر خویش سوار می‌کرد پرده‌ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود به یکی از همسرانش فرمود: این پرده را از جلوی چشمانم دور کن که هرگاه نگاهم بدان می‌افتد به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم.

ما می‌پرسیم: مگر چه چیز درون اتاق حضرت فاطمه بوده که بخواهد برای آن درب بگذارد، چون گذاشتن درب چوبی در آن زمان هزینه ساز و مشکل بوده و هزینه آن درب چوبی از مجموع اشیاء اتاق حضرت فاطمه بیشتر می‌شده است، و مثل این می‌ماند که هم اکنون شما برای خرید خانه پولی نداشته باشید ولی بخواهید بروید و یک بنز آخرین مدل را خریداری کنید، آیا این امر معقول و منطقی است؟

و برای حسن ختام به این حدیث از حضرت علی علیه السلام دقت کنید:

«خوشا به حال کسی که از پندگویی که هدایتش می‌کند اطاعت کند و از فریبکاری که او را به گودال گمراهی می‌افکند بپرهیزد». (غرر الحکم جلد ۲ ص ۴۶۵).

امیدوارم طرح این سوالات باعث ایجاد تعقل و تفکر در شما گردد تا شاید به فکر تحقیق بیشتر در مذهب وراثتی و تقلیدی خود باشید^۱.

نکته‌ای بسیار مهم:

از آنجا که به احتمال فراوان مانند همیشه به این پرسش‌ها پاسخ‌های جدلی و کلامی داده خواهد شد توجه خواننده عزیز را به نکات زیر جلب می‌کنم:

تمامی مباحث و اختلافاتی که بین شیعه و سنی در گرفته در این نکته ساده نهفته است که شیعه اعتبار عجیبی برای علوم نقلی قائل است. (علوم نقلی یعنی حدیث و تاریخ و کلاً آنچه دیگران گفته‌اند و عده‌ای نوشته‌اند) و این آخر ماجرا نیست زیرا همین عقاید بر اساس گزینش و طبقه بندی یک سری خاص از بین احادیث و وقایع و روایات تاریخی صورت گرفته است. درست است که قرآن نیز به نوعی در حوزه علوم نقلی واقع می‌شود ولی نظر

۱- لازم به تذکر است که برخی از اهل سنت به هنگام مواجه شدن با تبلیغات شیعیان فوری به مذهب شیعه روی می‌آورند و علت این است که تصور می‌کنند این مذهب شیعیان فعلی همان مذهب اهل بیت و شیعیان حضرت علی است و فکر می‌کنند شیعه تنها سخنش پیروی از اهل بیت و دوستی ایشان است و هیچ نوع گمراهی ندارد، در صورتیکه امثال اینجانب که از بدو تولد در میان شیعیان بوده‌اند با عقاید شرک آمیز و خرافاتی ایشان به خوبی آشنا هستند و این دسته از اهل سنت می‌بایست مدتی در ایران و میان عوام شیعه باشند تا پی به حقیقت ببرند و یا حتی از اهل سنت داخل ایران همچون مردم زاهدان سوال و تحقیق کنند نه اینکه چشم بسته شیعه شوند و البته آخوندهای مبلغ تشیع در کار خود استاد هستند و مطمئن باشید در مرحله اول تبلیغات خود زیارت عاشورا و لعن ابوبکر و عمر را تدریس نمی‌کنند، بلکه تنها از دوستی اهل بیت صحبت می‌کنند و قدم به قدم جلو می‌روند و به آرامی ذهن اهل سنت را آماده می‌کنند برای لعن صحابه، قبرپرستی، غلو، خواندن غیرخدا و شرک و خرافات دیگر، امیدوارم این کتاب برای روشن شدن ذهن اهل سنت ناآگاه و همینطور شیعیان مفید واقع شود.

به اعجاز آن و اجماع تمامی فرق مسلمین بر حجیت و قطعی الصدور بودن آن، انسان می‌تواند به راحتی و آرامش خیال، عقایدش را بر مبنای قرآن پایه ریزی کند ولی اگر روز قیامت خداوند از تو سؤال کرد که چرا بر مبنای فلان عقیده، فلان سخن را گفתי یا فلان کار را کردی آیا می‌گویی به خاطر وجود احادیث و روایات؟! هر چند مثل روز روشن است که روایت و حدیث، جایگاه مطمئنی برای پایه ریزی عقیده و جهنمی یا بهشتی شدن نیست. (به خصوص اگر با مباحث جدلی و کلامی و تحلیل‌های امروز پسند مخلوط شود) ولی ما با همین چند سؤال ساده؛ دروغ بودن اندیشه‌های باطل را ثابت می‌کنیم.

دامنه کلام در اینجا بسیار گسترده است ولی نظر به اهمیت موضوع به طور بسیار خلاصه توجه شما را به چند نکته جلب می‌کنم:

۱- علمای شیعه و سنی متفق القولند که قرآن قطعی الثبوت و احادیث ظنی الثبوت‌اند. یعنی می‌توان بر روی تمامی آیات قرآن، قسم خورد و مطمئن بود که از جانب خداست ولی روی هیچ حدیثی حتی متواتر با سلسله راویان درست، نمی‌توان قسم صد در صد خورد و اطمینان و علم کامل داشت.

۲- آیات متعددی در قرآن وجود دارد که در آنها خداوند می‌فرماید: ظن و گمان در پیشگاه خدا جایگاهی ندارد و برخی گمان‌ها گناه است و آنچه را بر آن علم نداری پیروی نکن. (اسراء/۳۶، نجم/۲۸).

۳- بیشترین عقاید شیعه بر مبنای حدیث و شان نزول گزینشی برخی آیات و برخی قصه‌های انتخاب شده تاریخی است. البته شیعه حتی تعداد زیادی از احادیثی که در کتب قدیمی علمای طراز اول خودش هم وجود دارد را قبول نمی‌کند (مانند احادیث متعددی که ساخت و ساز روی قبرها را مساوی شرک دانسته و...) یا آنها را حمل بر تقیه می‌کند و...

۴- یک نمونه ساده که خواننده عزیز متوجه شود چقدر می‌توان به حدیث دل بست: محدث نوری عالم شیعه کتابی می‌نویسد با نام: فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب. او قصد داشته در این کتاب ثابت کند که قرآن تحریف و کم و زیاد و دستکاری و... شده است. او در این کتاب در اثبات این عقیده خود دو هزار حدیث از بین منابع شیعه جمع آوری می‌کند!! سؤال اینجاست: وقتی می‌توان برای اثبات هر اعتقاد فاسدی دوهزار حدیث از بین متون مختلف جمع آوری کرد ما از کجا می‌توانیم به سایر عقاید خرافی شیعه که تمامی آنها بر مبنای حدیث و قصه است اعتماد کنیم و قرآن را رها کنیم؟ (ضمناً این نکته را نیز متذکر شوم که سلسله روایات بسیاری از این دو هزار حدیث، درست و معتبر است. مانند آن حدیث دروغ که در اصول کافی قدیمی‌ترین و معتبرترین منبع روایی شیعه آمده که می‌گوید: قرآن دارای هفده هزار آیه بوده که فقط شش هزار آیه آن باقی مانده و تمامی روایات این حدیث نیز درست و خوب بوده‌اند!! ممکن است آخوندها بگویند: این احادیث مخالف آن آیه است که می‌فرماید خداوند وعده حفظ قرآن را داده ولی اگر بنا به توجیهاات مسخره شما باشد می‌توان گفت: بله ولی وعده حفظ آنرا در لوح محفوظ داده یا اینکه قرآن اصلی نزد امام زمان است و وقتی ظهور کردند آشکار می‌شود و... مطالبی که بسیاری از شیعیان تا یک قرن پیش کاملاً با آن موافق بودند).

برخی ادعا می‌کنند که ایشان از قول خودش برگشته است در حالی که اینطور نیست و یکی از علمای اهل سنت بر ایشان رد نوشتند و بعد ایشان دوباره بر عقیده خویش اصرار کرده و رد آن ردیه را نوشته‌اند.

۵- نمونه دیگر: همانگونه که در بالا اشاره شد اصول کافی قدیمی‌ترین و معتبرترین منبع روایی شیعه است و حدود ۱۵ هزار حدیث دارد (و عجیب است که آخرین منبع روایی شیعه یعنی بحار الانوار دارای هفتصد هزار حدیث است! که این خود جای تامل و تحقیق دیگری دارد) در بین سلسله راویان ۱۲۰۰ حدیث از احادیث اصول کافی نام عثمان بن عیسی وجود دارد که از نظر علم رجال مطرود می‌باشد! علامه برقی نیز در کتاب بت شکن خود (که در ایران اجازه چاپ ندارد) ضعیف بودن و مخالف قرآن بودن بسیاری دیگر از احادیث اصول کافی را اثبات کرده و حتی بسیاری از این احادیث را که محمدباقر مجلسی! و محمدباقر بهبودی آنها را ضعیف دانسته‌اند تک تک ذکر نموده است!! به این ترتیب چه اعتمادی بر حدیث (شیعیان) است؟ ضمناً ذکر این نکته خالی از لطف نیست که محال است شما یک حدیث پیدا کنید و بعد حدیثی کاملاً ضد و مخالف آنرا پیدا نکنید.^۱ بگذریم.

۶- مکتب و مدرسه اخباری‌گری (یعنی اعتماد صرف به حدیث) سال‌ها قبل در برابر مدرسه اصولی شکست کامل و مفتضح خورد و بساطش به یکباره از روی کره زمین، برچیده شد ولی متأسفانه مانند غده‌ای در بطن جامعه شیعی پخش شد و بر سر هر کوی و برزن بر زبان مداحان و آخوندهای نادان در قالب حدیث جاری و در مغز عوام کالانعام فرو رفت و جا خوش کرد. و اثراتش اینهمه شعر و دروغ و کفر و خرافه در جامعه ایرانی است که می‌بینید!!

۱- البته در اسلام جایگاه احادیث صحیح محفوظ است و پیروی از سنت پیامبر ﷺ واجب است، ولی هر حدیث جعلی، ضدقرآنی، خرافی و مورد میل دکانداران مذهبی را نمی‌توان پذیرفت.

۷- نه تنها من و یا تمامی محققان غیر مسلمان و علمای سنی و بسیاری از اساتید شیعه و همینطور کسانی چون علامه برقی، سیدمصطفی حسینی طباطبایی، غروی، سیدمحمدباقر دُرچه ای، صالحی نجف آبادی و.... بر همین اعتقادند که حدیث و روایت هیچ جایگاه مطمئنی برای بنا کردن اصول اعتقادی نیست.

۸- ممکن است توسط روحانیون در اینجا شبهه‌ای مطرح شود که پس تکلیف سنت و پیروی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و یا امامان چه می‌شود؟ پاسخ: - ما احادیث و روایاتی که منطبق با قرآن و عقل و سیره شناخته شده آن بزرگواران باشد را قبول داریم. ولی چه کسی می‌تواند باور کند که مثلاً وقتی در قرآن خداوند می‌فرماید به بت‌های کافران توهین نکنید و حضرت علی در جنگ صفین به یاران خود می‌فرماید به جای توهین به سپاه معاویه آنها را دعا کنید همین انسانهای بزرگوار زیارت عاشورا می‌خوانده‌اند؟! زیارتی که در آن ۱۸ بار کلمه لعن آمده و همچنین سایر احادیثی که از آن بوی شرک و تفرقه و خرافه می‌آید؟ (البته لعنت بر قاتلان امام حسین، ولی منظور من چیز دیگری است).

- فرق است بین پیروی کردن از سیره آن بزرگواران تا دنبال هر حدیث و روایت و قصه دورغین تاریخی و زیارتنامه جعلی رفتن و دست زدن به اعمال شرک آمیز چون گنبد و قبه ساختن. ما طبق متون معتبر و قدیمی تاریخی می‌دانیم که آن بزرگواران بیشتر طالب صلح بوده‌اند تا جنگ، ولی به عنوان مثال سردمداران روحانی جمهوری اسلامی چهار سال جنگ با عراق را بیهوده کش دادند آقایان همیشه جنگ امام حسین را که یک جنگ کاملاً تحمیلی به ایشان بود را عنوان می‌کنند و صلح حدیبیه و صلح امام حسن و همکاری

حضرت علی با خلفاء و... در روش ایشان هیچ جایگاهی ندارد!! برای نمونه به این سخن آیت الله خامنه‌ای دقت کنید: امروز دشمن قادر نیست... نه آمریکا و نه بزرگتر از آمریکا - اگر در قدرت‌های مادی باشد - قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند اینجا اگر دشمن خیلی فشار بیاورد حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد!! (سخنرانی مورخ ۱۳۷۹/۲/۳ کتاب حامیان و ابستگی، محمد صدیقی، انتشارات اصفهان شهید حسین فهمیده چاپ اول تابستان ۱۳۸۱) سیره آن بزرگواران بر گذشت و مدارا و اجازه سخن به مخالفین دادن (مانند سئوالات منکرین خدا از امام صادق و...) توجه کامل به حقوق زنان، کمک به فقرا، قرآن را امام خود قرار دادن، تزکیه نفس و صفای باطن و عبادت خداوند، همکاری و مشورت و کمک به خلفاء (تا وقتی که آنها طبق قرآن و سنت پیامبر عمل می‌کرده‌اند) و امر به معروف و حتی قیام علیه آنها وقتی که آنها دست از قرآن می‌کشند و جامعه رو به مادیات و فساد می‌رود (مانند امام حسین) اهتمام به علم و دانش و نظافت و پاکیزه‌گی و... براستی آیا برادران اهل سنت و حتی سایر ادیان در اینگونه موارد با ما اختلافی دارند؟ آری، اختلاف آنجا پیدا می‌شود که شما بر خلاف سیره آن بزرگواران لعن و نفرین می‌کنید و روی قبرها قصر می‌سازید و امام شما به جای قرآن، حدیث و قصه می‌شود و روایات و احادیث و وقایع تاریخی که مخالف عقاید شماست را دروغ می‌دانید!! براستی شما پیرو علی هستید؟ علی در جنگ صفین سپاهیان خود را از دشنام و لعن سپاه معاویه بر حذر داشت، علی نام سه فرزند خود را عمر و ابوبکر و عثمان گذاشت، علی هرگاه بر منبر می‌رفت برای خلفای قبلی طلب آمرزش می‌کرد،

علی با همسر ابوبکر ازدواج کرد و دخترش را به ازدواج عمر درآورد، دوبار جانشین عمر در مدینه شد، براستی مگر علی نگفته: افراد و اشخاص، ملاک حق نیستند و مگر علی نگفته: الزموا بالسواد الاعظم: ملتزم شوید به گروه بیشتر مسلمانان... پس ما متوجه می‌شویم که مشکل، جای دیگری است. اگر تعداد اندکی از روحانیون و مداحان از روی نادانی عربده کشی می‌کنند مسلماً بسیاری نیز برای گرمی دکان و برقراری سنت غلط دریافت خمس و داشتن مقلد و کینه توزی با اهل سنت و دست نکشیدن از روش غلط آباء و اجداد خود، حاضر به پذیرش حق نیستند، بگذریم.

۹- به عنوان یک نمونه دیگر از تحلیل‌های غلط و سوء برداشت از احادیث به نفع مقاصد سیاسی خود: شیعه معتقد است که نبی اکرم فرموده‌اند شیعیان علی رستگارند. هر چند شیعیان واقعی علی رستگارند ولی صحت این حدیث بسیار بعید است زیرا حضرت علی در هیچیک از خطبه‌ها و نامه‌های خود و همچنین یاران ایشان در همان زمان در هیچیک از شعرها و رجزخوانی‌ها و مناظرات و مباحثات به این حدیث و سایر احادیث مورد نظر شیعه اشاره‌ای نمی‌کنند. بگذریم. به فرض صحت: ۱- نبی اکرم نظر شخصی خود را بیان داشته‌اند و فرموده‌اند این سخن من وحی و سخن خداوند است زیرا ما می‌دانیم طبق آیه ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]. ۱- پیامبر اکرم فقط در مقام دریافت و ابلاغ وحی عصمت کامل و محض داشته‌اند. ۲- منظور نبی اکرم ﷺ دوستان حضرت علی در زمان حیات ایشان بوده‌اند و نه اینکه کسانی بیابند و سالها بعد به بهانه این حدیث در کنار دین برای

خود دکانی به نام مذهب باز کنند. ۳- کجای قرآن نوشته که پیروی از علی یعنی اینکه او حتما باید خلیفه باشد؟ ۴- همانطور که در بالا اشاره شد شما در هیچیک از روشهای خود پیرو علی نیستید. ۵- این حدیث درست یا غلط، نمونه بسیار جالبی است از اینکه احادیث چگونه می‌توانند قرآن را از موضوعیت و اثر بیندازند خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَلَدَيْنَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹]. «دین نزد خدا اسلام است». و نفرموده دین یعنی سنی و شیعه و... ولی متأسفانه چنین آیات واضح و وحدت آفرینی به دست یک مشت انسان احمق و با استناد احمقانه به چند حدیث از کاربرد افتاده است ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۷]. «و ستمکاران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می‌گردند».

۱۰- نتیجه: هر گاه ملت ما بتواند این نکته بسیار ساده را بفهمد که تاریخ با احادیث شیعیان (نه احادیث اهل سنت) فرق دارد که این دو چیز جدا از هم هستند. که علم تاریخ به حقیقت نزدیکتر است تا کتابهای حدیثی اهل تشیع. که اگر تاریخ، دروغگوی بزرگی است احادیث اهل تشیع پدر او و علم کلام مادر اوست. که با بررسی علمی و بی‌طرفانه متون تاریخی (یعنی با بی‌پدر و مادر کردن آن) می‌توان مشت احادیث دروغ شیعیان را باز کرد. که احادیث شیعه یک قطعه کوچک از جریانی مبهم و شاید جعلی ولی تاریخ، قطعه کاملی از یک جریان ممتد است. و در این راه عقائد موروثی و تقدسات ساختگی و سفسطه‌های آخوندی در تجزیه و تحلیل ما تاثیر نگذارد. آنگاه است که بسیاری از مشکلات

ما حل می‌شود و دیگر کسی نمی‌تواند با پیچاندن آیات قرآن، خمس منافع سالیانه ما را بگیرد و به جای انتخابات آزاد، یک عمر با چماق دین و با عنوان ولایت بر ما حکومت کند و یا قلاده به گردن ما بگذارد تا مثل سگ دنبال او عو عو کنیم و نام خود را مقلد بگذاریم و... سخن خود را با دو حدیث پیامبر به پایان می‌رسانم برای کسانی که به حدیث خیلی علاقه دارند البته اگر راست می‌گویند:

- «حلال آن است که خداوند در قرآن حلال کرده است و حرام آن است که خداوند در قرآن حرام کرده است و هر چه را مسکوت گذاشته مورد عفو و گذشت می‌باشد» (نهج الفصاحه و سنن الترمذی ۱۷۸۰/۱۳۴/۳).
- «ای مردم، هیچ چیز را به من ارتباط ندهید زیرا من چیزی را حلال یا حرام نکردم جز اینکه خدای تعالی آنرا حلال یا حرام گردانید.» (نهج الفصاحه).

توضیحی پیرامون نام این کتاب

عوام و بازاری‌ها در ایران در پاسخ مدعی، مثلی می‌آورند با این مضمون:
اگر چنین و چنان شد من ریش و سبیلم را می‌تراشم و به جای آن
سرخاب و سفیدآب می‌مالم. هر چند من در تمامی این تحقیق از مراتب ادب
اسلامی خارج نشدم ولی با کمال معذرت از آقایان خوارج حزب اللهی من
نیز در صورتی که آخوندها فقط به ۱۰٪ سئوالات این تحقیق، پاسخی عقلی
و منطقی و قرآنی و منطبق با شواهد مسلم تاریخی بدهند، حاضرم چنین کنم!!

پایان

پائیز ۱۳۸۷ هجری شمسی